

فکرین

رشد
آموزش

دوره هفتم، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۹



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی

فصلنامه‌ی آموزشی، تحلیلی، اطلاع‌رسانی

مدیر مسئول: محمد ناصری

سردبیر: سید محسن میر باقری

دبیر تحریریه: یونس باقری

هیئت تحریریه: فریبا انجمنی، یونس باقری،

سید مهدی سیف، زهرا کاشانی‌ها، مجید معارف،

سید محمد حسین میر باقری

و مسعود وکیل

طراح گرافیک: نوید اندرودی

ویراستار: کبری محمودی

نشانی پستی دفتر مجله: تهران، صندوق پستی: ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵

تلفن دفتر مجله: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۱۲)

تلفن مستقیم: روزهای دوشنبه ۵۷۷۱-۸۸۳۰

مدیر مسئول: ۱۰۲/ دفتر مجله: ۳۱۲/ امور مشترکین: ۱۱۴

پایگاه اینترنتی: www.roshdmag.ir

رایانامه: info@roshdmag.ir

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۵، ۷۷۳۳۶۶۵۶

پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

شمارگان: ۹۰۰۰

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

قابل توجه نویسندگان و پژوهشگران:

مجله‌ی رشد آموزش قرآن، نوشته‌ها و گزارش تحقیقات پژوهشگران و متخصصان تعلیم و تربیت به‌ویژه معلمان دوره‌های مختلف را در صورتی که در نشریات عمومی درج نشده و مرتبط با موضوع مجله باشد، می‌پذیرد. لازم است در مطالب ارسالی، موارد زیر رعایت شود:

چکیده‌ای از کل محتوای ارسال شده حداکثر در ۲۵۰ کلمه، همراه مطلب ارسال شود. بی‌نوشت ها و منابع کامل باشد و شامل نام اثر، نام نویسنده، نام مترجم، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره‌ی صفحه‌ی مورد استفاده باشد. در متن‌های ارسالی تا حد امکان از معادل‌های فارسی واژه‌ها و اصطلاحات استفاده شود. اصل مقاله‌های ترجمه شده به پیوست آن، ارسال شود. نشر مقاله روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت شود. شکل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها و تصاویر به پیوست در حاشیه‌ی مطلب مشخص شود. مطالب یک خط در میان و در یک روی کاغذ نوشته و در صورت امکان تایپ شود. مطالب مندرج در مجله، الزاماً مبنی نظر دفتر انتشارات کمک آموزشی نیست و مسؤلیت پاسخگویی به پرسش‌های خوانندگان، با خود نویسنده یا مترجم است. مقاله‌های دریافتی در صورت پذیرش یا رد، بازگشت داده نمی‌شود. مجله در پذیرش، رد، ویرایش و یا تلخیص مقاله‌های رسیده مجاز است.

روش تحقیق و پژوهش در قرآن کریم / دکتر محمدعلی لسانی فشارکی / ۳

گفت‌وگو با رضا دزفولی / رمضانعلی ابراهیم زاده گرجی / ۱۰

روش رفع اشکالات دانش‌آموزان در روخوانی قرآن / غلامعباس سرشور خراسانی / ۱۶

علائم وقف سجاوندی / ابوالفضل علامی / ۲۰

طراحی آموزشی / دبیرخانه درس دینی و قرآن / خراسان رضوی / ۲۶

گفت‌وگو / محمدرضا مسیب‌زاده / رمضانعلی ابراهیم زاده گرجی / ۳۰

درآمدی بر تدبیر در قرآن / دکتر مجید طالب تاش / ۳۷

منشور توسعه‌ی فرهنگ قرآنی / یونس باقری / ۴۰

نگاهی به آموزش تفکر در قرآن کریم /

کمیته‌ی رویکرد فرهنگی و تربیتی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب‌های درسی / ۴۴

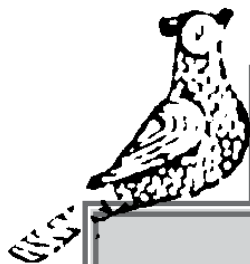
روش شناسی قرآن کریم در آموزش توحید به سبک پرسش و پاسخ / الیادخام / ۵۰

همراه کتاب / فریبا انجمنی / ۵۶

ویژگی‌ها و امتیازات تفسیر المیزان / سید احمد محمودزاده / ۵۸

معرفی پایگاه‌های قرآنی / ۶۱

اخبار قرآنی / ۶۳



یکسان‌سازی

رسم‌الخط قرآن کریم

از آغاز نزول قرآن کریم، حفظ و صیانت آیات الهی - پس از خواست خداوند - بر دو رکن رکین قرائت و کتابت قرآن استوار بوده است. مسلمانان با هدایت و ارشاد پیامبر اکرم و سایر معصومین (علیهم‌السلام)، با جدیت تمام نسبت به این امر اهتمام داشته‌اند. هر چند به‌طور طبیعی کتابت مصحف شریف در راستای تکامل تدریجی خط عربی واجد کمال و زیبایی شده است، اما اساس و ویژگی‌های شیوه‌ی نگارش حروف قرآن کریم هم‌چنان ثابت مانده و در طول تاریخ از هویت خاصی برخوردار بوده است. این شیوه‌ی نگارش به «رسم‌المصحف» موسوم است:

از سوی دیگر، طی قرون متمادی در سرزمین‌های گسترده‌ی اسلامی، با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی، و سلائق هنری و گاه آموزشی، شیوه‌ی نگارش قرآن کریم با تغییراتی رو به رو شده است که این امر از جهات متفاوت با اشکالاتی همراه بود. از این رو، اولین بار در کشورهای شبه قاره‌ی هند، مالزی و اندونزی، اقداماتی در یکسان‌سازی رسم‌الخط قرآن کریم مبتنی بر سوابق تاریخی و علمی، صورت گرفت و سپس این امر در کشور مصر انجام شد و اقدامات دانشمندان مصری به سایر کشورهای عربی نیز سرایت کرد. اینک چند دهه است که قرآن کریم با خط عثمان‌طه به شیوه‌ی نگارش رسم‌الخط مصری، علاوه بر کشورهای عربی، در سایر کشورهای جهان اسلام نیز رواج قابل توجهی پیدا کرده است.

اهم فواید یکسان‌سازی رسم‌الخط قرآن کریم که مبتنی بر اصول و قواعد شناخته شده و تعریف شده است، عبارت‌اند از:

۱. سهولت و هموار شدن روخوانی قرآن برای عموم مردم؛
۲. پیش‌گیری از سردرگمی مردم در خواندن مصاحف متفاوت با رسم‌الخط‌های گوناگون؛
۳. یکسان شدن قواعد روخوانی قرآن؛
۴. وحدت رویه در آموزش قواعد روخوانی از سوی معلمان قرآن؛
۵. وحدت رویه در کتابت مصحف از سوی خوش‌نویسان؛
۶. وحدت رویه در تألیف کتب آموزش روخوانی از سوی مؤلفان؛
۷. جمع‌آوری بازار کاذب در نگارش مصحف، تألیف کتب روخوانی و روش تدریس؛
۸. سهولت نظارت، تصحیح و تأیید مصاحف برای مراجع ذی‌صلاح؛
۹. شاخص شدن رسم‌الخط قرآن در ایران، در مقابل سایر کشورهای اسلامی؛
۱۰. رفع مشکل معلمان قرآن در تدریس شیوه‌های متفاوت رسم‌الخط قرآن.

به نظر می‌رسد با توجه به مطالب مذکور، ضرورت این امر و نیز برخی اقدامات مبارک که در دهه‌های اخیر در جمهوری اسلامی ایران به عمل آمده است، موضوع یکسان‌سازی رسم‌الخط قرآن کریم در کشور ما نیز باید با مشارکت همه‌ی نهادها و شخصیت‌های علمی ذی‌ربط، شتاب بیشتری بگیرد، تا ما نیز بتوانیم از فوائد و برکات آن بهره‌مند شویم. موضوع دیگری که در همین حوزه قابل توجه است، علاوه بر یکسان‌سازی رسم‌الخط قرآن، ساده‌سازی رسم‌الخط است که ان‌شاءالله در شماره‌ی آینده به آن خواهیم پرداخت.

از همه‌ی علاقه‌مندان، صاحب‌نظران، اندیشمندان، استادان و معلمان قرآن کریم درخواست می‌شود که نظرات، پیشنهادات و تجارب خود را با ما در میان گذارند تا با انعکاس آن‌ها در این نشریه، گامی در انجام این امر ضروری و مفید برداشته شود.

دکتر محمدعلی لسانی فشارکی، از نوادگان آیت‌الله العظمی محمدباقر لسانی فشارکی، فارغ‌التحصیل دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران در رشته‌ی علوم قرآن و حدیث است. بیش از بیست‌وپنج سال، سابقه‌ی تدریس و پژوهش در علوم قرآنی و ادبیات عرب دارد. عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و استاد مدعو در سایر دانشگاه‌های معتبر است. هم‌چنین، عضو مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی نیز به‌شمار می‌رود. گفته می‌شود، در دوران معاصر، توجه آکادمیک به علم سوره‌شناسی، اولین بار از سوی ایشان مطرح شد. وی طی پژوهش و برگزاری جلساتی در دانشگاه امام صادق (ع)، توجه محققان را به علم سوره‌شناسی جلب کرد. از ایشان حدود ۱۰ جلد کتاب تألیف و ترجمه و مقالات متعددی در سمینارها ارائه شده است. توجه شما را به پژوهش حاضر که می‌تواند کمک مؤثری در روش تحقیق در قرآن کریم باشد، جلب می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: روش تحقیق، مفاهیم، آیه، سوره، علامه طباطبایی، المیزان، تحقیق موضوعی.

روش تحقیق و پژوهش در قرآن کریم

دکتر محمدعلی لسانی فشارکی
عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

علامه طباطبایی (رضوان الله تعالی علیه) در مقدمه‌ی المیزان، با دلایل کافی و بیان وافیه به اثبات می‌رسانند که روش فهم و تفسیر قرآن، منحصراً تفسیر قرآن به قرآن از طریق تدبر در قرآن است

را امیدوارتر ساخته، و حتی بعضاً، به‌ویژه تحقیقات موضوعی قرآنی، به‌صورت کتاب هم مجوز گرفته و به چاپ رسیده و مقبول و مطبوع واقع شده است.

روش‌های مطالعه و تحقیق در قرآن مجید

علامه طباطبایی

(رضوان الله تعالی علیه) در مقدمه‌ی

المیزان، با دلایل کافی و بیان وافیه به

اثبات می‌رسانند که روش فهم و تفسیر قرآن،

منحصراً تفسیر قرآن به قرآن از طریق تدبر در قرآن است.

روش تدبر در قرآن را هم این‌طور بیان می‌کنند: «و نستوضح

معنی الآیه من نظیرتها بالتدبر». یعنی: باید توضیح معنای هر

آیه‌ای را از آیات قرینه و نظیره‌ی آن با تدبر به‌دست آوریم.

اما توضیح نداده‌اند که نظیره یا نظایر یک آیه را چگونه

می‌توان پیدا کرد؟

با دقت و تتبع در تفسیرگران قدر «المیزان» که عملاً

بیانگر این روش است، درمی‌یابیم که ضابطه‌ی پیدا کردن

نظیره برای هر آیه این است که ببینیم، عین کلمات و یا

کلمات هم‌خانواده‌ی کلماتی که آن آیه را تشکیل داده‌اند، در

کدام آیه یا آیات به‌کار رفته‌اند. آیاتی که کلمات متشکله‌ی

آیه‌ی موردنظر ما عیناً در آن‌ها به‌کار رفته باشند (در درجه‌ی

اول) و آیاتی که کلمات هم‌خانواده‌ی کلمات آیه‌ی موردنظر در

آن‌ها به‌کار رفته باشند (در درجه‌ی دوم)، نظایر و قرینه‌های

آیه‌ی موردنظر هستند.

با در نظر گرفتن این ضابطه، می‌توانیم برای هر یک از سه

نوع تحقیق قرآنی زیر، روش تفصیلی و عملی داشته باشیم:

❖ روش تحقیق در مفاهیم یک آیه

❖ روش تحقیق در مفاهیم یک سوره

❖ روش تحقیق موضوعی در قرآن

روش تحقیق در مفاهیم یک آیه

دستورالعمل‌های مطالعه و تحقیق در مفاهیم هر آیه (یا

قسمتی از آیه) به این شرح است:

- مفاهیم یک‌یک فرازهای آیه را به دقت بررسی

می‌کنیم و به‌طور منظم با شماره و تفکیک شده، زیر متن

در جلسه‌ای که من توفیق حضور در محضر علامه طباطبایی را به مدت حدود دو ساعت داشتیم، اولاً، به دنبال تأیید و تصحیح کارمان بودیم، و ثانیاً، ما که خود را عملاً از حوزه‌های درس علامه محروم شده می‌دیدیم، همین فرصت اندک دیدارها را غنیمت می‌شمردیم. من شخصاً در کوران این بحث‌ها، به دنبال یافتن پاسخ برای دو سؤال اساسی بودم که سالیانی پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن، با آن‌ها زیسته بودم:

۱. «روش» مطالعه و تحقیق در قرآن مجید چیست و چگونه است؟

۲. آن‌چه علامه طباطبایی در فهم و تفسیر قرآن به آن رسیده‌اند، از چه راهی بوده است؟ و آیا این «مسیر» را در جایی نشانی داده‌اند؛ آن‌چنان که دیگران هم بتوانند این «راه» را بروند؟ در مورد سؤال اول، حداقل دو توضیح لازم است: یکی این‌که، هر «شیوه» عملی، هر چند که «مصیب» باشد و «مفید» هم واقع بشود، مثلاً به خاطر وجود عوامل مربوط به مجری، نحوه‌ی اجرا، موضوع کار و غیره، لزوماً «روش» نخواهد بود. دوم این‌که، «روش» تعلیم، تحقیق، ترجمه، تفسیر و هر چه را که مضاف به قرآن شود، حتماً باید صاحب کرسی درس قرآن، یعنی شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و دست پروردگان و نایبان منصوب آن حضرت بدهند، وگرنه، باز هم، به موجب فقدان حجیت، «روش» نخواهد بود.

به پاسخ این دو سؤال، به‌صورت مدّون و روشن، بحمدالله و المّنه یک‌جا رسیدیم، که آن پاسخ کاربردی و مدّون، امروز پس از سال‌ها، به‌صورت یک مجموعه «روش» برای مطالعه و تحقیق در قرآن مجید، به‌عنوان ادای دین به پیشگاه حضرت علامه طباطبایی رضوان الله تعالی علیه، به‌صورت مقاله‌ای، تقدیم شد تا در جای خودش ثبت و ضبط شود و ان شاءالله در مسیر بهره‌وری هر چه بیشتر و تمام‌تر بیفتد، البته در طول این سال‌ها گذشته، این روش‌ها، مکرراً در موضوعات، سوره‌ها و آیات مختلفی قرآن کریم، و در نهادها، سازمان‌ها و محافل و انجمن‌های گوناگون و گروه‌های کاری متعدد به معرض اجرا درآمده و دستیابی به نتایج کارآمد و دلپذیر، همواره ما

**«تحقیق سوره‌ای» در قرآن،
در حقیقت نوعی «تحقیق
موضوعی» است که موضوع
آن را هم خداوند متعال انتخاب
فرموده، و محدودی پرداختن
مطلب در راستای تبیین آن موضوع
و مناطق مورد نظر در پهنه‌های
قابل تحقیق و زیرمجموعه‌ی
آن موضوع را نیز خود او تعیین
کرده است**

آیه می‌نویسیم. هر سؤالی را نیز که در رابطه با هر قسمت آیه به ذهنمان رسید، در ردیف مفاهیم آیه یادداشت می‌کنیم و به آن شماره می‌دهیم.

– برای آن که مفاهیم آیه‌ی مورد نظر در «سیاق» خودش بهتر معلوم شود، آیات قبل و بعد از آن را نیز به همان شیوه بررسی و مفاهیم و سؤال‌ها را یادداشت می‌کنیم. برای تشخیص این که آیات قبل و بعد را تا کجا دنبال کنیم،

از «تقسیم کلام‌الله مجید به ۵۵۵ واحد موضوعی یا رکوعات» استفاده می‌کنیم که محدودی سیاق هر آیه را مشخص می‌کند.

– کلمات آیه‌ی مورد نظر را یک‌به‌یک در نظر می‌گیریم و در رابطه با هر کلمه‌ی آیه، آیاتی را که مشتمل بر آن کلمات یا هم‌خانواده‌های آن‌ها هستند (با استفاده از «معجم‌المفهرس») می‌یابیم و مفاهیمشان را بررسی می‌کنیم.

در این مرحله، می‌توانیم به جای گرفتن یک‌به‌یک تمام کلمات آیه (که گاهی ممکن است بررسی مفاهیم صدها آیه را ایجاب کند)، از بعضی کلمات آیه که خود و هم‌خانواده‌هایشان در قرآن کمتر به کار رفته‌اند، به صورت انتخابی استفاده کنیم. هم‌چنین می‌توانیم در این مرحله‌ی سوم، به جای بررسی آیاتی که با آیه‌ی مورد نظر کلمات مشترک دارند، در سراسر قرآن، تنها به بررسی آیات دیگر سوره‌ای که آیه‌ی مورد نظر در آن قرار دارد، پردازیم.

روش تحقیق در مفاهیم یک سوره

با وجود آن که قرآن کریم فصل‌بندی موضوعی ندارد و نباید داشته باشد، هر سوره از قرآن همان‌گونه که نامی مخصوص به خود دارد، «محور موضوعی» ویژه‌ی خود را نیز دارد. بنابراین، پژوهنده‌ای که به مطالعه و تحقیق در مفاهیم یک سوره می‌پردازد، عملاً به تحقیق در یک موضوع اساسی از معارف اسلامی پرداخته است که در اثنای مطالعه و تحقیق در آن، سؤالات دیگری نیز در کنار آن موضوع اصلی برای او مطرح می‌شوند و تا حدودی پاسخ می‌گیرد. به عبارت دیگر، «تحقیق سوره‌ای» در قرآن، در حقیقت نوعی «تحقیق موضوعی» است که موضوع آن را هم خداوند متعال

انتخاب فرموده، و محدودی پردازش مطلب در راستای تبیین آن موضوع و مناطق مورد نظر در پهنه‌های قابل تحقیق و زیرمجموعه‌ی آن موضوع را نیز خود او تعیین کرده است.

دستورالعمل‌های پیشنهادی

از آغاز سوره شروع می‌کنیم و

مفاهیم یک‌به‌یک آیات سوره را بررسی

می‌کنیم. به این ترتیب که زیر هر آیه،

آن چه را که از آیه می‌فهمیم و آیه به ما می‌گوید،

به‌طور تفکیک شده و با شماره یادداشت می‌کنیم و هرگاه

سؤالی به نظرمان رسید، آن را هم کنار مفاهیم دیگر شماره

می‌دهیم و یادداشت می‌کنیم. معمولاً سؤالاتی که در رابطه

با هر یک از آیات یک سوره مطرح بشوند، در ضمن بررسی

مفاهیم آیات دیگر سوره، جواب کافی می‌گیرند. بنابراین، هر جا

به جواب رسیدیم، شماره‌ی جواب را کنار آن به شماره‌ی

سؤال ارجاع می‌دهیم.

– هم‌چنان که در بررسی مفاهیم آیات سوره پیش

می‌رویم، مفاهیم آیات قبلی را که بررسی کرده‌ایم، باید کاملاً

در نظر داشته باشیم. هم‌چنین، سؤالاتی را که در رابطه با

آن آیات قبلی به ذهنمان رسیده‌اند، باید تا آخر کار در نظر

داشته باشیم.

– بعد از بررسی مفاهیم هر آیه، از ارتباط آن آیه با آیه‌ی

قبلش سؤال می‌کنیم و نکاتی را که از دقت بر رابطه‌ی میان

آیات به دست می‌آید، یادداشت می‌کنیم.

– اگر قبل از تحقیق و یا دست‌کم در جریان تحقیق در

مفاهیم سوره، بتوانیم آن سوره را حفظ کنیم، وجود آیات

در حافظه‌ی ما به هر چه بیشتر روشن شدن مفاهیم آیات و

نکاتی که از ارتباط آیات به دست می‌آید، کمک می‌کند.

– اگر مایل باشیم و یا احساس نیاز کنیم به این که ترجمه

یا تفسیری را از سوره‌ی مورد نظر ببینیم، اشکالی ندارد، ولی باید

در نظر داشته باشیم که اگر خواستیم مطلبی را که از آن ترجمه

یا کتاب تفسیر گرفته‌ایم، در تحقیقمان بیاوریم، لزوماً باید نشانی

آن مطلب را در تفسیر یا ترجمه‌ای که دیده‌ایم مشخص کنیم

تا با مفاهیمی که مستقیماً از آیات قرآن گرفته‌ایم، یا سؤالاتی

که به ذهن خودمان رسیده است، در نیامیزد و احیاناً در صورت

صحیح نبودن، ما را به اشتباه نیندازد.

- در صورتی که بخواهیم تحقیق را ادامه بدهیم، می‌توانیم یک سوره بعد و یک سوره قبل از سوره‌ی موردنظر را به همین ترتیب مطالعه کنیم و از مفاهیم آن دو سوره، برای بهتر و روشن‌تر فهمیدن آیات سوره‌ی موردنظر کمک بگیریم. بدیهی است، اگر به‌جای یک سوره قبل و بعد، دو یا چند سوره‌ی قبل و بعد از سوره‌ی موردنظرمان را مطالعه کنیم، خیلی گسترده‌تر به مفاهیم سوره‌ی خودمان خواهیم رسید.

اگر بخواهیم تحقیق درباره‌ی مفاهیم سوره‌ی موردنظرمان را ادامه بدهیم و باز هم روشن‌تر و دسته‌بندی‌شده‌تر بر مفاهیم سوره‌ی موردنظرمان دست یابیم، باید سوره‌هایی را که با سوره‌ی موردنظرمان وجه مشترک دارند نیز مفهوم‌یابی کنیم. اما چگونه سوره‌های «هم‌گروه» سوره‌ی موردنظرمان را مشخص کنیم؟

می‌دانیم که ۲۹ سوره‌ی طولانی و متوسط قرآن با حروف مقطعه (که به اصطلاح «فواتح سوره» نامیده می‌شوند) آغاز شده‌اند. علامه در ذیل آیه‌ی اول و دوم سوره‌ی شوری (حم عسق) می‌نویسند: اگر اندکی در مفاهیم سوره‌هایی که سرآغاز مشترک دارند، تدبر کنیم، می‌بینیم شش سوره‌ای که با «الم» آغاز شده‌اند و نیز پنج سوره‌ای که با «الر» آغاز شده‌اند، یا هفت سوره‌ای که با «حم» شروع شده‌اند، سیاق و مضامینشان تشابه به‌خصوصی با یکدیگر دارند که این تشابه و همانندی، میان هر یک از این سوره‌ها و سوره‌های دیگر، دیده نمی‌شود. اگر در این زمینه تحقیق بیشتری صورت گیرد و مضامین این سوره‌ها دقیقاً با یکدیگر مقایسه شوند، رابطه‌های دقیق‌تر و کارآمدتری نیز به‌دست می‌آید.

اگر بیان علامه را در مورد سوره‌های دیگر قرآن هم تعمیم بدهیم و سرآغاز مشترک را ملاک تشخیص سوره‌های هم‌گروه در نظر بگیریم، تشخیص سوره‌های هم‌گروه هر یک از سوره‌های قرآن که موردنظرمان باشد، کار ساده‌ای است و با مقایسه‌ی آیه‌ی اول و احیاناً آیه‌های دوم و سوم سوره‌ی موردنظر با سوره‌های دیگر قرآن، به راحتی می‌توانیم سوره‌هایی را که مفسر و مبین مفاهیم سوره‌ی موردنظرمان هستند، مشخص کنیم.

- اگر بعضی از آیات سوره‌ای را که درباره‌ی مفاهیم آن تحقیق می‌کنیم، با روش تحقیق در مفاهیم یک آیه مورد تحقیق کامل قرار بدهیم، این نیز یکی از راه‌های هرچه بیشتر و کامل‌تر به‌دست آوردن مفاهیم سوره‌ی موردنظر است.

- در جریان تحقیق، به خصوصیات و ویژگی‌های لفظی سوره و نظم‌ها و هماهنگی‌هایی که از نظر لفظ در سوره یا سوره‌های مورد بررسی دیده می‌شود نیز باید توجه داشته باشیم و آن‌ها را نکته به نکته یادداشت کنیم. چنان‌که می‌دانیم، وجود این نظم‌های لفظی، عددی و غیره، در بیان قرآن بهترین جلوه‌های اعجاز قرآن مجید هستند.

روش تحقیق موضوعی در قرآن

تحقیق موضوعی نیاز اساسی نسل معاصر در زمینه‌ی فهم قرآن است. در زمان ما، مسلمانان پیش از آن‌که فرصت یا همت بررسی دوره‌ای مفاهیم قرآن را به‌عنوان بهره‌ور شدن از معارف کتاب آسمانی‌شان پیدا کنند، مسائل و موضوعاتی برایشان مطرح می‌شود که ترجیح می‌دهند، نقطه‌نظر قرآن را درباره‌ی آن‌ها بدانند.

نخستین مشکلی که بسیاری از ما را از تحقیق موضوعی در قرآن کریم بازمی‌دارد، آن است که وقتی موضوعی برایمان مطرح می‌شود، نمی‌دانیم به کدام آیات یا سوره‌های قرآن مراجعه کنیم؟ و با چه معیاری تشخیص بدهیم که کدام آیات قرآن با موضوع ما در ارتباط هستند؟

راه حل این است که ابتدا عنوان موضوعمان را با دو سه کلمه مشخص کنیم. اگر عنوان موضوعمان عربی نباشد، با مراجعه به کتاب لغت یا سؤال از دیگران، آن را به زبان عربی برگردانیم، بعد کلمات تشکیل‌دهنده‌ی عنوان موضوعمان را با استفاده از «معجم الفهرس» بر قرآن عرضه کنیم. اگر یک کلمه یا بیشتر، از عنوان موضوعمان - عیناً یا به‌صورت کلمات هم‌خانواده - در قرآن مجید به‌کار رفته باشد، راه ورود خودمان به قرآن را پیدا کرده‌ایم. اما، اگر هیچ‌یک از آن کلمات در قرآن به‌کار نرفته باشند، باید

به اول مرتب کنید). زیرا در این صورت، هم از نظم و ترتیب آسمانی بیان مطلب که مسلماً همگام با ترتیب سوره‌ها و آیات قرآن است استفاده خواهید کرد و هم ضمناً از آیات و سوره‌های مکی به مدنی سیر خواهید کرد، و ابتدا بیان‌های مختصرتر و به تدریج بیان‌های مفصل‌تر را خواهید یافت.

بنابراین، در صفحه‌ی دوم تحقیقتان «فهرست مرتب شده‌ی نشانی آیات قرآنی که کلمه‌ی موضوع عیناً در آن‌ها به کار رفته است» را با همین نام و عنوان خواهید داشت. فراموش نکنید که یک شماره‌ی ردیف، از ۱ به بعد، به این فهرست آیات که گردآوری کرده‌اید بدهید که تا آخر، شناسنامه‌ی هر آیه در تحقیق شما باشد. بنابراین، فهرست شما باید به صورت جدولی به این شکل دربیاید:

شماره‌ی ردیف	شماره‌ی آیه - نام سوره - شماره‌ی سوره	عین کلمه‌ی به کار رفته در آیه
...	... - ... -

۴. بار دیگر، با مراجعه به آیه‌یاب قرآن، «فهرست نشانی آیات قرآنی را که کلمه‌ی موضوع به صورت کلمات هم‌خانواده در آن‌ها به کار رفته است»، از آخر قرآن به اول، مرتب کنید و به صورت جدولی مانند فهرست اولی، در صفحه‌ی سوم تحقیقتان وارد کنید. شماره‌ی ردیفی که به آیات اصلی این فهرست دوم می‌دهید، دنباله‌ی شماره‌ی ردیف آیات اصلی فهرست اول خواهد بود. در صورتی که نخواهید تحقیقتان را فراتر از فهرست اول ادامه بدهید، فهرست دوم راهنمایی خواهد بود برای دیگران. ضمناً در صورتی که مایل باشید، می‌توانید از همان ابتدا به جای دو فهرست یاد شده، فقط یک فهرست تهیه کنید که هر دو دسته آیات را دربرداشته باشد. ۵. سومین فهرستی که باید تهیه کنید، «فهرست سیاق‌ها» است که به این شکل خواهد بود:

شماره‌ی ردیف آیات اصلی	شماره‌ی آیه - نام سوره - شماره‌ی سوره	شماره‌ی آیه ابتدای سیاق شماره‌ی آیه‌ی انتهای سیاق	تعداد آیات هر سیاق
...	... - ... - - تا - آیه

۶. آمار تعداد آیات هر فهرست را و هم چنین تعداد کلماتی را که در رابطه با موضوعتان در آیات سراسر قرآن به کار رفته است، و هم چنین تعداد کل آیاتی را که با توجه به فهرست

(با مراجعه یا سؤال مجدد) کلمه یا کلمات مترادف آن‌ها را در زبان عربی پیدا کنیم و بار دیگر به سراغ قرآن بیاییم. اگر احیاناً باز هم موفق نشدیم، باید موضوعمان را به چند موضوع کوچک‌تر تقسیم کنیم و آن موضوعات کوچک‌تر را یک‌به‌یک به قرآن عرضه کنیم. زیرا ممکن است از آن جهت که قرآن «کتاب تفصیل» است و همه‌ی مطالب به‌طور مفصل در آن آمده است، کلی بودن موضوع، علت دشوار شدن کار شده باشد. با آن‌که هیچ اشکالی ندارد که تحقیق موضوعی را به‌صورت مطالعه انجام بدهیم، ولی اگر بخواهیم به صحت دریافت‌ها و نتیجه‌گیری‌های خودمان اطمینان داشته باشیم و بتوانیم نتیجه‌ی کارمان را به دیگران نیز عرضه بکنیم، لزوماً باید سلسله‌ای از دستورالعمل‌های قراردادی را رعایت کنیم.

دستورالعمل‌های پیشنهادی

۱. یک دسته کاغذ یکنواخت یا یک دفتر سفید را برای نوشتن تحقیقتان آماده کنید (یک روی کاغذ را بیشتر ننویسید)

۲. در صفحه‌ی اول، عنوان موضوع و کوششی را که احیاناً در جهت پیدا کردن کلمه یا کلمات قرآنی مربوط به موضوعتان انجام داده‌اید بنویسید.

۳. با مراجعه به «معجم المفهرس» نشانی آیاتی را که کلمه‌ی موردنظرتان عیناً در آن‌ها به کار رفته است، روی یک کاغذ یادداشت فرعی پیاده کنید. پیش از آن‌که فهرست نشانی آیات را در

اوراق تحقیقتان وارد کنید، آیات را به ترتیب شماره‌ی سوره‌هایشان، از آخر به اول قرآن مرتب کنید (حتی بهتر است در مواردی که دو یا چند آیه در یک سوره دارید، آن‌ها را نیز از آخر

نخستین مشکلی که بسیاری از ما را از تحقیق موضوعی در قرآن کریم بازمی‌دارد، آن است که وقتی موضوعی برایمان مطرح می‌شود، نمی‌دانیم به کدام آیات یا سوره‌های قرآن مراجعه کنیم؟

پاسخ سؤالتان را در برداشته باشد، و در آن جا شما پاسخ سؤال را با اشاره به شماره‌ی سؤال یادداشت خواهید کرد.

۱۰. هرگز نباید به فهم یک

عبارت یا یک قسمت از آیه اکتفا

کنید، حتی اگر به ظاهر به نظر

برسد که مطالب دیگری که در آیه

مطرح است، ارتباط چندانی با قسمت

مربوط به موضوعتان ندارد. زیرا امکان ندارد

مطالبی که با یکدیگر ارتباط مستقیم و نزدیک نداشته

باشند، در یک آیه کنار هم بیایند. بنابراین، باید قسمت‌های

دیگر آیه و ارتباط قسمت‌های متفاوت آیه را طی شماره‌های

جداگانه‌ای مورد سؤال قرار دهید.

۱۱. برای این که بتوانید از آیه مفهوم صحیح و پرباری در

جهت تحقیق موضوعی تان دریافت کنید، باید آیات قبل و بعد

از آیه‌ی مورد نظر (آیه‌ی اصلی) را نیز مفهوم‌یابی و به اصطلاح،

آیه را در «سیاق» خودش بررسی کنید. بهتر است، برای

بررسی سیاق مربوطه، به منظور تکمیل و توضیح مفاهیم

آیه‌ی اصلی، ابتدا یکایک آیات بعد از آیه‌ی اصلی و سپس

یک‌به‌یک، آیات قبل از آیه‌ی اصلی را بررسی و نکات توضیحی

و تکمیلی آن‌ها و هم‌چنین سؤالات مربوط به آن‌ها را در ذیل

مفاهیم و سؤالات آیه‌ی اصلی یادداشت کنید. شماره‌ای که

به این مفاهیم و سؤالات مربوط به سیاق هر آیه‌ی اصلی

می‌دهید، دنباله‌ی شماره‌هایی است که به مفاهیم و سؤالات

آن آیه‌ی اصلی داده‌اید. برای تشخیص محدوده‌ی سیاق آیه

که قرآن کریم را بر حسب تعلیم حضرت رسول اکرم (ص) به

۵۵۵ واحد موضوعی (به اصطلاح: رکوعات) تقسیم می‌کند،

استفاده کنید. برای بررسی آیات هر سیاق، ابتدا از آیه‌ی اصلی

شروع کنید و سپس آیات بعدی را یکی پس از دیگری تا

آخر مفهوم‌یابی کنید و بعد به آیه‌ی قبل از آیه‌ی اصلی و

آیه‌ی قبل از آن بپردازید تا به اولین آیه برسید. برای سهولت

و دقت بیشتر کار تحقیق، بهتر است در آغاز کار، با استفاده

از «فهرست سیاق‌ها» که تهیه کرده‌اید، قسمت‌هایی را که

در جای جای قرآن در تحقیق شما مورد بررسی قرار خواهد

گرفت، از روی قرآن کپی کنید و روی اوراق یک اندازه،

به صورت تابلوها یا کارت‌های موضوعی تعبیه کنید و سپس

سیاق‌ها در تحقیق موضوعی

شما مورد بررسی قرار خواهد

گرفت، در آخر آن‌ها به دست

بدهید. غالباً در این آمارها،

نظم اعجاز‌آمیز قرآن به صورت

شگفت‌انگیزی جلوه می‌کند.

۷. حالا می‌توانید بررسی

مفاهیم آیات را به ترتیب شماره‌ی

ردیف که به آن‌ها داده‌اید، شروع کنید.

اول کاری که باید بکنید این است که متن

کامل آیه‌ی هر ردیف را با ذکر شماره‌ی ردیف آن،

هر کدام را بالای یک صفحه‌ی جداگانه بنویسید. اعراب‌ها و

علامت‌های دیگر را لازم نیست بگذارید. ترجمه‌ی تحت‌اللفظی

آیه را هم نه از خودتان و نه از روی کتاب یا نوشته یا از قول

دیگری ننویسید. زیرا این کار مانع مفهوم‌گیری مستقیم

و مطمئن از آیات قرآن می‌شود (در عین حال، مراجعه به

ترجمه‌ها و تفسیرها اشکالی ندارد).

۸. مفاهیمی را که از آیه به دست می‌آورد، با اشاره به آن

کلمه یا عبارت از متن آیه که شما را به آن مفهوم راهنمایی

کرده است، به صورت تفکیک شده و با شماره، زیر متن آیه

یادداشت کنید. نوشتن مفاهیم به صورت تفکیکی به شما

کمک می‌کند که بعداً بتوانید مفاهیم نادرست را تصحیح

کنید. شماره داشتن مفاهیم هم به شما کمک می‌کند که با

اشاره به شماره‌ی مفهوم در کنار شماره‌ی ردیف آیه، مفاهیم

آیات مربوط به موضوعتان را به همدیگر ربط بدهید. هرگاه

ورق مربوط به هر آیه (فقط روی آن) پر شد، ورق یا ورق‌های

دیگری به آن سنجاق می‌کنید. توجه داشته باشید که اوراق

تحقیق شما هیچ‌گاه نیاز به شماره‌ی صفحه نخواهند داشت

(مثلاً شماره‌ی ۲-۳ شناس‌نامه‌ی سومین مفهومی است که

ذیل آیه‌ی ردیف ۲ یادداشت کرده‌اید).

۹. ضمن بررسی و دقت در مفاهیم آیه، هرگاه سؤال

یا سؤالاتی در رابطه با آیه به نظرتان رسید، هر سؤال را با

یک شماره‌ی جداگانه در ردیف مفاهیم یادداشت کنید. لازم

نیست پاسخ سؤالی را که به نظرتان می‌رسد، بدانید یا مسیر

تحقیقتان را به طرف رسیدن به پاسخ آن سؤال کج کنید.

تنها کاری که باید بکنید، این است که سؤالی را نانوشتی‌ها

نکنید. در طی تحقیق، خودبه‌خود به آیه‌ای خواهید رسید که

مفاهیمی را که از آیه به دست می آورید، با اشاره به آن کلمه یا عبارت از متن آیه که شما را به آن مفهوم راهنمایی کرده است، به صورت تفکیک شده و با شماره، زیر متن آیه یادداشت کنید

که ضمن تحقیق با آن‌ها آشنا شده‌اید (برحسب تعداد کاربرد کلمات موضوع در سوره‌ها) تمام آن سوره‌ها را یک‌به‌یک بررسی کنید تا موضوع موردنظرتان هرچه بیشتر تفصیل یابد.

چگونگی تقسیم کلام‌الله

مجید به ۵۵۵ واحد موضوعی

توضیح ۱. این تقسیم از قدیم‌الایام به «رکوعات» مشهور بوده است. به مناسبت این که پیامبر اکرم (ص) بعد از سوره‌ی حمد در رکعات اول و دوم نمازهای یومیه، گاه یک سوره‌ی کوچک و گاه یکی از این قسمت‌ها را می‌خوانده‌اند و در بسیاری از نسخه‌های قرآن، با علامت «ع» در پایان هر قسمت مشخص شده است. توضیح ۲. در بعضی از چاپ‌های قرآن، در قرن اخیر، به علت عدم توجه به اهمیت تقسیم‌بندی، علامت آن «ع» را حذف کرده‌اند. در برخی نسخه‌ها و چاپ‌های قرآن نیز به دلیل کم‌توجهی به آن، در بعضی جاها گذاشته نشده یا جابه‌جا نهاده شده است. نیز به همین جهت است که قاریان محترم قرآن، نوعاً برای شروع و خاتمه‌ی آیاتی چند از کلام‌الله مجید که در یک مجلس می‌خوانند بخوانند، از این فصل‌بندی اعجاز‌آمیز و پُررمز و راز آیات در سوره‌های قرآنی بهره نمی‌جویند. در نتیجه بسیار می‌شود که حُسن انتخاب ندارند و «قرائت» آنان با وجود آن که همه‌ی امتیازات شناخته شده را دارد، به دلیل نداشتن حُسن افتتاح و حُسن ختام، چندان که باید، نزد اهل ذوق و معرفت مقبول نمی‌افتد. توضیح ۳. عده‌ای از محققان بر آن‌اند که این تقسیمات، منطبق بر دفعات نزول در نزول تدریجی قرآن بوده است. اگر چنین بوده باشد، به پیوستگی آیات هر قسمت (هر رکوع) به یکدیگر، به همان اندازه که پیوستگی آیات هر سوره‌ی قرآنی قابل استناد است، می‌توان استناد کرد. به عبارت دیگر، این تقسیم آیات سوره‌های طولانی و نسبتاً طولانی قرآن به رکوعات، بهترین راهنمایی تشخیص «سیاق» و تعیین «محدوده‌ی» مطلب است که محققان اهل تفسیر، از جمله علامه طباطبایی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، همواره بر آن تأکید داشته‌اند.

کار مفهوم‌یابی آیات را با استفاده از آن‌ها دنبال کنید. ۱۲. در سراسر جریان تحقیق موضوعی سعی کنید، مفاهیمی را که به دست آورده‌اید و سؤالاتی را که برایتان مطرح شده است، همواره به یاد داشته باشید. اگر بتوانید، ضمن این که تحقیقتان را پیش می‌برید، آیات اصلی مربوط به موضوعتان را حفظ کنید. این کار بر نتیجه‌ی مطالعه و تحقیق شما بسی خواهد افزود.

۱۳. در سراسر جریان تحقیق موضوعی، نظم‌ها و هماهنگی‌هایی را که از هر نظر بین آیات قرآنی مورد بررسی می‌بینید، با دقت یک‌به‌یک یادداشت کنید. توجه روی هر مورد نظم و هماهنگی لفظی در قرآن می‌تواند، شما را به رهنمودهایی در فهم معانی قرآن برساند. ۱۴. ترتیب و ترکیب دست‌نویس تحقیق موضوعی‌تان را به هیچ وجه به هم نزنید و در صورتی که می‌خواهید تحقیقتان را در قالب یک مقاله یا کنفرانس یا کتاب در آورید، یا به صورت قصیده یا غزل یا یک قطعه شعر بسرایید، این کارها را مجدداً و بدون دست زدن به اوراق اصلی تحقیقتان انجام بدهید تا همواره ضریب اطمینان مطالب و مفاهیمی که به دست می‌آورید و ارائه می‌کنید، برایتان مشخص باشد. حتی یادداشت‌های غلط را نیز پاره نکنید یا خط نزنید، فقط با علامت یا توضیحی در کنار آن‌ها، ترجیحاً با رنگ قرمز، غلط بودنشان را نشان بدهید.

۱۵. اگر با ترتیبی که بیان شد، تحقیق موضوعی‌تان را تا این جا پیش برده باشید، این تحقیق نسبتاً کامل است. به این معنی که نه تنها خطوط کلی موضوع برایتان روشن شده است، بلکه مطالب جزئی موضوع نیز در حد لزوم و کفایت، برای هدایت ذهن انسان بیان شده‌اند. با وجود این، اگر بخواهید تحقیقتان را بیشتر ادامه بدهید، می‌توانید موضوعات دیگری را که در آیات قرآنی در رابطه با موضوع موردنظرتان بیشتر مطرح بوده‌اند، با همین روش یاد شده مورد تحقیق قرار بدهید تا ابعاد موضوع موردنظر هرچه بیشتر مفهوم و معلوم شود. هم‌چنین می‌توانید، با درجه‌بندی سوره‌هایی

رضا دزفولی در گفت‌وگو با «رشد آموزش قرآن»:

هدف آموزش باید ایجاد انس با قرآن در دانش آموزان باشد

گفت‌وگو: رضانعلی ابراهیم‌زاده گرچی

● گفت‌وگو را با زبان نظامی گنجوی در مطلع «مخزن الاسرار» آغاز می‌کنیم: بسم الله الرحمن الرحيم / هست کلید در گنج حکیم، از فرصتی که در اختیار مجله‌ی خودتان (رشد آموزش قرآن) قرار داده‌اید، متشکرم. درباره‌ی خودتان با مخاطبان مجله صحبت کنید.

○ بنده، رضا دزفولی، در خرداد ماه سال ۱۳۳۹ در تهران متولد شدم. با دیپلم رشته‌ی تجربی، در منطقه‌ی یک آموزش و پرورش - منطقه‌ی شمیران - آغاز به کار کردم.

● همسکاری با آموزش و پرورش را در حوزه‌ی قرآن چگونه شروع کردید؟

○ فعالیت‌های دیگر هم داشتیم، اما در نهایت کار، آموزش قرآن را برگزیدم.

● از چه زمانی و به چه دلیل به آموختن قرآن روی آوردید؟ آیا خانواده از عوامل مؤثر در ایجاد علاقه‌ی شما بود؟

○ خانواده و محیط رشد و نیز علاقه‌ی شخصی، در رویکردم به قرآن مؤثر بود. خوش‌بختانه بنده در محیطی مذهبی رشد کردم. محله‌ی چیدر شمیران مذهبی است و وجود حوزه‌ی علمیه‌ی چیدر نیز در مذهبی بودن محله مؤثر بود. کم‌کم پایم به هیئت‌های دینی و مجالس قرآن باز شد و به سمت قرائت قرآن، به ویژه خواندن قرآن با صوت کشیده شدم، این علاقه، هنگامی که با نوارهای قاریان معروف به ویژه استاد **عبدالباسط** آشنا شدم، تقویت شد.

● همراه با علاقه‌مند شدن به قرائت قرآن، آیا در کلاس‌های آموزشی هم شرکت می‌کردید؟

○ از ۱۲ سالگی، در جلسات قرآنی شرکت می‌کردم. در اوایل آموزش، به روش سنتی بود. اولین معلم قرآنم که در جلب توجه من به کلام خداوند بسیار مؤثر بود، شهید بزرگوار **سید علی اندرزگو** بود. البته با این اسم به حوزه‌ی علمیه‌ی چیدر نمی‌آمد. به این علت که ساواک در تعقیب ایشان بود، خودش را **شیخ**



آقای رضا دزفولی، از معلمان با سابقه‌ی قرآن کریم در مدارس است. دزفولی تجربه‌ی تدریس در دوره‌های دبستان تا دبیرستان را دارد. وی قاری قرآن کریم با کارنامه‌ی کسب رتبه نیز محسوب می‌شود. در دو عرصه‌ی تلاوت و آموزش قرآن فعالیت می‌کند. با هدف معرفی این معلم قرآن و انتقال آرا و تجربه‌هایش به خوانندگان محترم فصل‌نامه‌ی رشد آموزش قرآن، در محل مجله، گفت‌وگویی با آقای دزفولی انجام داد که حاصل آن تقدیم خوانندگان مجله می‌شود.

عباس تهرانی معرفی می‌کرد.

● چه سالی شهید اندرزگو به حوزه‌ی علمیه‌ی چیدر می‌آمد؟

○ حدود سال‌های ۵۳ و ۵۴. ایشان به صورت پوشیده هم درس طلبگی می‌خواند و هم در تابستان در ساعت‌های فراغت، به بچه‌های محل قرآن یاد می‌داد. این کلاس‌ها ادامه داشتند تا زمانی که به ناچار آن‌جا را ترک کرد. زیرا ساواک محل حضور وی را شناسایی کرده بود. دیگر او را ندیدم تا این که در ماه مبارک رمضان خبر شهادت ایشان را شنیدم.

● با تعطیل شدن جلسات آموزشی شهید اندرزگو کجا رفتید؟

○ در محله‌ی ما یک هیئت مذهبی با عنوان «حباب‌الحسین» فعالیت می‌کرد. در این هیئت، آموزش به روش سنتی برگزار می‌شد و من هم در آن شرکت می‌کردم. در این‌جا باید از آقای **حجت کسری** یاد خیر بکنم. وی از مداحان اهل بیت بود و صدای خوشی داشت. قرآن را هم با صدای خوش تلاوت می‌کرد. تشویق‌های ایشان در کلاس‌های آموزشی این هیئت که در آن تدریس هم می‌کرد، به طور جدی باعث شد که من با تلاش و کوشش بیشتر، به تلاوت قرآن روی بیاورم.

از ۱۵ سالگی به جلسات تخصصی‌تر رفتم تا در آموختن تجوید و قرائت و صوت پیشرفت کنم.

● شهید اندرزگو چه آموزش‌هایی به شما می‌داد؟

○ آن موقع من ۱۲ سال بیشتر نداشتم. آن‌چه از کلاس‌های شهید اندرزگو به خاطر دارم، بیشتر روخوانی بود. آن موقع حتی روخوانی قرآن را نمی‌دانستیم. خوب، مفاهیم قرآن را نیز با داستان‌های زیبا از قرآن کریم بیان می‌کرد. در حقیقت، آموزش روخوانی قرآن وی به ما، همراه بود با بیان قصه‌ها و نکات زیبای قرآنی در حد فهمیدن.

● تأثیر آقای حجت کسری از طریق صدای خوش ایشان بود؟

○ آقای کسری تا حدی با قواعد قرآن آشنا بود. اشکال‌های تلاوت را به ما یادآوری و نوارهای تلاوت قرآن را هم معرفی می‌کرد. آن موقع، ما در خانه ضبط صوت نداشتم. نوارهای تلاوت قرآن هم‌گیر نمی‌آمد؛ به ویژه نوارهای عبدالباسط که بسیار به او علاقه داشتم. با این حال، ایشان ما را به جلسات متفاوت می‌برد؛ از جمله جلسه‌ی قرائت قرآن در زرگنده‌ی قلهک. آن‌جا بیشتر بچه‌ها از شاگردان استاد **مولایی** بودند و تلاوت را به سبک **منشاهی** تمرین می‌کردند. در این جلسه، به ما نوار هم می‌دادند. ضبط را از جایی قرض می‌کردیم، یا آقای کسری در اختیارمان قرار می‌داد تا نوارها را گوش کنیم.

این خاطره را یادآوری کنم؛ اولین بار صدای عبدالباسط را

در یک مجلس ختم شنیدم. یعنی تلاوت ایشان را از سوره‌ی مبارکه‌ی شمس، از جمله‌ای که دم در مسجدی گذاشته بودند، پخش می‌شد. به قدری شیفته‌ی تلاوت شدم که ایستادم و تا آخر آن را گوش کردم. قرائت ایشان خیلی در نوع قرائت من تأثیر داشت. کافی بود یک یا دو بار به نوار وی گوش کنم تا به همان سبک بخوانم. بعد در جلسات، به همین سبک قرآن را تلاوت می‌کردم و این تشویقم می‌کرد.

این سبک‌ها آن زمان در ایران تازه بودند و طرفداران زیادی داشتند. با خواندن قرآن به این روش‌ها، به ما جوایز خوبی می‌دادند. شکر خدا همین مسیر را ادامه دادم.

● آیا آموزش سبک تلاوت قرآن، فقط از طریق استماع بود یا روش‌های دیگری هم به کار می‌رفت؟

○ هر کسی در زمینه‌ای استعداد دارد. بنده هم در فراگیری صوت فوق‌العاده مستعد بودم. کافی بود یکی دوبار نواری را گوش کنم تا بتوانم به همان شیوه بخوانم. سالی، نواری از تلاوت **مصطفی اسماعیل** از سوره‌ی مبارکه‌ی الحاقه را از جایی گرفتم و تقلید کردم. روزی در مجلسی قرآن تلاوت می‌کردیم که صدا بیرون از جلسه هم پخش می‌شد. صدای تلاوت تا حوزه‌ی علمیه‌ی چیدر هم می‌رسید. در حوزه، شخصی روحانی به نام آقای **تقوایی** بود

معلمان قرآن در مدارس باید حداقل سطح (۱) تجوید را بدانند؛ آشنایی با سبک‌های قرائت قرآن و درست خواندن کامل آیات قرآنی، ضرورت دارد

که با مرحوم استاد **اربابی**، تلاوت کار می‌کردند و ما هم با ایشان ارتباط داشتیم. با آقای **تقوایی** به جلسه‌های گوناگون می‌رفتیم. آن روز استاد **اربابی** در حوزه بود. وی چند بار به مصر سفر کرده بود و با استادان مصری آشنایی داشت. وقتی تلاوت را از سوره‌ی الحاقه شنید، تعجب کرد که چه کسی تا این حد شبیه به **مصطفی اسماعیل** قرائت می‌کند؛ به جلسه آمد تا تلاوت کننده را ببیند. وقتی بنده را دید، بسیار تشویقم کرد. منظورم از این حرف‌ها، استعداد من برای فراگیری سبک‌های تلاوت است.

● منظور بنده این است که آیا آموزش تجوید هم می‌دیدید که تلاوت شما فنی باشد؟

○ درست است که شیوه‌ی تقلیدی ما باید با آموزش اصلاح می‌شد. آن موقع تجوید نمی‌دانستم و از زیر و بم تلاوت اطلاعی نداشتم.

برگزیدگان دیگر، به حج تمتع مشرف شدم و در مراسم حج نیز قرآن تلاوت کردم.

در سال ۶۵، به عنوان عضو بسیج، در مسابقه‌های قرآنی نیروهای مسلح استان تهران نفر اول شدم و در سال ۶۷، در رقابت قرآنی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور به رتبه‌ی سوم دست یافتم.

در مسابقه‌ی اذان هم شرکت کردم و در سطح تهران اول شدم. جایزه هم سفر به سوریه و زیارت حضرت زینب (س) بود. در رقابت‌های دیگر هم رتبه‌هایی نصیب بنده شد که حضور ذهن ندارم.

● **شکی نیست که قاریان مصری، زنده‌ترین قاریان قرآن در جهان اسلام‌اند. قاریان ایرانی هم تحت تأثیر آنان تلاوت می‌کنند. به نظر شما، تا کی باید قاریان ما مقلد باشند تا به سبک خاصی که روح ایرانی در تلاوت آن بتپد، برسند؟ برای مثال، اذان مؤذن زاده‌ی اردبیلی با شیوه‌ی ویژه و مؤثر، دل هر ایرانی را مجذوب می‌کند. اکنون سال‌هاست تلاش می‌شود قرآنی با خط ایرانی در جمهوری اسلامی ایران تهیه شود. آیا بهتر نیست قاریان ما نیز در زمینه‌ی تلاوت خاص ایرانی براساس هارمونی جاافتاده در فرهنگ ذهن ایرانی بکوشند؟**

○ برای شروع کار، لازم است قاری پایه و اصلی را اختیار کند. در غیر این صورت موفق نمی‌شود. به همین دلیل، اکثر قاریان ایرانی می‌کوشند از روی بهترین قرائت‌ها مشق کنند. خوب‌ترین قرائت‌ها نیز از آن قاریان مصری است. ما نمی‌توانیم این شیوه را رها و برای این که سبک جدیدی را ابداع کنیم، از صفر کار را پی بگیریم. برای تقویت پایه‌ی کارمان مجبوریم از یک سبک زیبا و دل‌نشین قرائت و از استادی که سال‌ها زحمت کشیده است، مثل عبدالباسط، منشاوی، مصطفی اسماعیل و... استفاده کنیم.

● **اگر این طور باشد که شما می‌فرمایید، در هیچ کاری پیشرفت حاصل نمی‌شود. یعنی به نظر شما، قاریان ایرانی نباید از مرحله‌ی شاگردی و تقلید بگذرند و با تلاش و تکاپو به مرحله‌ی استادی در قرائت برسند؟ آیا موانعی وجود دارند که سبب می‌شوند قاریان ایرانی نتوانند شیوه‌ی خاص خود را در تلاوت و صوت ابداع کنند؟**

○ بله. یک مانع، کم‌اطلاعی قاریان از مفاهیم و معانی آیات قرآن کریم است. مانع دیگر، به میزان آشنایی با الحان و نعمات ارتباط دارد. گرچه قاریان ما تا حدی با الحان و نعمات آشنایی دارند، اما این برای رسیدن به سبکی خاص کفایت نمی‌کند. اگر قاریان ایرانی بتوانند با توجه به مفاهیم آیات، لحن مناسب و مربوط را دریابند و هنگام قرائت آهنگ و نغمه‌ی خاص را به کار ببرند، می‌توانند مبدع سبک خاصی شوند. رسیدن به این درجه، به زمان بیشتر و تجربه‌ی افزون‌تر احتیاج دارد. خوش‌بختانه در میان قاریان

به دلیل دور بودن راه، به کلاس‌های استاد مولایی کمتر می‌رفتم. جلسه‌های دیگر هم بودند، اما نام استادنش را به یاد ندارم. اما استاد اربابی، در آموزش قرائت و تجوید، حق زیادی به گردن بنده دارد و استاد اصلی بنده محسوب می‌شود. جلسه‌های آموزشی استاد اربابی ابتدا در مسجد حسین‌آباد لویزان تشکیل می‌شد که بعد به مسجد جامع و سرانجام به امامزاده‌ی معروف لویزان انتقال یافت. ابتدا جلسه‌های آموزشی با حدود ۱۰ نفر شروع شد. بنده هم دوره‌ی دوستانی مانند **حاج رضا ربیعیان، حاج حسین دهقان، و آقای رضا مبارکی** بودم که در حال حاضر از استادان و قاریان قرآنی‌اند.

● **شیوه‌ی آموزش مرحوم استاد اربابی چه‌طور بود؟**
○ هر جلسه، بخشی از قرآن را به عنوان درس انتخاب می‌کرد تا خود را آماده‌ی تلاوت کنیم. ضمن تلاوت، شیوه‌ی تلاوت را با تجوید آموزش می‌داد. به این طریق، موفق شدیم کل قرآن را درست و بدون اشکال بخوانیم.

● **با مفاهیم قرآن چه‌طور آشنا شدید؟**
○ هم‌زمان با کار در آموزش و پرورش، موفق به ادامه‌ی تحصیل شدم و مدرک کارشناسی رشته‌ی الهیات و معارف اسلامی را از دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران گرفتم و به حوزه‌ی علمیه‌ی چیدرز هم می‌رفتم. به این ترتیب، با معارف قرآن آشنا شدم. به ویژه **آیت‌الله هاشمی**، مدیر حوزه‌ی علمیه‌ی چیدرز، کلاس‌هایی مفید دایر می‌کردند که در یادگیری مفاهیم قرآن کریم و معارف اهل بیت (ع) نقش زیادی داشت. نباید از یاد برد که استمرار تلاوت قرآن در مجالس و محافل، انسم را با قرآن کریم بیشتر کرد و سبب شد تا مفاهیم قرآنی را هر چه بهتر و بیشتر بفهمم و به آن توجه داشته باشم.

● **در رقابت‌های قرآنی هم شرکت دارید؟**
○ از اوایل دهه‌ی ۶۰، ضمن حضور در محافل و مجامع قرآنی، در رقابت‌های قرآنی هم شرکت می‌کردم؛ برای مثال، در مسابقه‌هایی که سازمان اوقاف و امور خیریه برگزار می‌کرد. اما حضورم در مسابقه‌ها جدی نبود. بیشتر دوست داشتم به خاطر انس با قرآن، تلاوت کنم. در هر حال، در سال‌های ۶۴ و ۶۶ در مسابقه شرکت کردم و به عنوان نفر برگزیده‌ی مسابقه‌های کشوری، به همراه

بنده در آموزش قرآن، به دانش‌آموزان و به علاقه‌های آن‌ها توجه دارم، زیرا در پیشرفت آنان مؤثر است. برخی از صوت قرآن لذت می‌برند، برخی نیز دوست دارند آیات قرآن را حفظ کنند و عده‌ای به فراگیری مفاهیم علاقه دارند. معلم قرآن باید در کلاس انعطاف داشته باشد تا بین بچه‌ها و قرآن انس به وجود بیاورد





شما، چرا چنین فعالیت‌هایی در گستره‌ی قرآنی دچار رکود شده‌ است؟ و چه کار باید کرد که الگوهای مطرح هم‌چنان رصد شوند؟

○ گفته‌ی شما را قبول دارم. این امر در جامعه‌ی منطقی خاصی ندارد. اخیراً مجامع قرآنی جدیدی تشکیل شده‌اند، اما از حمایت‌های لازم برخوردار نیستند. در حالی که یکی از موضوع‌هایی که جوانان ما را از آسیب‌های اجتماعی مصون می‌دارد، انس با قرآن است. درست می‌فرمایید که جوانان و نوجوانان ما با شیوه‌های زیبای قرائت قرآن، با حفظ قرآن و فراگیری مفاهیم قرآن الگو می‌شوند. نباید این گروه را در مقطع خاصی رها کرد تا از یادها برونند. باید این عده را حمایت کنند. متأسفانه اکنون تعداد این گروه که در جامعه‌ی الگو و مؤثر می‌شدند، خیلی کم است. برای مثال، ۱۵ سال پیش، آقای جواد فروغی خیلی مطرح بود. ایشان با عنایت به ظرفیت و استعداد خاصی که داشت، در عرصه‌ی قرآنی پیشرفت خوبی دارد و در شبکه‌ی بین‌المللی جام‌جم برنامه‌های خوبی اجرا می‌کند. آقای سید محمد حسین طباطبایی نیز اخیراً در حوزه‌ی علمیه‌ی قم لباس روحانی پوشید. اما از این نسل بگذریم. به طور مشخص، از سال ۱۳۷۵ به این طرف، نوجوانان و جوانانی نداریم که به شکل خاص ظهور کنند و مطرح شوند. علت هم این است که نهاد خاصی از این استعدادها حمایت نمی‌کند و درصد کشف آنان نیست. اگر این الگوها نباشند، دیگران در عرصه‌های دیگر الگو می‌شوند.

یکی دو نسل اخیر، افراد خوبی ظهور کرده‌اند، اما هنوز به مرحله‌ی پختگی نرسیده‌اند. باید بیشتر تلاش کرد.

با این حال، در قرائت برخی از قاریان عزیز، برش‌های زیبایی در تلاوت دیده می‌شود که برخی از آن‌ها مختص خودشان است و برخی نیز ترکیبی است از نعمات زیبا و دل‌نشین. باید زمان بگذرد. استادان معروف و بزرگ هم بعد از دو سه دهه، صاحب شیوه و سبک خاص خود شدند. برای قاریان جوان ما هم این فرصت وجود دارد که با امید به کمک خداوند و تلاش مضاعف، بتوانند در این زمینه پیشرفت کنند؛ به ویژه با توجه به مفاهیم آیات قرآن کریم بتوانند لحن مناسب را انتخاب کنند.

● در دوره‌ی، کودکان و نوجوانان با استعدادی، به ویژه در زمینه‌ی قرائت قرآن کریم، به جامعه‌ی معرفی و در داخل و خارج کشور زبانزد شدند. این عده، برای هم‌سن و سال‌های خودشان الگو بودند و خانواده‌ها نیز تشویق می‌شدند بچه‌های خود را در این راه حمایت کنند. متأسفانه، سالیانی است که کسان دیگری به جامعه‌ی معرفی نشده‌اند. در همین حال، از آن عده‌ی قبلی هم که اکنون باید جوانان رشیدی باشند، خبری نیست. معلوم نشد آنان چه سرنوشتی پیدا کردند؟ چه خط و ربطی را دنبال می‌کنند؟ آیا در زندگی علمی و اجتماعی موفق بودند؟ اگر پیشرفت این گروه از افراد دنبال و در جامعه اطلاع‌رسانی شود، در عرصه‌ی الگودهی بسیار موفق خواهد بود. به نظر

موجب انس با قرآن می‌شود و سبب می‌شود تا خواننده به مفاهیم نیز اهمیت بدهد.

● **مشکلی که در سطح مدارس مطرح است، باز می‌گردد به سطح دانش قرآنی معلمان. گفته می‌شود، معلمان هستند که نمی‌توانند به درستی قرآن را بخوانند یا به موضوع درس اشراف ندارند. این عده چه‌طور می‌تواند رغبت رجوع به قرآن را در دانش آموزان به وجود آورند؟**

○ نباید انتظار داشت همه‌ی معلمان قرآن با صوت خوش قرآن بخوانند یا بتوانند به درستی آموزش بدهند. می‌توان سر کلاس از نوار استفاده کرد؛ آن هم نوار تلاوت‌های دل‌نشین. همراه با نوار، دانش‌آموزان باید هم‌خوانی نیز داشته باشند. نباید فقط به آموزش نظری اکتفا کرد.

● **در پرسش‌بنده، سواد قرآنی معلم مورد نظر بود. اگر معلم سر کلاس از نوار استفاده کند، نباید مشکلی به وجود بیاورد، اما اگر دانش‌آموز پرسشی داشت و معلمی نتوانست پاسخ بگوید، مشکل ایجاد می‌کند. چه راهکاری برای افزایش سطح دانش قرآنی معلمان پیشنهاد می‌کنید تا به راحتی بتوانند آن‌چه را در کتاب درسی مطرح است، آموزش بدهند و نیز قادر به رفع مشکلات و پاسخ به پرسش‌های دانش‌آموزان باشند؟**

○ البته لازم است که معلمان حداقل سطح (۱) تجوید را بدانند، اگرچه بهتر است که کاملاً بر تجوید مسلط باشند و سبک‌های قرائت قرآن را بشناسند تا در برابر دانش‌آموزان کم‌نیاورند، ولی این انتظار همیشه برآورده نمی‌شود. به نظر من، نیازی نیست که استاد قرآن تمام اصول تجوید را بداند. انس با قرآن این مفهوم را ندارد که مریی قرآن باید بر تمام قواعد تجوید احاطه داشته باشد.

● **باید آن‌چه را در کتاب درسی مطرح است، بدانند؟**
○ می‌تواند بیشتر از نوار استفاده کند ...

● **باید از عهده‌ی درست خواندن آیاتی از قرآن که در کتاب درسی آمده‌اند، بر آید.**

○ درست است. خیلی ضرورت دارد. ضمن این‌که تا این حد درست خواندن لازم است، اما نباید در استفاده از نوارهای تلاوت قرآن غفلت کند. امکان دارد دانش‌آموزان درباره‌ی تجوید و قرائت سؤال داشته باشند. اگر معلم نتواند جوابشان را بدهد، باید یا استاد دعوت کند یا سی‌دی و کتاب و نوار آموزشی معرفی کند.

● **شیوه‌ی تدریس شما چیست؟**

○ من از کتاب و لوح آموزشی خیلی استفاده می‌کنم. به ویژه آیات و سوره‌هایی که انتخاب کرده‌اند، با سن و سال دانش‌آموزان متناسب است؛ چه در مفاهیم و چه در موضوع‌ها. با این حال، به کتاب اکتفا نمی‌کنم. در مجموع، سطح دانش‌آموزان را در نظر می‌گیرم. در مدارسی که تدریس می‌کنم، گاهی بچه‌ها در روخوانی قرآن مشکل دارند. پس نمی‌توانند قرائت یاد بگیرند. لذا ابتدا روخوانی کار می‌کنیم. پس از مدتی، مقداری روان‌خوانی

● **فکر می‌کنید آموزش و پرورش می‌تواند در این زمینه کاری انجام دهد؟ از مجله‌ی رشد آموزش قرآن چه انتظاری دارید؟**

○ آموزش و پرورش باید مسابقه‌ها را باشکوه‌تر برگزار کند. مهم‌تر این نکته است که فرهنگ فراگیری قرآن باید با شیوه‌های بهتر و جذاب‌تر در آموزش و پرورش پی‌گیری شود. محافل و هیئت‌های قرآنی نیز باید فعال‌تر باشند. دانش‌آموزان فعال در حوزه‌ی قرآن باید تشویق شوند تا بچه‌ها نتیجه‌ی انس با قرآن را ببینند. این کار آنان را بیشتر به قرآن جلب می‌کند. مجله‌ی رشد قرآن نیز می‌تواند در این زمینه، به ویژه به مربیان کمک کند. می‌تواند شیوه‌های تازه‌ی تدریس و راهکارهای رشد آموزش قرآن را به مربیان و دبیران منتقل کند.

● **شما از چه دوره‌ای همکاری با آموزش و پرورش را آغاز کردید؟**

○ در دبستان، بیشتر از دو سال نبودم. کارم بیشتر در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان بوده است. به هر حال، در تمام دوران، درس‌های دینی و قرآن را آموزش داده‌ام.

● **شما دو مقطع تدریس را تجربه کرده‌اید؛ قبل از تغییر کتاب‌های درسی و بعد از آن. بفرمایید کتاب‌های درسی کدام دوره، مزیت‌های بیشتری دارد؟**

○ قبلاً درس آموزش قرآن از درس دینی جدا بود. در آن دوره، آموزش قرآن به روخوانی منحصر بود. امتیاز کتاب‌های جدید - ترکیب درس دینی و قرآن - این است که دانش‌آموزان علاوه بر آشنایی با قرآن، با مفاهیم قرآن و معارف اهل بیت (ع) نیز آشنا می‌شوند.

با این حال، احساس می‌کنم در دوره‌های دبیرستان و راهنمایی، باید روی مفاهیم قرآن کار شود، زیرا هدف از فراگیری قرآن، باید یادگیری معارف باشد. البته نباید انس با قرآن نیز فراموش شود. برای این کار پیشنهاد می‌کنم، برای هر سال ۱۰ جزء قرآن چاپ شود و دانش‌آموزان هر روز قرآن را بخوانند. در حالی که اکنون روی قرائت قرآن کم‌کار می‌شود. قرائت قرآن

چه موانعی سبب می‌شود تا قاریان ایرانی نتوانند شیوه خاص خود را در تلاوت و صوت قرآن کریم ابداع کنند؟
بله. اولین مانع، کم‌اطلاعی از مفاهیم و معانی آیات قرآن کریم است. مانع دوم، الحان و نغمات است. اگر قاریان ایرانی بتوانند مفاهیم آیات و لحن مناسب آن‌ها را دریابند، می‌توانند مبدع سبک ایرانی در قرائت باشند





درس می‌دهم. بنده به علاقه‌های دانش‌آموزان نیز توجه دارم، زیرا در پیشرفت آنان بسیار مؤثر است. برخی از دانش‌آموزان از صوت قرآن لذت می‌برند، برخی نیز دوست دارند قرآن را حفظ کنند و عده‌ای به فراگیری مفاهیم علاقه دارند. بنابراین، معلم باید در درس قرآن انعطاف داشته باشد.

آنچه به نظرم بسیار اهمیت دارد، این است که بتوان بین بچه‌ها و قرآن، انس و الفت ایجاد کرد. در آموزش و پرورش، باید هدف همین باشد. اگر این هدف تأمین نشود، دانش‌آموزان، درس قرآن را به عنوان تکلیف نگاه می‌کنند، درس را می‌خوانند و نمره‌ی قبولی و حتی نمره‌های عالی هم می‌گیرند، ولی با قرآن انس پیدا نمی‌کند. در این صورت، هدف آموزش قرآن در مدارس برآورده نشده است. ارتباط درونی با قرآن است که ما را و دانش‌آموزان را از آسیب‌های اجتماعی در امان نگاه می‌دارد.

● با توجه به تقسیم کار آموزش قرآن در سه دوره‌ی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، و با عنایت به واقعیت‌های موجود، آیا در مجموع آموزش و پرورش به هدف نهایی خود می‌رسد؟

○ اگر موفقیت در جایی چشم‌گیر باشد، به دلیل وجود معلم خوب است؛ یعنی معلم، هم خوب بلد بوده و هم روش آموزشی‌اش خوب بوده است. نباید از یاد ببریم که میزانی از موفقیت آموزش قرآن در مدارس، به جلساتی باز می‌گردد که دانش‌آموزان در خارج از مدرسه در آن‌ها شرکت می‌کنند یا در هیئت‌های قرآنی که در مدارس تشکیل می‌شود، حضور می‌یابند. باید کاری کنیم که این حالت در کلاس‌های درس هم به وجود آید.

بنده برای دوره‌ی ابتدایی این پیشنهاد را دارم. به جای یک ساعت آموزش در هفته، در طول هفته، ارتباط بچه‌ها را با قرآن برقرار کنیم. شکل و شیوه‌ی این کار می‌تواند متفاوت باشد. این کار می‌تواند اول صبح یا هنگام نماز صورت گیرد. خوب باید در تمام کلاس‌ها سیستم صوتی ایجاد کرد که به مرکز پخش صوت وصل باشد. در یک زمان مشخص، قرائت قرآن مثلاً به مدت ۱۵ دقیقه پخش می‌شود و هم‌زمان، دانش‌آموزان نیز به تلاوت می‌پردازند.

به نظرم، با این کار و استمرار آن، قرآن وارد زندگی بچه‌ها می‌شود. با یک یا دو ساعت آموزش قرآن در هفته، این هدف تأمین نمی‌شود. **امام صادق (ع)** فرموده‌اند: «ما نیست کسی که روزی ۵۰ آیه قرآن تلاوت نکند». سنت قرائت قرآن مدتی است در مساجد باب شده و بعد از نماز این کار را می‌کنند. این کار باید در مدارس نیز رواج یابد. بنده به شما قول می‌دهم، اگر این اقدام در مدارس ابتدایی اجرایی شود، بعد از پنج سال، دانش‌آموزان قادرند قرآن را از رو بخوانند. می‌دانیم، آنانی که سواد خواندن و نوشتن فارسی را ندارند، می‌توانند قرآن بخوانند. ایشان چه‌طور یاد گرفته‌اند؟ به دلیل ارتباط و انسی که با قرآن داشته‌اند. بهترین عامل یادگیری قرآن، خود قرآن است.

● درس عربی نیز عامل مهمی است در جلب دانش‌آموزان

به قرآن یا گریزشان از آن. متأسفانه این درس بیشتر نقش دوم را ایفا می‌کند؛ به ویژه در رشته‌های غیر علوم انسانی. به نظر جناب عالی، چگونه باید آموزش زبان عربی را محیط جذب دانش‌آموزان به درس قرآن کرد؟

○ البته در مدارس، کمتر تدریس عربی داشته‌ام. رویکرد جدید در استفاده از عبارات قرآنی در این درس مفید است و بچه‌ها به‌ویژه با بخشی از پیام‌های خاص قرآن که ترجمه به فارسی هم دارد، آشنا می‌شوند. آوردن داستان‌های کوتاه قرآنی را نیز در درس عربی مفید می‌دانم. در کتاب‌های درس عربی، سرگذشت بزرگان یا اتفاق‌هایی را که در یک دوره‌ی تاریخی افتاده است، آورده‌اند. خوب است برای مثال، بخشی از آیات مربوط به زندگی حضرت **یوسف**، حضرت **ابراهیم**، حضرت **موسی** و خلقت **آدم** را که بسیار زیبا بیان شده‌اند، همراه با ترجمه‌ی فارسی بیاورند تا از این راه هم انس و ارتباط دانش‌آموزان با قرآن بیشتر شود.

● در پایان این گفت‌وگو، اگر نکته‌ای یا موضوعی را لازم می‌دانید، بفرمایید.

○ تشکر می‌کنم از این که بنده را برای مصاحبه دعوت کردید. از فرصت استفاده کنم و با مخاطبان مجله، مطلبی را در زمینه‌ی قرائت قرآن در میان بگذارم. شیوه‌های قرائت رایج در حال حاضر، بیشتر مصری است. خوب است، اما کافی نیست. به ویژه برای ما در ایران که زیانمان فارسی است. ما باید از روش‌های جدید بهره بگیریم، آن هم منطبق با سنت‌های خودمان. در حال حاضر، مجالس مداحان و ذاکران اهل بیت (ع) خیلی پرشورتر و گسترده‌تر از مجالس قرآن برگزار می‌شود. حتی در مجالس قاریان مصری که به ایران دعوت می‌شوند، عده‌ی کمی شرکت می‌کنند. اشکال کار این‌جاست که در این مجالس افراد نمی‌توانند با قاری و قرائت وی ارتباط کامل برقرار کنند.

خوب است خوابی را که بعد از فوت استاد اربابی دیده‌ام، بازگو کنم.

حدود یکسال بعد از فوت استاد در ماه رجب سال ۱۳۸۶، به خاطر همان رابطه‌ی شگرد و استادی و حقی که او به گردن من داشت و علاقه‌ای که به ایشان داشتم، در خواب دیدم که با استاد علی اربابی ملاقات کرده‌ام و ایشان را در آغوش گرفته‌ام. با هم احوال‌پرسی گرم و صمیمانه‌ای کردیم. از وضع خودش بسیار راضی بود. اما در چهره‌اش حالتی از تأسف دیدم، علت را پرسیدم. در جواب گفت: «تنها ناراحتی و تأسفم این است که در جلسه‌های قرآنی، کمتر به مفاهیم قرآن پرداختم.»

ایشان بدین ترتیب می‌خواست اهمیت توجه به مفاهیم قرآنی را برساند. این که خداوند برای قرائت قرآن ثواب زیادی مقرر کرده، به خاطر ایجاد اشتیاق است. تا با تکرار تلاوت هرچه بهتر و دقیق‌تر به عمق قرآن نفوذ کند و بهره‌های بیشتری در زندگی ببریم. **موفق باشید. ان شاء الله شاگردانی تربیت کنید که در عمل الگوهای قرآنی باشند.**

غلامعباس سرشور خراسانی
از مولفین کتاب های آموزش قرآن و معلم قرآن مدارس

روش رفع اشکالات دانش آموزان در روخوانی قرآن کریم

غلامعباس سرشور خراسانی در سال ۱۳۵۵، در آموزش و پرورش مشهد، استخدام و معلم کلاس

پنجم شد.

پس از انقلاب اسلامی، با روش تدریس قرآن مرحوم خانم رنجبر آشنا شد. روش ایشان را با تغییراتی متناسب با پایه اول ابتدایی، اجرا کرد. وی با استفاده از روش قصه و بازی، روخوانی قرآن را به دانش آموزان کلاس اولی آموزش داد.

از سال تحصیلی ۷۱-۷۲، در شهر مشهد و به تدریج در استان خراسان، طرح «گامی به سوی نور» او، برای آموزش قرآن در پایه اول ابتدایی، اجرا شد. از سال ۱۳۷۶ با گروه قرآن دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی همکاری کرد. از آن پس، به تألیف کتاب های آموزش قرآن در دوره ی ابتدایی پرداخت و این گونه بود که او یکی از مؤلفان کتاب های قرآن دوره ی ابتدایی شد.

عموم اشکالات روخوانی قرآن مجید توسط دانش‌آموزان، به ضعف مهارت روخوانی یا به دقت کم، شتاب‌زدگی، اضطراب و کمبود اعتماد به نفس مربوط است

مقدمه

دقت بیشتر بخواند. این

شیوه اشکال گرفتن، بیشتر زمانی

مفید است که اشکال دانش‌آموز، به علت

نداشتن دقت کافی یا شتاب‌زدگی در خواندن

باشد.

● توجه دانش‌آموزان را به کلمه‌ی غلط خوانده شده جلب می‌کنیم و با طرح سؤال، به مقایسه‌ی شکل‌های صحیح و غلط کلمه می‌پردازیم. سپس از آن‌ها می‌خواهیم تا شکل صحیح را بگویند. آن‌گاه از دانش‌آموزی که کلمه را غلط خوانده بود می‌خواهیم که عبارت را با توجه بیشتر و به شکل صحیح بخواند.

● اگر به نظر می‌رسد کلمه یا عبارت غلط خوانده شده برای تعدادی از دانش‌آموزان مشکل است، معلم کلمه یا عبارت را روی تابلو می‌نویسد و از همه‌ی دانش‌آموزان می‌خواهد که با اشاره‌ی او، آن کلمه یا عبارت را به صورت بخش‌بخش بخوانند. آن‌گاه از دانش‌آموز اولی می‌خواهد که عبارت را با دقت بیشتر و به شکل صحیح بخواند.

تذکر

۱. بعضی از دانش‌آموزان لکنت زبان دارند و عبارات را با مکث، تکرار و به کندی می‌خوانند. معلم ضمن برخورد لطیف، مناسب و طبیعی، سعی می‌کند آن‌ها در انتظار دیگران خجالت‌زده نشوند و مورد تمسخر قرار نگیرند.

۲. مناسب است دانش‌آموزان را به گروه‌های چند نفره تقسیم کنیم تا آیات درس را برای هم بخوانند و اشکالات روخوانی و قرائت یکدیگر را اصلاح کنند. سعی شود افراد ضعیف با افراد قوی هم‌گروه شوند تا برای هم مفیدتر باشند و نتیجه‌ی بهتری حاصل شود.

در پایان خلاصه و فهرستی از مهم‌ترین دلایل و عللی که موجب بروز اشکالات دانش‌آموزان در روخوانی قرآن می‌شود و نیز راه رفع هر یک از آن‌ها به اختصار ارائه می‌شود. معلم محترم باید پس از تشخیص هر اشتباه، علت آن را بررسی کند

اشکالات دانش‌آموزان در

روخوانی قرآن مجید، به ضعف مهارت

روخوانی یا به دقت کم، شتاب‌زدگی، اضطراب

و کمبود اعتماد به نفس مربوط می‌شود. معلم باید

با روش‌های رفع هر اشکال آشنا باشد تا بتواند ضعف دانش‌آموزان را برطرف سازد و مهارت روخوانی آنان را افزایش دهد. توجه به اصول زیر، برای توفیق بیشتر در رفع اشکالات روخوانی دانش‌آموزان ضروری است:

● رفع اشکال همراه با تشویق دانش‌آموز نسبت به آنچه صحیح خوانده است، انجام شود تا اعتماد به نفس او تقویت شود.

● رفع اشکال به نحوی انجام شود که موجب اضطراب دانش‌آموز نشود.

● تا حد امکان فرصت داده شود تا خود دانش‌آموز، اشکال خویش را برطرف کند.

● پس از خواندن عبارت صحیح توسط دانش‌آموزان دیگر، دانش‌آموز متوجه خطای خود بشود و حتی الامکان آن را رفع کند.

● رفع اشکال، موجب صرف وقت بیش از حد نشود.

● معلم نباید بلافاصله حالت صحیح کلمه را بخواند و نیز از دانش‌آموزان بخواهد که آن‌ها نیز چنین کاری نکنند.

● رفع برخی از اشکالات به تمرین بیشتر و مرور زمان نیاز دارد. از این‌رو، معلم نباید انتظار داشته باشد که همه‌ی اشکالات بلافاصله برطرف شوند.

شایان ذکر است، تسلط معلم بر روخوانی متن درس، موجب تشخیص بهتر اشکالات و رفع آن‌ها می‌شود. با توجه به اصول فوق، معلم یکی از روش‌های زیر یا ترکیبی از آن‌ها را برای رفع اشکال انتخاب می‌کند. این روش‌ها عبارت‌اند از:

● در حین قرائت دانش‌آموز، به او تذکر نمی‌دهیم، بلکه صبر می‌کنیم و پس از وقف در پایان سطر، تذکر لازم را بیان می‌کنیم.
● با تشویق دانش‌آموز، از او می‌خواهیم که همان عبارت را با

رفع برخی از اشکالات به تمرین بیشتر و مرور زمان نیاز دارد. از این رو، معلمان نباید انتظار داشته باشند که همه‌ی اشکالات بلافاصله برطرف شوند

و با استفاده از راه‌حل‌های ارائه‌شده و با ترکیبی از آن‌ها، دانش‌آموزان را هدایت کند تا اشکال برطرف شود.

ی کوچک، مانند: بَعَادِهِ ← اِنَّهٗو ← اِنَّهٗو
بهی ← بهی

۶. وجود حروف ناخوانا در بسیاری از کلمات و ترکیبات آیات قرآن: گاهی دانش‌آموز، خودبه‌خود، آن‌ها را می‌خواند. با معادل‌سازی و تذکر در مورد ناخوانا بودن این حروف، می‌توان مشکل را برطرف کرد. به موارد زیر توجه کنید:

الف ناخوانا: قالوا ← قالو
عَمِلُوا ← عَمِلو
واو ناخوانا: الصَّلَاةُ ← الصَّلَاة
أُولَئِكَ ← أُولَئِكَ
أُولِيَاءَهُمْ ← أُولِيَاءَهُمْ
ی ناخوانا: يَسْتَهْزِئُ ← يَسْتَهْزِئُ
هُدًى ← هُدًى
ذِكْرَى ← ذِكْرَى

۷. وجود حروف ناخوانا در وسط بخش: در این موارد، باید پس از تشخیص حروف ناخوانا، حرکت قبل از آن‌ها، به تشدید یا ساکن وصل شود؛ مانند:

بِالْآخِرَةِ بِالْغَيْبِ وَأَمْرًا تَهُ
ءَامِنَ النَّاسُ لِقَوْلِ الَّذِينَ

۸. توالی حروف ناخوانا و اتصالات: در این موارد، باید پس از بخش خوانی و اشاره به بخش‌ها، از اتصالات بهره گرفت؛ مانند:

يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ [بقره/۳].
أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى [بقره/۱۶].

۹. ترکیب حروف: که باید از اشاره و بخش خوانی استفاده شود؛ مانند:

نُجَازَى ← نُجَازَى
يَخْدَعُونَ ← يَخْدَعُونَ

علل بروز مشکلات در روخوانی قرآن

۱. عجله و شتابزدگی: برای اصلاح این ایراد از قرآن آموز می‌خواهیم که کلمات و عبارات را آرام و شمرده بخواند و به حروف و حرکات نیز دقت کند.

۲. طولانی خواندن و وصل عبارات به یکدیگر: از او می‌خواهیم که کلمه کلمه، ترکیب ترکیب و جمله جمله بخواند؛ مانند آیات تقطیع شده در کتاب درسی.

۳. خجالت (ضعف در جرئت و ورزی)، اضطراب و فقدان اعتماد به نفس: با برخورد‌های مناسب و ایجاد اعتماد به نفس این مشکل برطرف می‌شود. برخورد‌های مناسب عبارت‌اند از: خوش‌رویی، تشویق، تغییر نوبت قرائت، قطع نکردن قرائت دانش‌آموز، سؤال و جواب درباره‌ی اشتباه یا سایر دانش‌آموزان، توبیخ نکردن او و...

۴. کم توجهی به حروف و حرکات و کلی خوانی کلمات و ترکیبات: با جلب توجه قرآن‌آموزان به علائم و حرکات، از طریق اشاره به بخش‌ها و بخش خوانی کلمات و ترکیبات، این مشکل برطرف می‌شود.

۵. نمادها و ترکیبات جدید و نامأنوس نسبت به سواد فارسی: این موارد، با معادل‌های فارسی مقایسه و آموزش داده می‌شوند. به موارد زیر توجه کنید:

ترکیبات همزه، مانند: ءَامِنًا ← ءَامِنًا
لَادِمَ ← لَادِمَ
مُسْتَهْزِئُونَ ← مُسْتَهْزِئُونَ
الف کوچک، مانند: رَزَقْنَهُمْ ← رَزَقْنَهُمْ
غَفْلُونَ ← غَافِلُونَ
واو کوچک، مانند: مَعَهُ ← مَعَهُ

با کمی دقت در اشکالات روخوانی دانش‌آموزان، در می‌یابیم که علت نادرست خواندن دانش‌آموزان نا‌آشنایی با مهارت‌های روخوانی و فقدان مهارت‌های لازم نیست بلکه عدم توجه و دقت آنان به بازشناسی ترکیبات و قواعد روخوانی قرآن است.

الف) اگر حرف بعدی یکی از حرکات کوتاه،

بلند و تنوین را داراست، آن حرف را با حرکتش در
یک بخش بخوانند.

ب) اگر حرف بعدی علامت سکون دارد، آن حرف و حرف
ساکن را در یک بخش بخوانند.

ج) اگر حرف بعدی علامت تشدید دارد، آن حرف و حرف
ساکن مشدد را در یک بخش بخوانند. سپس بخش دوم حرف
مشدد را با دقت به حرکت آن و با توجه به حرکت حرف بعد از
آن، به یکی از این سه شکل در یک بخش دیگر بخوانند.

د) اگر حرف بعدی ناخواناست، به حرکت و علامت
حرف بعد از حرف ناخوانا دقت کند، و با توجه به یکی از
دستورالعمل‌های سه‌گانه‌ی فوق آن حرف را بخواند.

توجه: در این مرحله از دانش‌آموزان بخواهید کلمه یا
عبارت اشتباه خوانده را به صورت مراحل بالا درست و صحیح
بخواند. بدیهی است که در این مرحله کلمات را به صورت
بخش‌بخش می‌خوانند و ما از آن‌ها می‌پذیریم.

مرحله‌ی دوم شمردن خوانی!

دانش‌آموزانی که اشکالات زیادی دارند، ابتدا باید مدت
کوتاهی در کلاس و یا خانه به وسیله‌ی بخش‌خوانی، چشم
خود را به دقت در بازشناسی حرکات و علائم عادت دهند.
هنگامی که معلم به‌طور نسبی از کسب این مهارت توسط
آن‌ها اطمینان پیدا کرد، از آن‌ها می‌خواهد با حفظ همان دقت
و با سرعت بیشتری کلمات و عبارات را بخواند. دقت کنید این
مرحله حتماً باید پس از مرحله اول انجام پذیرد.

مرحله‌ی سوم روان‌خوانی نسبی!

دانش‌آموزانی که مراحل یک و دو را با تمرین و تکرار
پشت‌سر گذاشته‌اند، خودشان به مرحله‌ی روان‌خوانی نسبی
می‌رسند. در این مرحله استماع از نوار یا لوح فشرده آموزشی
کمک شایانی به کسب مهارت روان‌خوانی آن‌ها خواهد کرد.

۱۰. جابه‌جایی حروف و حرکات: این

مشکل در اثر تشابه کلمات، کلی خوانی و عجله
پیش می‌آید. این موارد با بخش‌خوانی و شمردن خوانی
اصلاح می‌شود؛ مانند:

يَعْمَلُونَ ← يَعْمَلُونَ

عَبْدَهُ ← عَبْدَهُ

۱۱. کم یا زیاد کردن تشدید: این اشکال بسیار زیاد

پیش می‌آید؛ مانند:

إِيَّاكَ ← إِيَّاكَ

حَىٰ ← حَىٰ

وَلَىٰ دِينَ ← وَلَىٰ دِينَ

لَا شَرِيكَ لَهُ ← لَا شَرِيكَ لَهُ

۱۲. نگاه نکردن به خط قرآن و از حفظ خواندن:

برای حل این مشکل نیز با طرح سؤال‌های مناسب، توجه
قرآن‌آموز را به خط قرآن جلب می‌کنیم.

چگونگی رفع اشکالات روخوانی

با کمی دقت در اشکالات روخوانی دانش‌آموزان،
در می‌یابیم که علت نادرست خواندن دانش‌آموزان عدم
یادگیری قواعد روخوانی نیست، بلکه نداشتن توجه و
دقت در بازشناسی ترکیبات و قواعد روخوانی قرآن
است. از این‌رو باید تدبیری اتخاذ کرد که چشم دانش‌آموزان
دقت بیشتری در بازشناسی ترکیبات و قواعد روخوانی پیدا
کند. برای کسب این مهارت با حفظ اصولی که بیان شد باید
مراحل زیر را اجرا کرد:

مرحله‌ی اول بخش‌خوانی!

از دانش‌آموزان بخواهید که اول به حرکت‌های حروف و
علائم روخوانی دقت کنند. پس از آن که به حرکت حرف دقت
کردند، به حرکت و علامت حرف بعد دقت کنند و با توجه به
رعایت یکی از چهار حالت زیر، آن بخش کلمه را بخوانند:

مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ زُرِعُونَ
عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُو

اشاره

ابوالفضل علامی نامی آشنا برای اهالی قرآن است. ایشان علاوه بر تدریس در رشته‌های گوناگون علوم قرآنی و داوری مسابقات قرآن، بیش از ۱۳ جلد کتاب در زمینه‌های وقف و ابتدا، تجوید، قرائت و... دارد. موضوع علائم و نشانه‌های وقف و محل‌های وقف از دیرباز محل گفت‌وگوهای علمی بسیاری بوده است. در این بین «علائم، وقف سجاوندی» جایگاه خاصی دارد که استاد علامی در مقاله‌ی حاضر بدان می‌پردازد. امیدواریم با مطالعه‌ی این نوشتار به نکات تازه و حائز اهمیت دست یابید.



مقدمه

نام سجاوندی برای بسیاری از قرآن‌پژوهان و قرآن‌آموزان، نامی آشناست؛ به‌خصوص برای قاریان، حافظان و قرآن‌پژوهانی که انس بیشتری با قرائت قرآن و علوم مربوط به آن دارند و دوست دارند قرآن را آن‌گونه که نازل شده است، بخوانند و هنگام وقف در میان آیات و پایان آن، مراقب هستند در جاهایی وقف کنند که معنای کلام خدا دچار آسیب نشود.

اما باید اعتراف کرد که آگاهی ما از علائم وقف سجاوندی در حد زیادی نیست. مثلاً نمی‌دانیم سجاوندی کیست و این علائم را در چه قرنی وضع کرده است. اصولاً این علائم چه تفاوتی با هم دارند و تعریف هر یک از آن‌ها چیست؟

آن چه ما را واداشت، قلم به دست بگیریم و در این باره مقدمه‌ای بنویسیم، پاسخ به پرسش‌هایی پیدا و پنهان در این زمینه است و پرسش‌های علاقه‌مندانی که دوست دارند در این باره اطلاعاتی داشته باشند.

علائم وقف سجاوندی

ابوالفضل علامی
مدرس مرکز آموزش معلمان

مقاله‌ی حاضر در پی آگاهی دادن درباره‌ی این مسائل است:

- منظور از علائم وقف و ضرورت استفاده از آن در مصحف.
- تاریخ و پیشینه‌ی علائم وقف.
- آشنایی با علائم وقف سجاوندی.
- شناخت سجاوندی و اقسام وقف از نظر او.
- علامت «لا» در میان علائم سجاوندی نشانه‌ی چه نوع وقفی است؟



منظور از علائم وقف

«علائم» جمع «علامت» و به معنی «نشانه‌ها» است. «وقف» در اصطلاح علم قرائت [النشر فی القرات العشر، ج ۱: ۲۴۰] به معنی قطع صدا بر کلمه‌ای به مدت کوتاهی است که معمولاً برای تنفس لازم است، با قصد ادامه‌ی قرائت. به نمونه‌هایی از علامت‌های وقف نگاه کنید: ج، ز، ط، لا، صلی و قلی. آیا آن‌ها را در قرآن دیده‌اید؟

بنابراین، منظور از علائم وقف، نشانه‌هایی است که محل‌های «توقف» و وقف نمودن را هنگام قرائت قرآن به قاری نشان می‌دهند. گاهی به جای علائم وقف از اصطلاح «رموز وقف» استفاده می‌شود. «رموز» جمع کلمه‌ی «رمز» است و به معنای علامتی است که نشان‌دهنده‌ی یکی از اقسام وقف است. این علامت‌ها به شکل حروف هستند و معمولاً به صورت یک حرفی، دو حرفی، سه حرفی و چهار حرفی در مصحف دیده می‌شوند. ضمناً این علامت‌ها را بین کلمات و بالای خطوط اصلی مصحف می‌گذارند تا با خط قرآن خوانده نشود.



ضرورت علائم وقف

براساس آموزه‌های قرآنی، بهترین روش قرائت قرآن، روش «ترتیل» است. زیرا، اولاً قرآن به صورت ترتیل نازل شده است^۱ و ثانیاً، خدای متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) دستور داده است قرآن را به روش ترتیل بخواند.^۲

به این دلیل، اگر ما نیز بخواهیم قرآن را آن‌گونه بخوانیم که نازل شده است و به روش پیامبر (ص) و سایر پیشوایان دینی تلاوت کنیم، باید به روش ترتیل قرآن بخوانیم، یکی از ویژگی‌های قرائت ترتیل توجه به محل‌های وقف هنگام قرائت قرآن است.

شخصی از امیرمؤمنان، علی (ع) درباره‌ی معنای این آیه پرسید: «ورتل القران ترتیلاً» [مزمّل / ۴] و قرآن را با دقت و تأمل بخوان.

امام (ع) در پاسخ فرمود: «ترتیل عبارت است از آشنایی با وقف‌های قرآن و خوب تلفظ کردن حروف»^۳.

از گفته‌ی امام علی (ع) نتیجه می‌گیریم که قرائت ترتیل دارای دو ویژگی است:

۱. شناخت محل‌های وقف در قرآن.
۲. صحیح و خوب خواندن حروف.



پیدایش دانش وقف و ابتدا

قرآن‌پژوهان و دانشمندان علم قرائت، با الهام از کلام امام علی (ع)، بر آن شدند تا مبانی و ملاک‌هایی را برای شناخت محل‌های وقف قرآن بیابند. زیرا می‌دیدند، بسیاری از مشکلات قرآن‌خوانان - خصوصاً غیر عرب‌ها - هنگام قرائت قرآن، این است که محل‌های درستی را برای توقف قرائت و تجدید نفس بین آیات انتخاب نمی‌کنند و بر اثر این بی‌توجهی، چه‌بسا معنای کلام الهی، ناقص و نامفهوم می‌شود. حتی گاهی معنای آیه تغییر می‌یابد.

با شیوع این مشکل، پژوهش‌هایی در زمینه‌ی محل‌ها و مواضع وقف در قرآن توسط قرآن‌پژوهان شروع و به این وسیله، دانش «وقف و ابتدا» پایه‌ریزی شد و به صورت دانشی مستقل، در میان سایر علوم قرآنی تولد یافت. در این علم از مبانی و ملاک‌های شناخت محل‌های وقف در آیات، اقسام وقف، علائم وقف و... سخن رفته است.



پیشینه‌ی وضع علائم وقف

پس از گذشت این دوره بود که عالمان قرائت درصدد برآمدند، علائمی را برای محل‌های وقف و اقسام وقف‌ها وضع کنند تا در نوشتن مصحف و خواندن قرآن، از آن استفاده شود. زیرا وضع علائم برای محل‌های وقف، در صحیح خواندن و فهم معنای آیات قرآن نقش مهمی دارد، و برعکس، نبودن علائم وقف، سبب وقف نادرست و ناقص شدن معنای آیات و یا تغییر آن می‌شود.



نخستین علائم وقف

در پاسخ به این سؤال که: «چه زمانی نخستین علائم برای محل‌های وقف قرآن وضع شدند؟» سه نظریه وجود دارد:

نظریه‌ی اول: برخی ادعا کرده‌اند این رخداد در قرن دوم هجری روی داده است. هنگامی که از علت این برداشت می‌پرسیم، پاسخ می‌دهند: **ابویوسف**^۴ (ف ۱۸۹ هـ. ق) هنگامی که باخبر شد عده‌ای مواضع وقف را در قرآن به وقف

عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِ
الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ
نَفُورًا

**سجاوندی از
قرآن پژوهان قرن ششم
هجری است. اقسام
علائم وقف پیشنهادی
او به اندازه‌ای با
استقبال روبه‌رو شد
که تا به امروز از آن
در مصاحف استفاده
می‌شود**

ز = علامت وقف مجوز.

ص = علامت وقف مرخص.

ل = علامت وقف غیر جایز و ممنوع [الوقف و الابتداء: ۱۲۴-۱۲۳].



سجاوندی کیست

ابوعبدالله محمد بن طیفور غزنوی سجاوندی^۵ (م. ۵۶ هـ ق)، از مشاهیر علمای تفسیر، علوم قرآن و نحو است. او اهل غزنین بود. این شهر سابقاً جزو خراسان بزرگ بود و در حال حاضر شهری از ولایت خوارزم افغانستان است. سجاوندی تألیفات متعددی دارد و در تفسیر و مسائل مربوط به قرآن صاحب نظر بوده است. تألیفات او به این قرار است.

● عین المعانی فی تفسیر السبع المثانی

● غرائب القرآن

● علل القراءات

● معرفه أحزاب القرآن و أوصافه و أرباعه و أجزائه

● الوقف و الابتداء (الصغیر)

● کتاب الوقف و ابتداء (الایضاح فی الوقف و الابتداء) [همان، ص ۲۴-۲۱].

او کتابی نیز به زبان فارسی نوشته به نام «ذخایر ثمار در معانی اخبار سید مختار»، که عوفی در کتاب «لباب الالباب» از آن یاد کرده است [دانش‌نامه‌ی قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲: ۱۱۹۰].

سجاوندی از قرآن پژوهان قرن ششم هجری است. اقسام علائم وقف پیشنهادی او به اندازه‌ای با استقبال روبه‌رو شد که تا به امروز از آن در مصاحف استفاده می‌شود. در تمام کشورهای اسلامی، کسانی که با قرآن آشنایی و انسی دارند، او را می‌شناسند و در کشورها ما- ایران- نیز چنین است. در بسیاری از کتاب‌خانه‌های مشهور ایران که مصاحف خطی در آن‌ها یافت می‌شود، علائم وقف سجاوندی نیز در آن‌ها خردنمایی می‌کنند. حتی در حال حاضر که علائم وقف مصری

تام، حسن و قبیح تقسیم کرده‌اند، سخت برآشفتم و کار آنان را بدعت شمرد. این خبر گرچه در مورد اقسام وقف است و بر انکار علائم وقف صراحت ندارد، ولی می‌توان برداشت کرد که عالمان قرائت همراه اقسام وقف، علائمی را نیز ارائه کرده‌اند [الکشف عن احکام الوقف و الوصل فی العربیه: ۲۰-۱۹].

نظریه‌ی دوم: بسیاری از قرائت پژوهان و عالمان علوم قرآنی، وقف بر انتهای آیات را «سنت» دانسته‌اند. حکایت شده است که رسول خدا(ص) در پایان آیات وقف می‌کرده‌اند. لذا به پیروی از پیامبر(ص)، خوب است مسلمانان هنگام تلاوت قرآن در پایان آیات وقف کنند.

هرگاه فواصل و انتهای آیات را محل‌هایی برای وقف بشماریم، باید گفت: «نخستین علائمی که برای محل‌های وقف وضع شده‌اند، علائمی هستند که برای انتهای آیات قرار داده‌اند. ابوعمرو دانی، درباره‌ی گذاردن علامت در پایان آیات چنین می‌نویسد: «قرآن‌ها در ابتدای امر خالی از هر گونه علامتی بوده... سپس در انتهای آیات نقطه‌هایی را قرار دادند [المحکم فی نقط المصاحف: ۲ و ۱۷].

امین‌الاسلام طبرسی نیز در این باره می‌نویسد: «در انتهای هر آیه‌ای از مصاحف، سه نقطه گذاشته شد» [مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ۷۷].

بنابر گفته‌های ابوعمرو دانی در «المحکم» و آنچه برخی از قرآن پژوهان در بررسی نسخه‌های خطی قرآن مربوط به قرون اول تا سوم هجری نوشته‌اند، به احتمال زیاد گذاردن علامت در پایان آیات، در اواخر قرن اول هجری به وقوع پیوسته است، اما واضع آن مشخص نشده است [المحکم فی نقط المصاحف: ۲؛ خوش‌نویسی در خدمت کتابت قرآن مجید: ۵۹].

نظریه‌ی سوم: نخستین علائمی که برای وقف وضع شده‌اند، همان‌هایی هستند که در سده‌ی ششم هجری قمری ابداع و به علائم یا رموز سجاوندی معروف شدند. این علائم‌ها را در اواسط یا پایان آیات در محل‌های وقف قرار می‌دهند. شواهد تاریخی و مصاحفی که در دست است، این نظریه را بیشتر تأیید می‌کنند.



علائم وقف سجاوندی

از نظر سجاوندی مواضع وقف در قرآن پنج قسم است و برای هر یک از آن‌ها علامتی وضع کرد. یک علامت نیز برای مواضعی قرار داد که وقف در آن‌ها جایز نیست و ممنوع است. این علائم به ترتیب عبارت‌اند از:

م = علامت وقف لازم.

ط = علامت وقف مطلق.

ج = علامت وقف جایز.



نخستین علائمی که برای محل‌های وقف وضع شده‌اند، علائمی هستند که برای انتهای آیات قرار داده شده‌اند

(خلف‌الحسینی) در ایران و سایر کشورهای اسلامی رایج شده است، باز هم کم و بیش مصاحفی چاپ می‌شوند که علائم وقف آن‌ها، علائم سجاوندی است. به این دلیل برای آشنایی جامعه‌ی قرآنی کشور و قرآن‌پژوهان و دوست‌داران قرائت قرآن، لازم دیدیم این علائم را تعریف کنیم و جایگاه هر کدام را از نظر مراتب وقف توضیح دهیم.



اقسام وقف از نظر سجاوندی

هر یک از علائم وقف سجاوندی نشان‌دهنده‌ی یک قسم از اقسام وقف است. سجاوندی پس از بررسی محل‌هایی که وقف در آن‌ها ممکن است، می‌گوید: «وقف در قرآن پنج قسم است. وقف لازم، وقف مطلق، وقف جایز، وقف مجوز لوجه و وقف مرخص لضروره» [الوقف و الابتداء: ۱۰۵-۱۰۴].

پس از بیان اقسام وقف، برای هر یک از آن‌ها علائمی وضع شده است که پیش از این ذکر شد. اینک به شرح، تعریف و حکم اقسام وقف سجاوندی می‌پردازیم.

۱. وقف لازم: این وقف در موضعی است که اگر دو طرف محل وقف به هم وصل شوند، معنایی از کلام و جمله تصور می‌شود که خلاف معنای حقیقی آن است و کلام را نازیبا می‌کند.^۶ مانند وقف در «و ما هم بمؤمنین» از آیه‌ی ۸ سوره‌ی بقره: «و من الناس من یقول ءامناً بالله و بالیوم الآخر و ما هم بمؤمنین»^۷

وقف در این جا، «وقف لازم» است. اگر کسی «و ما هم بمؤمنین» را به «یخادعون الله» در آیه‌ی «یخادعون الله و الذین ءامنوا و ما یخدعون الا انفسهم و ما یشعرون»^۸ وصل کند، مفهوم و معنای اصلی کلام تغییر می‌کند و تصور می‌شود مؤمنان کسانی هستند که به خدا خدعه و نیرنگ می‌زنند. در حالی که آیه‌ی اخیر در صدد نفی ایمان منافقان و بیان نیرنگ آن‌ها با خداست [همان، ص ۱۰۵].

علامت و حکم وقف لازم: حرف (م) علامت وقف لازم

است. هر جا این علامت دیده شد، قاری باید وقف کند، و لذا به وصل خواندن آن از نظر سجاوندی صحیح نیست.

۲. وقف مطلق: این وقف در موضعی است که ابتدا و شروع آن، از جمله‌ی بعدی مطلوب است.^۹

از نظر سجاوندی هر موردی که ابتدا کردن از آن برای شروع قرائت خوب باشد، پیش از آن موضع برای وقف نیز مطلقاً خوب است. این موارد عبارت‌اند از:

● ابتدا از اسم مبتداء، مانند «الله یجتبی الیه من یشاء» [شوری/ ۱۳].

● ابتدا از فعل مستأنف با «س» یا غیر آن، مانند «سیقول السفهاء» [یقره/ ۱۴۲] و «بعید لایشرکون بی شیئاً» [نور/ ۵۵].

● ابتدا از مفعول محذوف، مانند «وعد الله» [نساء/ ۲۲] که به معنای «وعد الله وعداً» است. زیرا هنگامی که فعل حذف شد، مصدر به فاعل اضافه می‌شود.

● ابتدا از شرط، مانند «من یشاء الله یضلل» [انعام/ ۳۹].

● ابتدا از استفهام، مانند «أتریدون أن تهتدوا» [نساء/ ۸۸].

● ابتدا از نفی، مانند «ما کان لهم الخیره» [قصص/ ۶۸؛ الوقف و الابتداء: ۱۰۸-۱۰۷].

هم‌چنین، مواردی مانند عدول از «إخبار» به «حکایت» و یا عکس آن، عدول از «ماضی» به «مستقبل» و عکس آن، با عدول از «إستخبار» به «إخبار» و مانند این‌ها، از مواضع وقف مطلق است [همان، ص ۱۱۰].

علامت و حکم وقف مطلق: حرف «ط» علامت وقف مطلق است. هنگام برخورد با این علامت، وقف مطلقاً خوب است و ابتدا نمودن به قرائت پس از علامت وقف نیز مطلقاً خوب است.

۳. وقف جایز

وقف جایز در موضعی است که وقف نمودن و به وصل خواندن آن هر دو بلا اشکال است. زیرا هر دو دارای دلیل و علت است.^{۱۰}

مثال برای وقف جایز: مانند وقف بر «والذین یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک» در سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۴، ابتدا از «و بالآخره هم یوقنون»^{۱۱} در این جا واو عطف اقتضا می‌کند، جمله‌ی قبلی به جمله‌ی بعدی وصل شود، زیرا نشانه‌ی ارتباط دو جمله با یکدیگر است.

از طرف دیگر، مقدم شدن مفعول (بالآخره) بر فعل، در جمله‌ی دوم اقتضا دارد که جمله‌ی اول را از جمله‌ی دوم جدا کنیم. برای این که جلواتادن مفعول از فعل، نظم کلام را قطع می‌کند. بنابراین، جمله‌ی دوم در اصل «و یوقنون بالآخره» بوده است. به این دلیل جایز است که آن را از جمله‌ی نخست جدا

بخوانیم [همان، ص ۱۱۱].

علامت و حکم وقف جایز: علامت آن «ج» است. این علامت هر جای آیات باشد، وقف کردن و به وصل خواندن آن، هر دو جایز است.

۴. وقف مجوز لَوْجَه

وقف بر موضعی را «مَجُوزٌ لَوْجَه» نامند که اگر چه به وصل خواندن آن بهتر است، ولی به علتی و بنا به وجهی، وقف بر آن نیز جایز است. بنا به اختصار این نوع وقف را وقف «مجوز» می‌نامیم. **مثال برای وقف مجوز:** مانند وقف بر «بالآخره» در آیهی ۸۶ سورهی بقره: «وَأُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ» و ابتدا نمودن از: «فَلَا يَخْفَىٰ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ»^{۱۲} شایسته است این آیه به وصل خوانده شود و در «بالآخره» وقف نکنند، چون «ف» در قسمت بعدی آیه، یعنی «فَلَا يَخْفَىٰ عَنْهُمْ» در بردارندهی جواب و جزای کار اهل دنیاست و موجب به وصل خواندن آیه می‌شود.

هم چنین می‌توان گفت بنا به وجهی «فَلَا يَخْفَىٰ» جملهی استینافی (جدید) است. لذا آن را می‌شود دلیلی برای جدا کردن دو جمله از یکدیگر قرار داد و بر «بالآخره» وقف کرد [پیشین].

علامت و حکم وقف مجوز: حرف «ز» علامت وقف مجوز است. جایی که این علامت قرار دارد، به وصل خواندن بهتر است، ولی وقف آن نیز بنا به وجهی جایز است.

۵. وقف مرخص لِضَّرُورَه

این وقف را به خاطر اختصار، وقف «مرخص» نامیده‌اند. در تعریف وقف مرخص گفته‌اند: وقف در موضعی را مرخص گویند که جملهی بعدی آن از جملهی ماقبل بی‌نیاز نیست، ولی به خاطر طولانی بودن کلام و اتمام نفس، و از باب ضرورت، برای وقف رخصت داده‌اند. پس از وقف، ابتدا از کلمات قبل از محل وقف نیز لازم نیست، زیرا جملهی بعدی دارای معنا و مفهوم است.^{۱۳}

مثال برای وقف مرخص: از مصادیق وقف مرخص وقف بر «بناء» در آیهی ۲۲ سورهی بقره،

یعنی «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فَرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً» است، زیرا جملهی بعدی و ادامه‌ی آیه، یعنی «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَآخَرَ بِهِ مِنَ الشَّرَائِرِ لَئِن لَّمْ يَكُنْ»^{۱۴}، از جملهی قبلی بی‌نیاز نیست و فاعل «انزل»، ضمیری (ضمیر مستتر در انزل) است که به جملهی قبلی برمی‌گردد، ولی به خاطر طولانی بودن آیه، می‌توان روی «بناء» وقف را انجام داد و از «انزل» شروع به قرائت کرد؛ چون جملهی دوم به تنهایی نیز دارای معنا و مفهوم است. به این دلیل، فاصله انداختن بین دو جمله مانعی ندارد.

علامت و حکم وقف مرخص:

علامت آن حرف «ص» است و معمولاً آن را در موضع مناسبی از آیات طولانی قرار می‌دهند. هر جا این علامت باشد وقف جایز است، اما اگر قاری بتواند در جای مناسب‌تری وقف کند، بهتر است.

وقف غیر جایز

تا این جا از علامتی بحث شد که وقف در آن‌ها جایز است. در مصاحفی که از علائم سجاوندی استفاده شده است، علامتی به شکل «لا» وجود دارد که نشانه‌ی عدم وقف است. سجاوندی از آن با عنوان «ما لا يجوز الوقف علیه» نام می‌برد؛ یعنی موضعی که وقف بر آن جایز نیست، برخی تصور می‌کنند، در مصاحفی که از علائم سجاوندی استفاده شده است، هر جا که علامت «لا» گذشته‌اند، به معنای وقف «قیح» و وقف در آن ممنوع است. ولی سجاوندی پس از بیان معیارهای وقف غیر جایز اضافه می‌کند: بیش تر مواردی که به عنوان وقف غیر جایز آمده مواردی که چون ابتدا از مابعد آن قیح است، لذا باید از وقف پرهیز کرد؛ مانند وقف در کلمه «من العلم» در آیهی ۱۲۰ سورهی بقره: «وَلِئِن آتَبَعْتَ أَهْوَاءَ هِم بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ لَا مَالِكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ لِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ»؛ و اگر از هوی و هوس‌های آنان پیروی کنی، بعد از آن که آگاه شده‌ای، هیچ سرپرست و یاور از سوی خدا برای تو نخواهد بود.

وقف بر «العلم» جایز نیست، زیرا «ما لک» جواب «و لئن اتبعته اهوائهم» است. در صورت جدا خواندن، قسمت اخیر، جملهی اخباری جدیدی می‌شود که اشتباه بودن آن آشکار است [همان، ص ۱۱۶-۱۱۵].

از این سخن سجاوندی نتیجه می‌گیریم، در همه‌ی جاهایی که علامت «لا» وجود دارد، وقف قیح نیست، بلکه در بسیاری از موارد، وقف مانعی ندارد. ولی ابتدا از مابعد آن قیح است، لذا در صورت وقف در این مواضع، باید از جای مناسبی پیش از موضع وقف شروع به قرائت کرد.

در این زمینه قرائت‌پژوه بزرگ، ابن جزری، در کتاب «التشریح» مطالب ارزنده‌ای دارد که خلاصه‌ای از آن، برای



**سجاوندی اهل
غزنین بود این شهر
سابقاً جزو خراسان
بزرگ بود و در حال
حاضر شهری از ولایت
خوارزم افغانستان است**

آگاهی خوانندگان محترم تقدیم می‌شود. ابن جزری می‌نویسد: «سجاولندی علامت وقف غیر جایز «لا» را زیاد به کار برده و از نظر او به معنی **لاتقف** و عدم وقف است. در حالی که در اکثر جاها، این علامت در موضع وقف **حَسَن** به کار رفته و وقف بر آن جایز است، ولی ابتدا از مابعد آن جایز نیست. حتی در موارد زیادی که از این علامت استفاده شده، ابتدا از مابعد نیز جایز است. لذا افرادی که در احکام وقف از سجاولندی پیروی می‌کنند، به گمان این که وقف در موارد «لا» تماماً قبیح است، هرگاه نفس کم می‌آورند، وقف **حَسَن** را رها می‌کنند و بر موضعی که ممنوع و قبیح است، وقف می‌کنند.

برای نمونه به این مورد توجه کنید:

سجاولندی وقف بر **صراط الدین أنعمت علیهم** [حمد/

۶] را جایز ندانسته است. به همین دلیل، عده‌ای برای پرهیز از وقف بر آن، بر **غیر المغضوب**... ادامه می‌دهند. در صورتی که وقف بر (غیر) حتماً **قیح** است، زیرا وقف بر **مضاف** بنا به نظر همه‌ی قرائت پژوهان، قبیح است.

ما می‌گوییم وقف در صراط الدین أنعمت علیهم وقف حسن است. بنابراین وقف مانعی ندارد، ولی ابتدا از مابعد آن ممنوع است و باید پیش از محل وقف از جای مناسبی ابتدا شود» [النشر فی القراءات العشر، ج ۱: ۲۳۳-۲۳۴].

ابن جزری درباره‌ی معنای صحیح علائم «لا» از نظر سجاولندی معتقد است: «منظور سجاولندی از لا در خیلی از موارد این است که بر این کلمه وقف نکنید، چنان چه بنا دارید از مابعد آن ابتدا کنید.^{۱۵} به عبارت دیگر می‌توانید وقف کنید، ولی اگر وقف کردید، باید پیش از محل وقف و از جای مناسبی شروع به قرائت کنید.



موارد وقف غیر جایز

به نظر سجاولندی در این موارد وقف غیر جایز است:

- وقف میان شرط و جزای شرط (جزا مقدم یا مؤخر باشد)، مانند «قد افترینا علی الله کذباً^{۱۶} ان عدنا فی ملتکم بعد إذ نجینا الله منها» [اعراف/ ۸۹].
- وقف میان میدل و بدل آن، مانند «اهدنا الصراط المستقیم^{۱۷} صراط الدین أنعمت علیهم» [حمد/ ۷-۶].
- وقف میان مبتدا و خبر، مانند «والذین ءاوا و نصروا^{۱۸} اولئک هم المؤمنون حقاً» [انفال/ ۷۴].
- وقف میان منوع و نعمت، مانند «هدی للمتقین^{۱۹} الذین یؤمنون بالغیب...» [بقره/ ۳-۲].
- وقف میان منسوق علیه و منسوق، مانند «و مما رزقنا هم ینفقون^{۲۰} و الذین یؤمنون...» [بقره/ ۴-۳].

● وقف میان عامل و معمول، مانند «ان فی خلق السموات و الارض...» [بقره/ ۱۶۳].

تا پایان آیه نمی‌توان وقف کرد، زیرا «لآیات» اسم «ان» و جار و مجرور و در جای «خبر» واقع شده است.

● وقف بین مستثنی و مستثنی‌منه، مانند «فسجد الملائکه کلهم اجمهون^{۲۱} إلا ابلیس» [حجر/ ۳۱-۳۰].

پی نوشت

۱. «ورتلناه ترتیلاً» [فرقان/ ۳۲].
۲. «ورتل القران ترتیلاً» [مزل/ ۴].
۳. «الترتیل معرفه الوقوف و تجوید الحروف» [النشر فی القراءات العشر، ج ۱: ۲۲۵].
۴. از قرآن پژوهان قرن دوم و رفیق بحث ابوحنیفه، یکی از پیشوایان مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت است.
۵. سجاولندی عربی شده‌ی «سکاونده»، اسم کوهی است نزدیک سیستان که معرب آن سجستان است (رک: تجوید استدلالی: ۳۱۲).
۶. فاللازم من الوقوف مالو وصل طرفاه غیر المرام و شنع الکلام.
۷. گروهی از مردم کسسانی هستند که می‌گویند: به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده‌ایم، در حالی که ایمان ندارند.
۸. می‌خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند، در حالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند؛ (اما) نمی‌فهمند.
۹. ما بحسن الابتداء بما بعد.
۱۰. و أمسا الجائز: فما يجوز فيه الوصل و الفصل لتجاذب الموجبین من الطرفين [رک: همان، ص ۱۱۱].
۱۱. و آنان که به آن چه بر تو نازل شده و آن چه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده است، ایمان می‌آورند و به رستاخیز یقین دارند.
۱۲. این‌ها همان کسانند که آخرت را به زندگی دنیا فروخته‌اند. از این رو عذاب آن‌ها تخفیف داده نمی‌شود و کسی آن‌ها را یاری نخواهد کرد.
۱۳. و ما لا یستغنی ما بعد عما قبله، لکنه یرخص الوقف ضوره انقطاع النفس لطول الکلام، و لایلزمه الوصل بالعود، لأن ما بعد جمله مفهومه لقوله «و السماء بناء» لأن قوله «و انزل» لا یستغنی عین سیاق الکلام: فإن فاعله یعود الی الصریح المذكور قبله [رک: الوقف و الابتداء: ۱۱۲].
۱۴. آن کسی که زمین را بستر شما، و آسمان (= جو زمین) را هم چون سقفی بالای سر شما قرار داده است و از آسمان آبی فرو فرستاد و به وسیله‌ی آن میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد.
۱۵. «قلیعلم أن مراد السجاولندی بقوله «لا» آی لا یوقف علی أن یبتدا بما بعده کغیره من الاوقاف» [النشر، ج ۱: ۲۳۴].

منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه‌ی آیت‌الله مکارم شیرازی. دفتر مطالعات و معارف اسلامی. قم.
۲. فاضل گروسی، آیت‌الله عبدالحسین. تجوید استدلالی. تحقیق محمدعلی کوشا. نشر شفا. چاپ اول. ۱۳۷۴.
۳. پاک‌سرشت، مرتضی. خوش‌نویسی در خدمت کتابت قرآن مجید. انتشارات قدیانی. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۹.
۴. خرمشاهی، بهاء‌الدین و دوستان، ناهید. دانش‌نامه‌ی قرآن و قرآن پژوهی. تهران. ۱۳۷۷.
۵. سجاولندی، محمدبن طیفور. الوقف و الابتداء. دکتر محسن هاشم‌درویش. دارالمناهج، عمان (اردن). چاپ اول. ۱۴۲۲ هـ. ق/ ۲۰۰۱ م.
۶. محیسن، دکتر محمدسالم. الکشف عن احکام الوقف و الوصول فی العربیه. دارالجیل. بیروت.
۷. امین‌الاسلام طبرسی. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. دارالمعرفه. بیروت. چاپ اول. ۱۴۰۶ هـ. ق/ ۱۹۸۶ م.
۸. دانی، ابومر و عثمان بن سعید. المحکم فی نقط المصاحف. دارالفکر. بیروت. چاپ دوم. ۱۴۰۷ هـ. ق/ ۱۹۸۶ م.
۹. جزری، ابوالخیر محمدبن. النشر فی القراءات العشر. مطبعه محمد. قاهره.





طراحی آموزشی

مطابق با هوش های هشت گانه ی گاردنر

دبیر خانه درس دینی و قرآن
مستقر در استان رضوی

در شماره ی ۲۶ مجله نظریه ی هوش های هشت گانه ی گاردنر که امروزه موافقان بسیاری دارد بیان شد. در بحث گذشته توضیح داده شد که هوش تنها به پیشرفت تحصیلی اطلاق نمی شود. در این شماره نیز دو طرح درس از سال دوم و سوم دبیرستان در ارتباط با کتاب دینی و قرآن که دبیرخانه ی دینی و قرآن سازمان آموزش و پرورش استان خراسان رضوی برای ما فرستاده است برای شما می آوریم. این دو طرح بر اساس الگوی هوش های چندگانه طراحی شده اند. پیشنهاد ما به شما این است که درباره ی هوش های چندگانه و طراحی درس بر اساس این هوش ها مطالعات بیشتری داشته باشید بعدها درباره ی این موضوع حرف های زیادی خواهید شنید.

رئوس مطالب:		عنوان درس: زیبایی عفاف		طراحی آموزشی درس ۱۳- پایه ی دوم دبیرستان
پوشش و حجاب در ادیان؛ قرآن و پوشش؛ تفاوت پوشش زن و مرد؛ ارتباط پوشش زنان و حضور آنان در جامعه		اهداف رفتاری بر مبنای هوش های چندگانه		اهداف و حیطه های دانشی - نگرشی - مهارتی
رسانه - روش	فعالیت فراگیرندگان	ارائه ی درس: فعالیت معلم	۱. آيات درس را به درستی و زیبایی تلاوت و ترجمه کنند. (هوش های موسیقایی، کلامی و میان فردی)	اهداف کلی
رسانه: ضبط صوت روش: مشارکت فعال در گروه های خود	تکرار و تقلید لحن آیات ترجمه ی آیات در گروه های کلاسی ارائه ی ترجمه به کل کلاس	بخش آیات درس توسط ضبط صوت. از دانش آموزان می خواهد همراه نوار آیات را تکرار و تمیز کنند. از دانش آموزان می خواهد، در گروه های خود آیات را ترجمه کنند.	۲. بر اساس آیه ی ۹۵ سوره ی احزاب، حدود پوشش زنان را کشف و علت آن را استدلال کنند (هوش های منطقی، کلامی و برون فردی)	۱. آشنایی فراگیرندگان با زیبایی عفاف (حیطه ی شناختی) ۲. علاقه مندی فراگیرندگان به تحقیق پیرامون عفاف و رابطه ی آن با جایگاه انسانی (حیطه ی عاطفی) ۳. توانمندی فراگیرندگان در انتخاب پوشش متناسب با شئون انسان مسلمان (حیطه ی روانی - حرکتی)
رسانه: ضبط صوت روش: مشارکت فعال	مباحثه ی گروهی، کشف حدود پوشش، جمع بندی استدلال مربوط و ارائه ی آن در کلاس	۱. آیه ی ۹۵ سوره ی احزاب را مجدداً ارائه می کند و از فراگیرندگان می خواهد با توجه به خلقت طبیعی دختران، درباره ی معنی و مصادیق جلباب در گروه های خود بحث کنند.		



اهداف و حیطه‌های دانشی - نگرشی - مهارتی	اهداف رفتاری بر مبنای هوش‌های چندگانه	ارائه‌ی درس: فعالیت معلم	فعالیت فراگیرندگان	رسانه - روش
اهداف جزئی الف) حیطه‌ی شناختی: ۱. فراگیرندگان با دستورات اسلام در مورد عفاف و حدود آن آشنا شوند. ۲. فراگیرندگان تفاوت‌های بین زن و مرد را از نظر پوشش بدانند. ۳. فراگیرندگان با نظر ادیان آسمانی در خصوص چرایی و چگونگی پوشش آشنا شوند.	۳. ارتباط بین اخلاق و میزان پوشش در جوامع را بیان کنند (هوش‌های: کلامی، منطقی، برون‌فردی، دیداری فضایی و درون‌فردی).	• تصاویری از پوشش زنان و مردان در دنیای امروز و گذشته را به همراه برخی از آمارهای مسائل ضد اخلاقی ارائه می‌کند از فراگیرندگان می‌خواهد، اطلاعات فردی و سلامت جامعه را کشف کند.	تفکر فردی دانش‌آموزان و مباحثه‌ی گروهی در خصوص مطالب ارائه شده و جمع‌بندی مطالب و ارائه‌ی آن در کلاس	رسانه: فیلم، عکس روش: مشارکت فعال و گروهی، بارش مغزی، سخن‌رانی
ب) حیطه‌ی عاطفی: ۱. فراگیرندگان نسبت به چگونگی پوشش خود در مجامع عمومی و خصوصی حساسیت لازم را نشان دهند. ۲. تأثیر نوع پوشش زنان را در شأن اجتماعی آنان درک کنند. ۳. فراگیرندگان تأثیر متقابل عفاف درونی و حجاب بیرونی را درک کنند. ج) حیطه‌ی روانی حرکتی: ۱. پوشش مناسب با شئون انسانی خود را انتخاب کنند. ۲. حریم بین زن و مرد را رعایت کنند. ۳. بین نقش اجتماعی خود و پوششی که انتخاب می‌کنند، ارتباطی سلام و منطقی برقرار سازند.	۴. دلیل تفاوت در حدود پوشش زنان و مردان را استدلال کنند (هوش‌های منطقی، کلامی، درون‌فردی و برون‌فردی).	با ایجاد سؤال در چرایی تفاوت پوشش زن و مرد از دانش‌آموزان می‌خواهد در مورد تفاوت‌های طبیعی موجود در خلقت زن و مرد، اقتضای تکوینی و تشریحی این تفاوت‌ها را کشف کند.	تفکر فردی و پاسخ‌دهی و گفت‌وگو در دو گروه درسی و کشف رابطه بین ساختار جسمانی زن و مرد و احکام الهی	رسانه: روش: بارش مغزی، مشارکت فعال، سخن‌رانی
۵. تفاوت‌های پوشش مناسب و نامناسب را بیان کند (هوش‌های درون فردی - کلامی - منطقی)	با ارائه‌ی برخی داستان‌های قرآنی و تمثیلات ایرانی و اشعار ملی، از دانش‌آموزان می‌خواهد اشعار یا داستان‌هایی را که در این رابطه می‌دانند، بیان کنند.	تفکر فردی فراگیرندگان و اعلان آمادگی برای بیان اشعار یا تمثیلات و داستان‌ها	رسانه: روش: سخن‌رانی، بارش مغزی	
۶. مشزکات پوشش زنان را در ادیان آسمانی کشف کنند و انطباق آن را با فطرت بشر توضیح دهند. (هوش‌های درون فردی، برون فردی، منطقی و مکانی).	با ارائه‌ی قسمت‌هایی از کتاب‌های اوستا و عهدین، تصاویری از الگوهای مذهبی ادیان آسمانی، از فراگیرندگان می‌خواهد اشتراکات این تصاویر را کشف و درباره‌ی دلیل آن در گروه‌های خود بحث کنند.	تفکر فردی و مباحثه‌ی گروهی و کشف رابطه‌ی فطرت و دین و جمع‌بندی مطالب و ارائه‌ی آن در کلاس	رسانه: عکس، فیلم روش: بارش مغزی، مشارکت فعال، سخن‌رانی	
۷. با مقایسه‌ی پوشش زنان و مردان ایران باستان و ایران بعد از اسلام، بر وجود حیا و عفاف ایرانی استدلال کنند (هوش‌های کلامی، منطقی، برون‌فردی و مکانی).	با ارائه‌ی تصاویر کتیبه‌ها، حجاری‌های تخت جمشید و آثار به جا مانده از هخامنشیان و اقوام ایرانی و لباس‌های محلی تا عصر رضا پهلوی، از فراگیرندگان می‌خواهد اشتراکات موجود را کشف و رابطه‌ی آن‌ها را با عفاف ایرانی در گروه‌های خود بحث کنند.	تفکر فردی فراگیرندگان و مباحثه‌ی گروهی و کشف رابطه و استدلال و ارائه‌ی آن در کلاس	رسانه: فیلم، عکس روش: بارش مغزی، مشارکت فعال، سخن‌رانی	
۸. رابطه‌ی مدل‌های لباس وارداتی و تهاجم فرهنگی را توضیح دهند (هوش‌های درون فردی، برون فردی، کلامی، منطقی و دیداری)	با ارائه‌ی کلیپ «خوش به حال چه کسی» و یا قسمت‌هایی از کلیپ حجاب، از فراگیرندگان می‌خواهد فرهنگ وارداتی را با فرهنگ اسلامی ایرانی تطبیق و حجم‌های دشمن را تشخیص دهد.	مباحثه‌ی گروهی و استخراج شیوه‌های استعماری	رسانه: فیلم، مشارکت فعال	
۹. با شناخت حریم زن و مرد، داوطلبانه حجاب را رعایت کنند هوش‌های منطقی و وجودگرا.				

۱. شروع تدریس با «برهان» ابراهیمی و ایجاد سؤال در ذهن فراگیرندگان و اثبات کل از طریق نفی جزء به جزء یا هم‌پاری فراگیرندگان
۲. ارائه‌ی تصاویری از پوشاک در اقوام و ادیان گوناگون و القای رابطه‌ی اخلاق با پوشاک به صورت غیرمستقیم.
۳. خواندن اشعاری نظیر شعر «دختران آریایی» و تحریک حس وطن‌دوستی فراگیرندگان و جهت‌دهی غیر مستقیم آنان به حجم‌های فرهنگی
۴. ارائه‌ی کلیپ «خوش به حال چه کسی» و تقویت حس قیاسی و تطبیق و تحلیل داده‌ها در ذهن فراگیرندگان
۵. ارائه‌ی قسمت‌هایی از کلیپ حجاب و ایجاد سؤال در ذهن فراگیرندگان
۶. ارائه‌ی مصاحبه با یو آن رایدلی، خبرنگار مسلمان انگلیسی، و تقویت انگیزه‌های مثبت در فراگیرندگان به رعایت حریم الهی. بدیهی است که انتخاب انگیزه، با توجه به جو کلاس و محیط فرهنگی دانش‌آموزان صورت می‌گیرد.





ارزش‌یابی آغازین	ارزش‌یابی تکوینی	تعیین تکلیف
<p>۱. دو سخن از امام صادق درباره‌ی آراستگی بگویند (هوش کلامی).</p> <p>۲. آیا رعایت آراستگی فقط در جمع معنی دارد؟ (هوش‌های کلامی، درون فردی و منطقی).</p> <p>۳. تناسب میان آراستگی ظاهر و باطن را توضیح دهید (هوش‌های درون‌فردی، منطقی و کلامی).</p> <p>۴. چه ارتباطی بین عفاف و آراستگی وجود دارد (هوش‌های منطقی، درون‌فردی و کلامی).</p> <p>۵. چرا رعایت عفاف از سوی زنان و دختران جلوه‌ی زیباتری دارد؟ (هوش‌های کلامی، منطقی و فضایی).</p> <p>۶. چه تفاوتی بین آراستگی و خودنمایی وجود دارد؟ (هوش‌های کلامی، منطقی، درون‌فردی و برون‌فردی).</p>	<p>۱. از توجه همه‌ی ادیان آسمانی به پوشش زنان چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟ (هوش‌های منطقی و کلامی).</p> <p>۲. عزت نفس و حفظ حرمت دختران و زنان تا چه حدی به وضع پوشش آنان بستگی دارد؟ (هوش‌های درون‌فردی، منطقی و فضایی).</p> <p>۳. با وجود این‌که خداوند در قرآن به حجاب امر فرموده است، چرا برخی زنان و دختران مسلمان، حریم الهی را رعایت نمی‌کنند؟ (هوش‌های درون‌فردی، منطقی و وجودگرا).</p> <p>۴. رعایت پوشش اسلامی زنان در هر یک از موارد زیر چه ثمراتی را به دنبال دارد؟</p> <p>الف) برای زنان هوش‌های درون‌فردی، منطقی و فضایی</p> <p>ب) برای مردان هوش‌های درون‌فردی، برون‌فردی و فضایی</p> <p>ج) برای جامعه هوش‌های منطقی و فضایی</p> <p>۵. آیا پوشش اسلامی مانع انجام فعالیت‌ها و مشاغل اجتماعی می‌شود؟ هوش‌های منطقی، درون‌فردی و دیداری</p> <p>۶. چرا میان پوشش زن و مرد تفاوت وجود دارد؟ (هوش‌های درون‌فردی، منطقی و فضایی)</p> <p>۷. از میان انواع پوشش برای زن، کدام یک به عنوان حجاب برتر محسوب می‌شود؟ (هوش‌های درون‌فردی، منطقی و وجودگرا)</p>	<p>۱. تکالیف کتاب درسی</p> <p>۲. تحقیق پیرامون نقش زنان در پیروزی اولیه و شکست ثانویه‌ی انقلاب الجزایر و ارائه‌ی نتیجه‌ی آن در کلاس درس</p> <p>۳. بررسی نقش زنان در سقوط السالوادور آئنده، رئیس جمهور مرمی شیلی و ارائه‌ی نتیجه‌ی آن در کلاس</p> <p>موارد ۲ و ۳ در قالب پیشنهادات قابل بررسی و نمره‌دهی است.</p>



ماده‌ی درسی: دین و زندگی موضوع درس: معجزه‌های از نوع کتابت	دوره‌ی تحصیلی: متوسطه پایه‌ی تحصیلی: سوم	مدت جلسه: ۹۰ دقیقه تهیه کننده: دبیرخانه‌ی دینی و قرآن	رئوس مطالب: سند و دلیل نبوت تناسب بین معجزه و شرایط زمان ختم نبوت و معجزه‌ی جاویدان جنبه‌های اعجاز قرآن	چیدمان کلاس:		
<p>اهداف جزئی: ۱. یادگیری قرائت و ترجمه‌ی آیات درس</p> <p>۲. درک لزوم ارتباط بین ادعا با سند و دلیل</p> <p>۳. درک ضرورت داشتن معجزه از سوی پیامبران</p> <p>۴. آشنایی با اهمیت تناسب بین نوع معجزه با شرایط زنان</p>	<p>هدف کلی:</p> <p>آشنایی با قرآن به عنوان معجزه‌ی جاوید پیامبر اکرم</p>	<p>۵. درک ارتباط ختمیت با جاودانگی اعجاز قرآن</p> <p>۶. آشنایی با جنبه‌های اعجاز قرآن</p> <p>۷. درک ارتباط اعجاز و امی بودن پیامبر</p>				
اهداف رفتاری	هوش	فعالیت معلم	هوش	فعالیت دانش‌آموز	روش	وسيله
۱. آیات درس را به درستی قرائت کند	کلامی و موسیقایی	آیات توسط معلم قرائت و یا با لوازم صوتی پخش می‌شود.	موسیقایی، کلامی و برون‌فردی	دانش‌آموزان ابتدا گوش و سپس هم‌خوانی و تکرار می‌کنند	فردی گروهی	ضبط صوت
۲. آیات درس را ترجمه کند	منطقی و کلامی	دانش‌آموزان را به گروه‌های متعدد تقسیم می‌کند و از آنان می‌خواهد آیات را ترجمه کنند.	برون‌فردی، منطقی و کلامی	دانش‌آموزان به صورت گروهی آیات را ترجمه و تکرار می‌کنند.	گروهی	کاغذ و قلم
۳. برای قبول هر سخن و ادعا، دلیل طلب کند	استدلالی و کلامی	از دانش‌آموزان می‌خواهد نمونه‌هایی از ارتباط ادعا و دلیل را بیان کنند.	فضایی، کلامی و استدلالی	دانش‌آموزان به بیان نمونه‌هایی می‌پردازند و اهمیت این ارتباط را توضیح می‌دهند.	فردی	کارت شناسایی و مدارک دیگر
۴. ضرورت داشتن معجزه از سوی پیامبران را توضیح دهد	کلامی و منطقی	از دانش‌آموزان می‌خواهد دلایل لزوم معجزه از سوی پیامبران را ابتدا به صورت فردی و بعد گروهی، بررسی کنند.	منطقی، برون‌فردی و درون‌فردی	دانش‌آموز فعالیت مورد نظر را انجام می‌دهد.	فردی گروهی	-
۵. بتواند تناسب بین معجزه‌ی پیامبران و شرایط زمانی را تبیین کند.	کلامی و منطقی و فضایی	از دانش‌آموز می‌خواهد نمونه‌هایی از تناسب معجزات با شرایط زمان را بیان کنند.	کلامی فضایی و برون‌فردی	دانش‌آموزان معجزات پیامبران قبلی را به بحث و بررسی می‌گذارند.	گروهی	



گروهی	دانش آموزان به صورت گروهی ارتباط بین معجزه‌ی جاویدان و سخن را استدلال می‌کنند.	کلامی و استدلالی	ویژگی‌های سخن را از دانش آموزان می‌پرسد و از ایشان می‌خواهد، ارتباط این ویژگی‌ها با معجزه‌ی جاوید را استدلال کنند.	منطقی و کلامی	۶. دانش آموز استدلال کند که چرا معجزه‌ی جاوید باید از جنس سخن باشد.
صفحه‌ی نمایش	فردی گروهی	دیداری، کلامی، فردی و برون فردی	از دانش آموز می‌خواهد نظرش را در این باره بیان کند و به ایفای نقش بپردازد.	منطقی و کلامی	۷. تفاوت سخن خدا با کلام بشر را بیان کند.
کتاب	فردی گروهی	کلامی، منطقی، درون فردی و برون فردی	معلم پس از ذکر نمونه‌هایی، از دانش آموزان می‌خواهد با مطالعه‌ی ص ۷۵ و ۸۵ و با دانسته‌های خود، موارد دیگر را ارائه دهد.	فضایی و کلامی	۸. نمونه‌هایی از عدم تبعیت قرآن از فرهنگ زمانه را بیان کند.
قرآن با کتب مربوطه	فردی گروهی	برون فردی، درون فردی و کلامی	چند نیاز را نام برد و از دانش آموزان می‌خواهد نمونه‌هایی از رهنمودهای قرآن را در این مورد بیان کنند.	منطقی و کلامی	۹. نشان دهد که قرآن در همه‌ی زمینه‌های مورد نیاز انسان در زندگی رهنمون دارد.
	گروهی	کلامی، قضایی و منطقی	معلم درباره‌ی توانایی یک فرد بی‌سواد از دانش آموزان سؤال می‌کند و سپس از ایشان می‌خواهد این توانایی‌ها را با ویژگی‌های موجود در قرآن مقایسه و نتیجه را گزارش کنند.	منطقی، کلامی و درون فردی	۱۰. دانش آموز توضیح دهد که افراد بی‌سواد نمی‌توانند این همه مطالب محکم و گسترده را بدون اتصال به عالم غیب بیابانند.
رایانه	فردی	درون فردی و کلامی	معلم از دانش آموز می‌خواهد با مطالعه‌ی ص ۱۲ و نیز مراجعه به سایت‌های گوناگون، موضوع را پی‌گیری کند.	کلامی و دیداری	۱۱. دانش آموز نشان دهد که چگونه قرآن نزد دانشمندان غیر مسلمان از ارتباط برخوردار است.



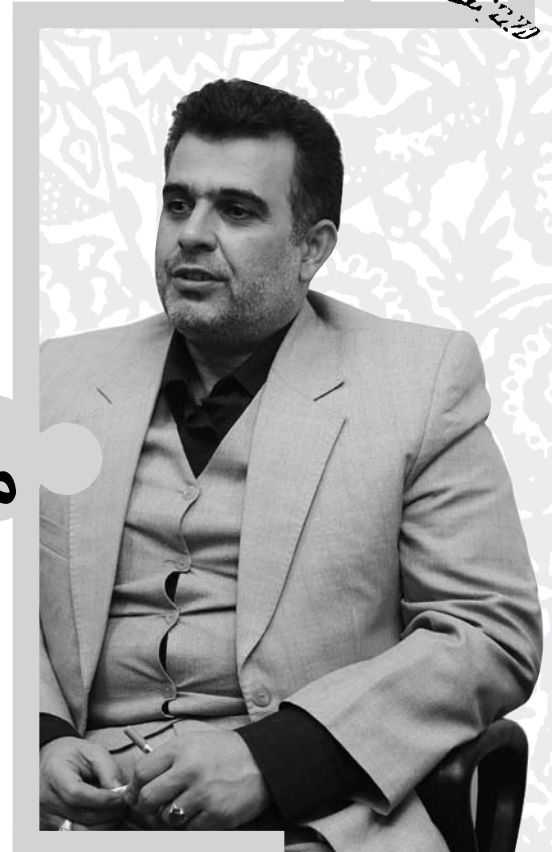
هوش	پس آزمون	هوش	آزمون رفتار ورودی و پیش آزمون	هوش	ایجاد آمادگی و انگیزه
استدلالی، کلامی و فضایی	امتیازات قرآن نسبت به سایر کتاب‌های آسمانی چیست؟	درون فردی، فضایی و کلامی	شما در زندگی‌تان از قرآن چه استفاده‌ای می‌کنید و کاربردهای امروزی قرآن در جامعه‌ی ما چیست؟	موسیقایی و کلامی	● بخش آیتانی از قرآن کریم که به معرفی قرآن و بیان عظمت آن پرداخته است.
کلامی	جنبه‌های اعجاز قرآن را بیان کنید.	منطقی و کلامی	واژه‌های شعبده، تردستی، سحر، جادو و معجزه را معنا کنید.	کلامی و دیداری	● نگارش جمله‌ای از یکی از دانشمندان غیر مسلمان درباره‌ی عظمت قرآن
کلامی	ویژگی‌های اعجاز معنوی قرآن را بیان کنید.	دیداری، استدلالی و کلامی	بیت «نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت، به غمزه مسئله‌آموز صد مدرس شد» را تفسیر کنید.	فضایی و کلامی	● اشاره به مواردی از تأثیر قرآن بر افرادی که به واسطه‌ی آشنایی با قرآن اسلام آورده‌اند؛ مانند: ادواردو آنیلی
		استدلالی، کلامی و فضایی	معجزه‌ی پیامبر اسلام را با معجزات سایر پیامبران مقایسه و تفاوت آن را بیان کنید.		
		وجودگرا، درون فردی، کلامی و منطقی	از ویژگی‌های قرآن چه می‌دانید؟ چه تصویری از معجزه بردن آن دارید؟		



محمدرضا مسیبزاده، معاون دفتر
«گسترش فرهنگ نماز، قرآن و عترت» معاونت
پرورشی در گفتوگو با رشد آموزش قرآن:

دارالقرآن هادرتابستان منتظر دانش آموزان هستند

گفتوگو:
رضانعلی ابراهیمزاده گرجی



اسلام ناب محمدی (ص) است. ضمن این که در هر زمان، باید از تجربه‌های آموزشی تازه‌تر و کارآمدتر استفاده کرد.

برای آشنایی هر چه بیشتر با این نهاد و کم و کیف فعالیت‌های قرآنی دارالقرآن در آموزش و پرورش سراسر کشور، گفتوگویی انجام داده‌ایم با جناب آقای **محمدرضا مسیبزاده**، معاون دفتر «گسترش فرهنگ نماز، قرآن و عترت» معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.

امیدواریم برای مخاطبان فصل‌نامه‌ی رشد آموزش قرآن مفید باشد.
● **گفتوگو را با نام خدای قرآن**

آموزش و پرورش کشور و با تغییری که در نحوه‌ی درس قرآن در مدارس به وجود آمد، توجه به قرآن و مفاهیم و محتوای آن با هدف انتقال آموزه‌ها و فرهنگ قرآنی به میان دانش آموزان در چارچوب برنامه‌ای خاص و با هدف مشخص، وارد مرحله‌ی تازه‌ای شده است. البته تحقق هدف‌های این طرح، محتاج گذشت زمان همراه با تدارک لوازم و امکانات در سویه‌های مدیریت، برنامه‌ریزی، تدارک نیروی انسانی آموزش دهنده، امکانات آموزشی و جذب هر چه بیشتر دانش آموزان برای تعمیق و گسترش فرهنگ و مبانی قرآنی به منظور بنا نهادن زندگی فردی و اجتماعی طراز

دارالقرآن‌ها در تابستان منتظر دانش آموزان هستند

«دارالقرآن به مرکزی اطلاق می‌شود که کار ترویج و توسعه‌ی آموزش‌های قرآنی و ارتقای سطح دانش و مهارت‌های دانش آموزان علاقه‌مند را در رشته‌های گوناگون قرآنی برعهده می‌گیرد و تحت نظارت معاونت پرورشی و تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، به صورت مردمی اداره می‌شود.»

جمله‌هایی که خواندید، (ماده‌ی ۱. تعریف دارالقرآن) از فصل اول اساس‌نامه‌ی این نهاد گرفته شده است. با شکل‌گیری دارالقرآن در

آغاز می‌کنیم. موضوع گفت‌وگوی حاضر فعالیت‌های قرآنی فوق برنامه در وزارت آموزش و پرورش کشور است. برای خوانندگان و مخاطبان فصلنامه‌ی رشد آموزش قرآن، چارچوب فعالیت‌های «دفتر گسترش فرهنگ نماز، قرآن و عترت» را تشریح بفرمایید.

○ فعالیت‌های «دفتر گسترش فرهنگ نماز، قرآن و عترت» در حوزه‌های متفاوتی دنبال می‌شود. فعالیت ویژه‌ی این دفتر و معاونت پرورشی، در دارالقرآن صورت می‌گیرد. بیش از ۶۵۰ دارالقرآن در مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور فعال و در حال اجرای برنامه‌اند. طبق تصویب «ماده واحده» شورای عالی آموزش و پرورش در جلسه‌ی مورخ ۲۵ شهریورماه ۱۳۷۸، به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده شد، «به منظور ترویج و توسعه‌ی آموزش‌های قرآنی و ارتقای سطح دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان علاقه‌مند نسبت به تأسیس دارالقرآن (خانه‌ی قرآن) اقدام کند.»

اساس‌نامه‌ی دارالقرآن را نیز همین شورا در ۶ مهرماه ۱۳۷۸ تصویب کرد. بنابراین، با تصویب اساس‌نامه، کار اجرایی آغاز شد. اساس‌نامه، برای هر منطقه‌ی آموزش و پرورش کشور، یک واحد دارالقرآن در نظر گرفته است. با توجه به تقسیم آموزش و پرورش کشور به ۷۱۵ منطقه، متأسفانه ۶۵ منطقه از داشتن دارالقرآن محروم مانده‌اند.

● **دلیل تأسیس نشدن دارالقرآن در این مناطق چیست؟**

○ به دلیل وجود برخی مشکلات، کوشیده‌ایم، به جای توسعه‌ی کمی، کیفیت کار و فعالیت دارالقرآن‌های موجود را افزایش بدهیم.

● **دارالقرآن‌ها با توجه به برنامه‌ی**

درسی مدارس، چه زمانی فعالیت می‌کنند؟

○ طبق اساس‌نامه، برنامه‌های دارالقرآن‌ها باید در شیفت مخالف برنامه‌های مدارس اجرا شود. فعالیت آن‌ها نیز در ساختمان‌های مدارس یا در بناهای اهدایی و وقفی در اختیار آموزش و پرورش انجام می‌گیرد.

● **اساس‌نامه چه هدف‌هایی را برای فعالیت‌های دارالقرآن در نظر گرفته است؟**

○ هدف اصلی از تأسیس دارالقرآن، گسترش فرهنگ قرآنی و تعمیق باورهای دینی در ذهن دانش‌آموزان و ایجاد انس و الفت بین آنان با قرآن و عترت است. بدین ترتیب، دارالقرآن‌ها مکمل فعالیت مدارس به حساب می‌آیند. با این مفهوم که دانش‌آموزان با فراگیری تعلیمات رایج در مدارس، برای افزایش سطح آگاهی‌های خود در زمینه‌ی موضوع‌های قرآنی و فعالیت‌های بعدی، مانند شرکت در مسابقه‌های مربوطه، با میل و رغبت شخصی در برنامه‌های دارالقرآن ثبت‌نام می‌کنند.

● **تمام دانش‌آموزان می‌توانند در دارالقرآن فعالیت کنند؟**

○ بله. دانش‌آموزان با توانایی خواندن و نوشتن می‌توانند وارد دارالقرآن شوند. برنامه‌ها و مواد درسی و محتوای آموزشی دارالقرآن کریم نیز در جلسه‌ی کمیسیون معین شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۳ خردادماه ۱۳۷۹ تصویب شد. در دارالقرآن‌ها، برنامه‌ی سه دوره‌ی آموزشی (مقدماتی، عمومی و تخصصی) در ۱۰ سطح و یک رشته‌ی ویژه، مصوبه‌ی همین کمیسیون است.

● **طول آموزش هر دوره چه قدر است؟**

○ دارالقرآن‌ها در هر سال تحصیلی دو

ترم (دو نیم‌سال) آموزشی دارند و در تابستان نیز یک ترم فشرده‌ی آموزشی برپا می‌شود. در مجموع، هر دوره ۲۰ جلسه‌ی ۱/۵ ساعته طول می‌کشد.

● **دارالقرآن در فعالیت‌های خود، با نهادهای خارج از آموزش و پرورش نیز همکاری دارد؟**

○ دارالقرآن با هدف جذب بیشتر و ارتباط منطقی با نهادها و سازمان‌های فعال در حوزه‌ی قرآنی، کارهای مشترکی انجام می‌دهد؛ از جمله، طرح «نسیم انس» را با رادیو قرآن اجرا کردیم. دوره‌ی پنجم این طرح، در تابستان گذشته پایان یافت. عموم مردم می‌توانند در این طرح شرکت کنند. جوایز افراد برگزیده، اعزام به مکه، سوریه و کربلا، در نظر گرفته شده است.

در اجرای این طرح، برنامه‌ی آموزشی توسط رادیو قرآن تهیه و پخش می‌شود. شنوندگان با فراگیری آن چه پخش می‌شود، در آزمونی که در دارالقرآن‌ها برگزار می‌کنیم، شرکت و در صورت قبولی، گواهی‌نامه‌ی پایان سطح آموزشی را از دارالقرآن دریافت می‌کند.

با دفتر ترویج فعالیت‌های قرآنی نیز همکاری داریم. منظور همان برگزاری مسابقات درس‌هایی از قرآن است که با اجرای حجت‌الاسلام آقای **محسن قرائتی**، از شبکه‌ی اول سیما پخش می‌شود.

همکاری دیگر ما با شبکه‌ی قرآن سیماست. سه سال متوالی، طرح نسیم ۱۴۴۱، ۱۴۴۲ و ۱۴۴۳ را اجرا کردیم. طرح نسیم ۱۴۴۴ نیز در چهارمین سال این همکاری، یعنی در همین تابستان (۱۳۸۹) اجرا می‌شود.

● **درباره‌ی مسابقه‌ی قرآن در مدارس هم بفرمایید.**



○ برگزاری هر ساله‌ی مسابقات قرآن و نهج‌البلاغه در مدارس سراسر کشور، فعالیت دیگر ماست. این مسابقات در چهار مرحله برگزار می‌شوند: مرحله‌ی اول در آموزشگاه، مرحله‌ی دوم در منطقه و مرحله‌ی سوم در استان برگزار می‌شود. مرحله‌ی چهارم هم کشوری است.

امسال دوره‌ی بیست‌وهشتم این مسابقات در حال برگزاری است. میزبان مرحله‌ی کشوری در تابستان سال ۱۳۸۹، آذربایجان غربی است. فعالیت دیگر، برگزاری مسابقه‌ی کتاب‌خوانی بین فرهنگیان است، آن هم در تابستان، که تاکنون دو دوره برگزار شده است.

تشکیل محافل انس با قرآن نیز باید به فعالیت‌های دارالقرآن‌ها اضافه شود. این محافل با اطلاع‌رسانی قبلی و در روزی خاص، با هدف ایجاد فضای قرآنی تشکیل می‌شوند. محافل انس با قرآن در ماه مبارک رمضان گذشته، در سالروز ولادت امام حسن مجتبی (ع) در کل کشور برگزار شد.

امیدواریم هماهنگی‌هایی که به عمل آمده است، تابستان ۱۳۸۹ بتوانیم سومین گردهمایی سراسری مدیران تمام مراکز دارالقرآن‌ها کریم را برگزار کنیم.

● با چه هدفی مدیران را یکجا جمع می‌کنید؟

○ در این گردهمایی می‌کوشیم از وزیر محترم، معاون پرورشی و

معاونان وزارت‌خانه نیز دعوت به عمل آوریم تا در فضای صمیمی، چگونگی فعالیت‌های آموزشی مراکز دارالقرآن‌ها بررسی شود. ضمن این که اطلاعات مربوط به آخرین تغییرات در زمینه‌ی محتوای مواد آموزشی به آنان داده می‌شود، کتاب‌های چاپ شده نیز در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

اکنون لازم است از اقدامی جدی در معاونت قرآن، نماز و عترت بگویم که تقسیم کشور به چهار بخش است. در هر بخش کمیسیون‌های معین استان‌ها را سازمان داده‌ایم. بدین ترتیب، فعالیت‌های کارشناسی نیز در چهار محور متمرکز شده‌اند. ضمن این که استان‌های کشور را از نظر اهمیت و ارتباطات جغرافیایی، به همین صورت تقسیم کرده‌ایم تا رفت‌وآمدها و ارتباط‌ها آسان شود.

الف) کمیسیون معین مربوط به مسابقات قرآن و دستورالعمل‌های اجرایی آن به استان همدان سپرده شد. همدان با زیرگروه‌های خود در استان‌های مربوط ارتباط دارد و کارشناس مسئول این کمیسیون، آقای همکاران خود را در شش استان دیگر دریافت می‌کند و پس از تدوین و جمع‌بندی، در نشست با مسئولان دفتر مربوط به این کمیسیون در وزارت‌خانه، طی جلساتی، تصمیم‌نهایی گرفته می‌شود.

ب) کمیسیون معین مربوط به معارف قرآنی مراکز دارالقرآن کریم، در مرکز دارالقرآن استان خراسان رضوی (مشهد) مستقر است.

ج) فعالیت مربوط به طرح جامع قرآن و عترت و تهیه‌ی برنامه‌های خاص معاونت قرآن، در این کمیسیون انجام می‌گیرد.

د) کمیسیون معین استان

خوزستان (اهواز) به امور ارزیابی و پی‌گیری طرح‌ها و برنامه‌ها می‌پردازد. علت این اقدام، بازمی‌گردن به اعتقاد ما در دفتر گسترش فرهنگ نماز، قرآن و عترت که دیگر زمان تصمیم‌گیری متمرکز توسط یک عده در وزارت‌خانه گذشته است. معتقدیم، در استان‌ها نیروهایی ارزشمند و قوی حضور دارند که به دلیل شناخت و ویژگی‌های بومی هر منطقه، و آشنایی با وضعیت جغرافیایی و مختصات فرهنگی هر استان، قادرند با تعریف طرح‌های متنوع، به تدوین برنامه‌های مناسب بپردازند. به همین سبب، مناسب دیدیم برنامه‌ها از طرف کارشناسان همان استان‌ها نوشته شود و در کمیسیون معین مربوط، بررسی و تدوین گردد و سرانجام در وزارت‌خانه، با مشارکت اعضای کمیسیون معین چهارگانه، ارزیابی و در نهایت تصمیم لازم گرفته شود. سپس برنامه‌های مصوب، برای اجرا به مناطق و استان‌ها و مدارس ابلاغ شوند.

فکر می‌کنیم با این طرح، مجمع کارشناسی پویایی در بدنه‌ی آموزش و پرورش به وجود می‌آید که با تعامل می‌توانند فعالیت‌های مناسب قرآنی را سامان بخشد.

● اگر استان‌هایی که عضو زیرمجموعه‌ی یک کمیسیون از استان مربوط به آن نیستند، درباره‌ی وظایف کمیسیون آن استان‌ها، پیشنهادی داشته باشند، آیا امکان طرح آن را دارند؟ اگر دارند، این ارتباط چگونه برقرار می‌شود؟

○ سؤال بسیار خوبی است. زمینه‌ی همکاری بین تمام استان‌ها وجود دارد. کمیسیون‌های معین وظیفه دارند اگر پیشنهادی از استان‌های غیر زیرمجموعه‌شان ارائه شود، آن



مسیب‌زاده: در اساس نامه،

برای هر منطقه‌ی کشور،

یک واحد دارالقرآن در نظر

گرفته شده است و با توجه

به تقسیم آموزش و پرورش

به ۷۱۵ منطقه، ما تاکنون

توانسته‌ایم ۶۵۰ واحد

دارالقرآن در مناطق تأسیس

کنیم. متأسفانه در ۶۵

منطقه‌ی آموزش و پرورش

دارالقرآن تأسیس نشده است

را بپذیرند. این کار با تماس تلفنی یا به صورت مکاتبه‌ای انجام می‌گیرد، ولی پیشنهاددهنده در کمیسیون مربوط حضور نخواهد داشت. زیرا یکی از هدف‌های این تقسیم کار، کاهش تردها بوده است. اما اگر استان میزبان تشخیص داد که حضور ارائه‌کننده‌ی پیشنهاد یا طرح ضرورت دارد، می‌تواند از وی برای شرکت در جلسه و تشریح نظرش، دعوت به عمل آورد.

• تا حال این اتفاق افتاده است؟

○ بله. ضمن این که بستر را برای ارتباط استان‌ها آماده کرده‌ایم، آن‌ها را محدود هم نکرده‌ایم. معمولاً کارشناس ما در جمیع زمینه‌هایی که گفته‌ام، یعنی در مورد دارالقرآن، مسابقات، طرح و برنامه‌ریزی و ارزیابی صاحب‌نظرند، اما برای این که بتوانیم مسائل مربوط را در گروه‌های کوچک‌تر جمع‌بندی کنیم و از دل این کار، کارهای اجرایی ریزتر را دریابیم، تقسیم کار کرده‌ایم. ولی برای ارتباط و تبادل نظر، نه مانعی وجود دارد و نه مشکلی.

• به روز کردن اطلاعات به صورت مستمر انجام می‌گیرد؟

○ هدف ما این است که هر سال این کار بشود، اما این به توان ما در اجرای برنامه و دریافت مجوزهای موردنیاز بستگی دارد. متأسفانه ۱۰ سال این گردهمایی تشکیل نشد. دومین دوره در تابستان گذشته برگزار شد و زمان سومین دوره تابستان (۱۳۸۹) است. قصد ما این است که دارالقرآن‌ها فعالیت پویایی داشته باشند.

• در فضای مجازی هم حضور دارید؟

○ دفتر گسترش فرهنگ نماز، قرآن و عترت، در این زمینه فعالیت ویژه‌ای را آغاز کرده و در حال آماده‌سازی دارالقرآن مجازی است. ما با هماهنگی

«گروه قرآن سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی» و مشارکت «معاونت محترم فناوری سازمان پژوهش»، بستر کار را برای دارالقرآن مجازی فراهم کرده‌ایم و در حال تکمیل این برنامه‌ایم. رونمایی اختصاصی با حضور عده‌ای انجام شده است و از افراد خاصی نیز ثبت‌نام کرده‌ایم تا آموزش‌ها را از سایت دارالقرآن دنبال کنند.

• چه وقتی این سایت قابلیت استفاده‌ی عمومی پیدا می‌کند؟

○ در حال حاضر، مراحل آزمایشی در حال انجام است. به همین دلیل ترجیح می‌دهیم اعلام عمومی نکنیم. با توجه به این که کار نو و است، سعی داریم ابتدا تمام نارسایی‌ها را که امکان دارد در مرحله‌ی اجرای آزمایشی طرح به‌وجود آید، برطرف کنیم و پس از اطمینان، اطلاع‌رسانی عمومی خواهیم داشت.

با سه هدف این سایت را تأسیس کردیم:

۱. با عنایت به این موضوع که همه‌ی استان‌ها به استان قرآن دسترسی ندارند یا بعضی استان‌ها کمتر دسترسی دارند، با راه‌اندازی این سایت، گامی به سوی ایجاد عدالت آموزشی برمی‌داریم. زیرا در برنامه‌ی آموزشی، از استادان برجسته و درجه یک استفاده می‌شود. بدین ترتیب، همه‌ی عزیزان علاقه‌مند و مشتاق در سراسر کشور، قادر خواهند بود از طریق اینترنت از برنامه‌ی کاملاً زنده‌ی آموزشی آنان استفاده کنند.

۲. سایت اینترنتی، دسترسی به مواد آموزشی را آسان می‌سازد. بدین ترتیب، استان‌هایی که مشکل تهیه‌ی کتاب دارند، از این راه مشکل را مرتفع می‌سازند.

۳. افرادی که فرصت ندارند در

دوره‌های آموزشی دارالقرآن شرکت کنند، می‌توانند آموزش‌های قرآنی را از طریق اینترنت پی بگیرند.

در حال حاضر، مشغول ضبط درس‌های گوناگون هستیم و سعی هم داریم که کار را با فناوری روز هماهنگ کنیم. آن وقت خبر استفاده از آن را اعلام خواهیم کرد.

• آیا آمار حضور دانش‌آموزان برای قرآن‌آموزی در دارالقرآن را دارید؟

○ تاکنون بیش از سه میلیون دانش‌آموز، از برنامه‌های آموزشی دارالقرآن‌ها استفاده کرده و فارغ‌التحصیل شده و گواهی‌نامه‌های آن‌ها (مقدماتی، عمومی و اختصاصی) را دریافت کرده‌اند.

به‌طور قاطع می‌توانم اعلام کنم، بیش از ۷۰ درصد دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مسابقات کشوری، به نوعی با دارالقرآن ارتباط داشتند. همیشه نگرانی ما در آموزش و پرورش این بود که دانش‌آموزان، قرآن را در مراکز خارج از این نهاد آموزش می‌بینند. البته این کار بد نیست، اما ما نمی‌توانیم بگوییم کلاس‌های قرآنی آموزش و پرورش، این افراد را آماده کرده است. خوش‌یختانه با تأسیس دارالقرآن، این اتفاق خیر افتاد و اکنون به جرئت می‌گوییم، بیش از ۷۰ درصد دانش‌آموزان کشور، یا در دارالقرآن آموزش دیده‌اند و از زمره‌ی دانش‌آموزان قرآن‌پژوه این مراکزند، یا حتی استادان و رشته‌هایی را در حوزه‌ی موضوع‌های قرآنی، تدریس می‌کنند یا دوره‌های آموزشی قبل از مسابقه را در



مسبب‌زاده: در ماده‌ی ۲ اساس‌نامه، چهار هدف مصوب آمده است که در مجموع می‌توان آن‌ها را این‌گونه جمع‌بندی کرد هدف اصلی از تأسیس دارالقرآن، گسترش فرهنگ قرآنی و تعمیق باورهای دینی در دانش‌آموزان و ایجاد انس و الفت بین آنان با قرآن و عترت است

**مسیب‌زاده: تابستان سال
۱۳۸۹ سومین گردهمایی
مدیران دارالقرآن‌های سراسر
کشور، با هدف بررسی
فعالیت‌های آموزشی این
نهاد، برگزار می‌شود**



دارالقرآن گذرانده‌اند.

درباره‌ی مسابقات اضافه کنیم، هر سال بیش از ۳/۵ میلیون نفر از دانش‌آموزان در رقابت‌های قرآنی و معارف اسلامی شرکت می‌کنند. ضمن این‌که این تابستان دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی نیز در مسابقات کشوری حضور دارند. در چند سال اخیر، این کار انجام نمی‌شد. اما امسال مسابقات کشوری قرآن در دو دوره‌ی متوسطه و راهنمایی در حال برگزاری است.

● برگزاری مسابقات قرآنی تا چه حد هدف‌های آموزش و پرورش را در توسعه و تعمیق آموزش‌های قرآنی تأمین می‌کند؟

○ مسابقه هدف نیست، بلکه ابزاری است برای ارتقا و افزایش سطح علوم قرآنی در میان دانش‌آموزان. اما ابزار مفید و کارآمدی است، زیرا سبب ایجاد انگیزه برای کسب مهارت‌های بیشتر می‌شود. تمام تلاش ما هم این است که مسابقه در مدرسه باشکوه برگزار شود. دوست داریم در ۱۲۰ هزار مدرسه‌ای که داریم، دانش‌آموزان بیشتری در رقابت‌ها حضور یابند. در مسابقات منطقه، تعدادی برگزیده می‌شوند، در مرحله‌ی استانی باز هم کمتر می‌شوند و در مرحله‌ی کشوری، تعداد شرکت‌کنندگان برگزیده به



● در گفت‌وگویی که با آقای رضا دزفولی، دبیر درس قرآن داشتیم، ایشان می‌گفت: دانش‌آموزان مطلع‌تر در معارف قرآنی و قرائت، کسانی هستند که خارج از کلاس هم فعالیت قرآنی دارند و در جلسات هیئت‌های دانش‌آموزی یا بیرون از محیط آموزش و پرورش، شرکت می‌کنند. لذا باید تجربه‌های آموزش قرآن در خارج از آموزش و پرورش در برنامه‌های این نهاد مؤثر باشد.

○ در حقیقت سخن درستی است. همین نکته را بنده عرض کردم که آموزش و پرورش در مظان اتهام است که دانش‌آموزان در خارج از مدارس آموزش قرآن می‌بینند، گرچه نکته‌ی مثبتی است، زیرا مهم و اصل، رواج آموزش قرآن است؛ حال در هر جا و از طرف هر نهاد حقیقی و حقوقی. فرقی نمی‌کند متولی آن ما باشیم یا سازمان تبلیغات اسلامی، دارالقرآن‌های کشور، سازمان اوقاف و امور خیریه، مساجد یا هیئت‌های دینی.

حداقل ممکن می‌رسد، این تعداد اندک برگزیده، نمی‌تواند ما را قانع کند و جواب‌گوی نیازها نیست.

● استادان و مربیان دارالقرآن‌ها از آموزش و پرورش انتخاب می‌شوند؟

○ بیشتر آنان از مربیان آموزش و پرورش‌اند، اما برای برخی از سطوح آموزشی، از استادان برجسته‌ی خارج از وزارتخانه در دارالقرآن‌ها استفاده می‌کنیم. منع قانونی هم نداریم. ملاک کار را بر کیفیت گذاشته‌ایم. گرچه اولویت با فرهنگیان همکار است.

● ارتباط دارالقرآن با مدارس، براساس چه تعریفی برقرار می‌شود؟

○ اصل کار ما برای دانش‌آموزان است. بهترین بستر معرفی دارالقرآن‌ها نیز دانش‌آموزان مدارس‌اند. بین مراکز دارالقرآن‌ها و مدارس، ارتباط‌های متفاوتی وجود دارد و نوع ارتباط را هم دارالقرآن مشخص می‌کند. با توجه به این‌که دارالقرآن‌ها زیر نظر معاونت استان‌ها اداره می‌شوند، ارتباط خوبی بین دارالقرآن‌ها و مناطق وجود دارد.

مسیب زاده: دارالقرآن مجازی،
 در حال حاضر مراحل آزمایشی را
 می گذرانند. امیدواریم تابستان تمام
 علاقه مندان بتوانند از برنامه های
 آموزشی آن استفاده کنند. در
 این صورت، دسترسی به مواد
 آموزشی، از طریق سایت اینترنتی
 برای تمام مناطق، به ویژه مناطقی
 که به استاد و مواد آموزشی
 دسترسی ندارند، فراهم می شود



میل و رغبت دختران، شاید به دلیل
 وجود محدودیت های دیگر، در این
 عرصه بیشتر از پسران است.

• آیا آمار تفکیکی هم دارید؟

○ در حال حاضر نمی توانم دقیق بگویم،
 اما ریز آمارها در مرکز موجود است و
 این موضوع را تایید می کند.

• فواید و ثمرات دارالقرآن ها را
 که برشمردید، بیشتر در مراکز
 استان ها و شهرهای بزرگ تقسیم
 می شود، در حقیقت «دولت به
 دولت» روی دارد. در حالی که
 این شهرها امکانات دیگری غیر
 از دارالقرآن ها در دسترس دارند،
 آن وقت امکانات دارالقرآن نیز به
 آن ها اضافه می شود. اما شهرهای
 کوچک و روستاها، نه استاد و
 مربی لازم را در دسترس دارند
 و نه امکانات رایج دیگر را. لذا
 دانش آموزان روستایی و شهرهای
 کوچک، از این آموزش ها محروم
 می مانند. بفرمایید دانش آموزان
 روستایی و شهرهای کوچک تا
 چه حد از برنامه ها و امکانات
 دارالقرآن بهره می گیرند؟

○ موضوع پرسش شما، دغدغه ی ما
 در دفتر گسترش فرهنگ نماز، قرآن
 و عترت نیز هست. مناطق برنامه های
 خاص خودشان را پیش بینی می کنند.

به حساب می آید.

به این نکته هم اشاره کنم، ملاک
 شرکت دانش آموزان قرآن آموز در دوره
 یا سطح بالاتر، گذراندن دوره و سطح
 پایین تر و قبولی در آن است. متقاضی
 شرکت در کلاس سطح ۳، باید گواهی
 قبولی سطح ۲ را داشته باشد یا اطلاعات
 وی به حدی برسد که در امتحان تعیین
 سطح قبول شود. یعنی بعد از توانایی
 سطحی علمی، می تواند در سطح ۳
 شرکت کند. ترتیب سطح از پایین به
 بالا باید حفظ شود.

• شواهد حاکی است که دختران
 بیشتر از پسران و دقیق تر درس
 می خوانند. افزایش درصد ورودی
 دختران به دانشگاه نیز همین
 حقیقت را نشان می دهد. آیا این
 وضعیت در ثبت نام کلاس های
 دارالقرآن هم دیده می شود؟

○ همینطور است واقعاً حضور پرشور و
 فراوان دخترها در کلاس های آموزشی
 دارالقرآن ها بیش از پسرهاست. همین
 وضعیت در مسابقات و فعالیت های
 قرآنی نیز دیده می شود. به طور کلی،

خوش بختانه با آغاز به کار دارالقرآن
 در آموزش و پرورش، دانش آموزان قرآن
 و معارف قرآنی را در سطوح گوناگون
 آموزش می بینند. خانواده ها هم بسیار
 علاقه مندند که فرزندانشان در مراکز
 آموزشی آموزش و پرورش، به فعالیت
 قرآنی بپردازند؛ به دلیل حسن اعتماد و
 اطمینان قلبی که به این نهاد دارند. لذا
 این مراکز، همواره فعال و پویا هستند.
 همین جاز فرصت استفاده می کنم
 و از اولیای بزرگوار دانش آموزان دعوت
 می کنم که فرزندان دانش آموز خود را
 به دارالقرآن ها هدایت کنند.

**• دارالقرآن ها برای تابستان ها چه
 برنامه ی مخصوصی دارند؟**

○ دارالقرآن ها در تابستان منتظر دانش
 آموزان هستند در تابستان، دارالقرآن ها
 همان برنامه ی آموزشی سال تحصیلی را
 ادامه می دهند، با این تفاوت که برنامه ها
 فشرده تر استمرار می یابند. برای مثال،
 اگر در طول سال تحصیلی، هر هفته دو
 جلسه ی آموزشی داریم، در تابستان این
 آموزش به یک جلسه کاهش می یابد. در
 حقیقت، مدت آموزشی تابستان یک ترم



تاکنون بیش از سه میلیون دانش آموز، از برنامه های آموزشی و خدمات دارالقرآن ها استفاده کرده و فارغ التحصیل شده اند و گواهی نامه های (مقدماتی، عمومی و اختصاصی) آن ها را دریافت کرده اند

به صورت «گروه استثنایی» شرکت داشتند. خواهری از این جمع، اظهار تمایل کرد که می خواهند در مسابقات حضور داشته باشند، زیرا دانش آموزان علاقه مند و با استعداد در میان عشایر کم نیست. ما هم تمام امکاناتی را که در اختیار دارالقرآن های دیگر قرار می گیرد، در اختیارشان قرار دادیم. تلاش ما بر این است که در مناطق محروم هم، دارالقرآن تشکیل بدهیم، اما باید امکانات و توانایی را هم در نظر بگیریم.

● آیا نمی توانید بخشی از امکانات دارالقرآن ها در شهرها و مناطق برخوردار از فرصت های دیگر را به سمت روستاها و شهرهای کوچک و محروم از امکانات آموزشی جهت بدهید؟

○ هیچ محدودیتی وجود ندارد که دارالقرآن در مراکز روستایی مستقر نباشد.
● مستلزم بررسی است که آیا امکانات به سمت مناطق محروم هدایت می شود؟ آیا مدیران مربوط در مناطق و استان ها، دغدغه ی چنین جهت گیری را دارند؟

○ در تمام سیاست گذاری های کشور این بحث مطرح است. برای مثال، هنگام تخصیص اعتبار و بودجه، ما سعی داریم

حالت آن جا که اطلاعاتم اجازه می دهد، توضیح می دهم:

۶۵۰ واحد دارالقرآن موجود در سراسر کشور، نمی تواند جوابگوی نیازهای ما باشد، زیرا یک واحد دارالقرآن در منطقه ای که برای مثال ۳۰ تا ۴۰ هزار دانش آموز دارد، قادر نیست تمام تقاضاهای علاقه مندان را جواب بدهد. یک واحد، امکانات لازم برای این تعداد را ندارد. اما در اساس نامه این مشکل مرتفع شده است. بدین صورت که دارالقرآن ها می توانند شعبه های فرعی متعدد دایر کنند. یعنی دارالقرآنی که در یک منطقه با وسعت زیاد و مدارس زیاد فعالیت دارد، به جای این که دانش آموزان را در یک مراکز جمع کند، استاد و مربی را به آن شعبه ی فرعی در مدرسه ی مورد نظر و دارای متقاضی می فرستد. مثلاً تعداد دانش آموزان قرآن آموز متقاضی آن ها، بیش از ظرفیت کلاس هایشان است، می توانند مدارس منتخب را شعبه ی فرعی بشناسند.

بنابراین، ثبت نام قرآن آموزان در همان مدارس انجام می شود و با تفکیک سطوح و تشکیل کلاس، مرکز، استاد را به مدرسه ی مورد نظر می فرستد.

همین کار می تواند در روستا نیز صورت گیرد. به جای آمدن دانش آموزان از روستا به شهر، فقط استاد به مدرسه ی روستایی اعزام می شود. اما این رویکرد عمومیت ندارد و به توان مناطق بستگی دارد. اگرچه در برخی از روستاها این کار صورت می گیرد.

حال که گفت و گو به این جا رسید، خوب است درباره ی دارالقرآن عشایر هم توضیحی بدهم. در یکی از مسابقات، گروهی از دانش آموزان عشایری

به مناطق محروم بیشتر توجه شود تا به مناطق برخوردار. می دانید که در بستر اقتصادی در کشور مناطق محروم کم نداریم، حتی در منطقه ی یک آموزش و پرورش در تهران. مثلاً در شرق تهران که منطقه ای برخوردار است، مناطق روستایی و مدارس روستایی داریم. بدین ترتیب که افراد برخوردار و افراد محروم از نظر اقتصادی، در این منطقه زندگی می کنند.

● سخن بنده متوجه مناطق محروم در همه جا است و این که باید شناسایی شوند. به اصل مسئله و معضل اشاره دارم. تفاوتی نمی کند در تهران باشد یا در تایباد و نقاط دور و نزدیک دیگر.

○ اصل مسئله را قبول دارم. هدف ما هم توجه بیشتر به مناطق محروم است. یکی از اهداف تأسیس دارالقرآن مجازی، عطف توجه به این مورد بوده است. اگر نمی توانیم استاد را به جایی بفرستیم، باید قادر باشیم از طریق اینترنت، امکان آموزش را فراهم آوریم. شکر خدا خیلی از روستاهای کشور از رایانه و به طور طبیعی از وضعیت اتصال به اینترنت برخوردارند. استفاده از این فناوری، به مراتب راحت تر از دعوت استاد قرآنی و اعزام وی به منطقه ای دور افتاده است.

● امیدواریم این گفت و گو برای آشنایی هرچه بیشتر با دفتر گسترش فرهنگ نماز، قرآن و عترت، به ویژه با برنامه های دارالقرآن ها برای مخاطبان مفید باشد. از شما نیز به سبب شرکت در این گفت و گو سپاس گزاریم.

○ برای همکاران محترم در فصل نامه ی رشد آموزش قرآن آرزوی موفقیت دارم.

دکتر مجید طالب‌ناش، دارای دکترای علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر و استاد دانشگاه آزاد اسلامی و در حال حاضر معاون پژوهش‌کندهی قرآن و عترت این دانشگاه است. از ایشان تاکنون مقالات و پژوهش‌های متعددی به چاپ رسیده است تألیفات ایشان در حوزه‌ی علوم قرآنی هم بسیار است. او علاوه بر استاد راهنمای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و استاد مشاور بودن، تدریس دروس گوناگون علوم قرآنی را در دانشگاه، بر عهده دارد. مقاله‌ی ایشان با عنوان «تدبر در قرآن»، در چند شماره‌ی متوالی به چاپ خواهد رسید، امید است برای تدریس درس قرآن در دوره‌ی متوسطه مفید فایده واقع شود.

کلیدواژه‌ها: تدبر، کلمات، قرآن، تفسیر، تلاوت

پیش‌گفتار

قرآن کریم، کلام روشنائی‌بخش خداوند است که به واسطه‌ی فرشته وحی بر پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی‌الله علیه و آله) فرود آمد تا هدایتگر پارسایان و ایمان‌آوردگان باشد و به‌عنوان مظهر رحمت و مهر خداوندی

نسبت به جهانیان، دردهای درونی مردمان را شفا بخشد. آیات گوش‌نواز آن، نور هدایت الهی است که بر سرزمین دل‌دریافت پیامبر اسلام فرود آمد تا در پرتو روشنائی حیات‌بخش آن، جان انسان‌های آماده و مستعد، مزین به رویش درخت خرم و پرثمر ایمان و باور قلبی شود.

از آن‌جا که رسول‌الله (ص) از میان قوم عرب برگزیده شده است، به‌منظور ایجاد انس و سازگاری با قوم خویش، قرآن کریم در قالب عبارات‌ها و الفاظ عربی مبین فرود آمد تا بتواند با آن‌ها گفت‌وگو کند و مسئولیت خطیر تزکیه و تعلیم را بر عهده گیرد و به انجام رساند: «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم»: هیچ رسولی را نفرستادیم جز آن‌که به زبان قوم خویش برانگیخته شد تا آیات الهی را برای ایشان تبیین کند.

چینش کلمات در کنار یکدیگر از جانب خداوندی صورت پذیرفته که به ظاهر و باطن و رازهای نهان در هستی، عالم است. در نتیجه آهنگ موزون عبارات‌های قرآنی،



بخش اول

درآمدی بر تدبر در قرآن

دکتر مجید طالب‌ناش

می‌رود خوانندگان گرامی با یادآوری ضعف‌ها و کاستی‌های این نوشتار، ما را در تهیه‌ی نوشتارهایی مناسب‌تر و قابل استفاده‌تر یاری کنند.

کلیات

• مفهوم تدبیر

«تدبیر»، مصدر باب «تفعل» از ریشه‌ی «دبر» و در اصطلاح به معنای «اندیشیدن در پشت و ماورای امور» است که با «ژرفاندیشی» و «عاقبت‌اندیشی» آغاز می‌شود و دستاورد آن، کشف حقایقی است که در ابتدای امر و نگرش سطحی، ظاهر نیست و پس از مدتی تفکر، اندیشه و ممارست، بر تدبیرکننده آشکار می‌شود. بنابراین تدبیر یعنی تفکر و تأمل در ورای ظاهر امور، تا چهره‌ی باطن جلوه کند و عاقبتش آشکار شود. در نتیجه دو پایه‌ی اصلی و اساسی تدبیر را «کاوش در باطن» و «توجه به نتایج و عواقب امور» تشکیل می‌دهد.

• ضرورت تدبیر در آیات

قرآن کریم خود رهنمود می‌دهد که پی‌بردن به الهی بودن قرآن و فهم معانی و مفاهیم زندگی‌ساز آن، به تعمق و ژرفاندیشی نیاز دارد. زیرا در نظر سطحی، آیات قرآن نیز مانند هر متن دیگری، از حروف و کلماتی ترکیب یافته‌اند که عرب با آن‌ها تکلم می‌کند.

«أفلا يتدبرون القرآن ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً» [نساء/ ۸۲]: آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟ و اگر قرآن از جانب غیر خدا بود، در آن اختلاف بسیار می‌یافتند. این آیه‌ی شریفه، به کسانی که به آیات قرآن نیز مانند متون بشری نگاه می‌کنند، هشدار می‌دهد که چنانچه در آیات تدبیر کنند، ظاهر آن را کنار بزنند و در ورای ظاهر به باطن و حقیقت آن بنگرند، هیچ‌گونه اختلافی در آن نخواهند یافت و به الهی بودن آن پی خواهند برد، زیرا اختلاف، از متون بشری جدانشدنی است در نتیجه پس از تدبیر در آیات در خواهند یافت که این متن بشری نیست.

• توجه به ارتباط و تناسب آیات در «تدبیر»

در تدبیر در آیات «پی‌گیری سیر آیات»، یکی پشت‌سر دیگری، و دقت در باطن ارتباط آن‌ها نیز ضروری است. چرا که کشف انسجام و هماهنگی، و مشاهده‌ی نبود اختلاف، به پی‌گیری آیات در یک سوره و سوره با کل قرآن نیاز دارد تا روشن شود، کتابی که در طول ۲۳ سال در فراز و نشیب‌های زندگی پیامبر و در شرایط بسیار متفاوت از یکدیگر، مطرح

گوش هر انسان پاک‌سیرتی را به نوازش می‌آورد و دل‌های بارور ایمان‌آوردگان را از محبت و آرامش ملامال می‌سازد. از سوی دیگر، معنای وسیع و گسترده‌ی پشت عبارت‌های ظاهری و الفاظ عربی آن نهفته و بیانگر اشارات، لطایف و حقایق برتری است که جز از راه این عبارت‌های قرآنی و گذر از ظاهر الفاظ، راه دیگری برای دستیابی به این حقایق وجود ندارد. این حقایق، طعام روح و روان و داروهایی هستند که برای درمان دردهای روحی، فکری، معنوی و حتی ظاهری انسان هبوط کرده و بر زمین فرود آمده‌اند.

دستیابی به چنین مرحله‌ای از بهره‌برداری از آیات قرآن، نیازمند پشت سر نهادن مراحل مقدماتی آن است. در این مسیر، قرائت قرآن و خواندن عبارت‌های ظاهری الفاظ با همان زبان اصلی، یعنی عربی مبین و یا گوش سپردن و سکوت کردن در برابر قرائت این کلام دل‌نشین، نخستین گام است.

قرائت قرآن با رعایت مخارج حروف، مسائل تجویدی و توجه به آهنگ و موسیقی بی‌مانند

آیات، پیش‌درامدی برای رسیدن به مرحله‌ی تلاوت است که گذر از لفظ و ورود به فضای معنا و توجه به ارتباط میان معنای آیات را به‌همراه دارد. قاری قرآن، پس از پشت‌سر نهادن دو مرحله‌ی قرائت و تلاوت، به مرحله‌ی ترتیل می‌رسد که علاوه بر خواندن الفاظ و توجه به معنای عبارات، تأثیرپذیری قلبی و باطنی نسبت به آیات را نیز شامل می‌شود. این سه مرحله، یعنی قرائت یا استماع و انصات، تلاوت و ترتیل، مقدمات رسیدن به جایگاه تدبیر در قرآن است که خداوند سبحان عموم مردم را مخاطب آن قرار داده است و خردمندان را تا مرحله‌ی تذکر نسبت به آیات بالا می‌برد: «کتاب انزلناه الیک مبارک لیتدبروا آیاته و لیتذکر اولوالالباب» [ص/ ۲۹]: [قرآن] کتابی مبارک است که بر تو فرو فرستادیم تا همگان در آیاتش تدبیر نمایند و خردمندان متذکر شوند.

نوشته‌ی حاضر که با الهام و اقتباس کتاب

«تدبیر در قرآن»، تألیف جناب آقای دکتر نقی‌پور تألیف و تدوین شده، مشتمل بر نگاهی کلی به اهمیت، ضرورت و راه‌های دستیابی به تدبیر در آیات قرآن است. فهرست منابع روایات این مقال نیز در اصل کتاب مذکور موجود است. بررسی تفصیلی عناوین این مقاله در شکل مقالات تحقیقی، گام بعدی خواهد بود. امید



جریان تدبیر،

همان تلاوت

راستین قرآن

است که سه

حوزه‌ی «قرائت»،

«فهم عمیق» و

«عمل» به آیات را

دربرمی‌گیرد

شده است، نمی‌تواند ساخته و پرداخته‌ی ذهن بشر، بلکه هر موجود دیگری باشد. بنابراین در امر تدبر، کاوش و اندیشه در مفاهیم قرآن برای کشف روابط ناپیدای موجود در متن آیات و ارتباط آیات سوره با یکدیگر و نیز ارتباط آن‌ها با آیات سوره‌های دیگر، مورد نظر است.

• تفاوت تدبر با تفسیر

با دقت در آیات قرآن روشن می‌شود که تدبر غیر از تفسیر مصطلح است و میان این دو تفاوت‌های بارزی وجود دارد:

۱-۴. در تدبر، همه‌ی مردم در هر مرتبه از فهم و درک و مراتب علمی و روحی که باشند، می‌توانند شرکت داشته باشند و برای اصل تدبر، صرف بهره‌مندی از «ترجمه» کفایت می‌کند. در حالی که همه‌ی مردم توانایی پرداختن به تفسیر را ندارند و تفسیر تنها به کسانی اختصاص دارد که در فهم قرآن به مرتبه‌ی اجتهاد رسیده باشند و حداقل کلیدهای علمی تفسیر را به‌دست آورده باشند.

۲-۴. در تدبر، حس ظاهری و باطنی، و ذهن و قلب هر دو مشارکت دارند، اما تفسیر یک جریان فکری است که اطلاعات علمی لازم دارد و لزوماً با جریان قلبی همراه نیست.

۳-۴. در تدبر شخص خود را مخاطب آیات می‌بیند و درمان دردهای فکری و قلبی خود را در آن‌ها می‌جوید. در واقع، از یک طرف انسان گرفتار دردها و بیماری‌های روحی و فکری است و از سوی دیگر، خداوند این آیات را به‌عنوان درمان او فرود فرستاده است تا به‌عنوان نسخه‌ی عملی در زندگی، به آن عمل کند و سلامت فکری و روحی خود را بازیابد، اما در تفسیر، مفسر خود را مبلغ و بیانگر معنای آیات می‌شناسد؛ اگرچه خود را مخاطب آیات نبیند. بنابراین تدبر ممکن است «تبلیغ» را هم در پی داشته باشد، اما تفسیر ضرورتاً فرایند تدبر، یعنی درمان درد مفسر را در پی ندارد.

۴-۴. تدبر یک جریان روحی-فکری است که با قرائت آهنگین و یا استماع آیات، زمینه‌سازی می‌شود و با کاوش و جست‌وجو در آن‌ها ادامه می‌یابد و به استخراج داروی درد خویش و به‌کارگیری آن ختم می‌شود. پس قرائت زمینه‌ی آن و عمل، نتیجه‌ی آن است (قرائت ← فهم ← عمل). اما تفسیر به سطح «فهم آیات» محدود می‌شود و مقدمه‌ی تدبر (قرائت) و نتیجه‌ی آن (عمل)، در تفسیر الزامی نیست.

• تدبر، تلاوت راستین قرآن

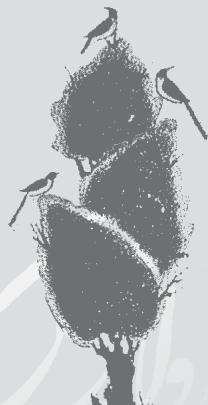
جریان تدبر، همان تلاوت راستین قرآن است که سه حوزه‌ی «قرائت»، «فهم عمیق» و «عمل» به آیات را

در برمی‌گیرد. سخن امام صادق (ع) در تفسیر «بتلونه حق تلاوته» این امر را به‌خوبی روشن می‌سازد: «یعنی آیات آن را به ترتیل می‌خوانند و معانی آن را درمی‌یابند و به احکام آن آگاه می‌شوند و به‌وعده‌ی او امیدوار می‌گردند و از عذاب او بیمناک می‌شوند. داستان‌هایش را پیش‌رو می‌نهند و از مثل‌هایش عبرت می‌گیرند. دستورات آن را به‌جای می‌آورند و از نهی‌های آن پرهیز می‌کنند. و این امر، به خدا سوگند که به حفظ آیات وادای حروف و خواندن سوره‌ها و آموزش اعشار و اخماس نیست. این‌ها حروفش را حفظ می‌کنند و حدود آن را که همان تدبر در آیات است، ضایع می‌نمایند. خداوند متعال می‌فرماید: «کتاب انزلناه مبارک لیدبروا آیاته.»

از این سخن امام صادق (علیه‌السلام) می‌توان دریافت که حق تلاوت قرآن، همان تدبر در آن است که ترتیل آیات، فهم معانی، عمل به احکام، امید به وعده‌ی الهی، خشیت از عذاب، تجسم کردن قصص، عبرت از نمونه‌ی حوادث، اجرای اوامر و دوری از محرمات را شامل می‌شود؛ با آن که نه در معنای «تلاوت» و نه حتی در معنای لغوی «تدبر»، چنین وسعت معنی را مشاهده نمی‌کنیم. از این‌جا معلوم می‌شود که جریان تلاوت راستین قرآن مورد نظر است که با «جریان تدبر در آیات» وحدت دارد؛ آن‌چه که از قرائت شروع و به عمل ختم می‌شود. همین معنا در خطبه‌ی متقین در وصف پارسایان نیز آمده است.

«و اما در شب، گام‌هایشان را به صف کشیده و اجزای قرآن را تلاوت می‌کنند، به گونه‌ای که جانشان را با آن محزون می‌نمایند و داروی دردشان را با زیر و رو کردن آیات جست‌وجو می‌کنند. چون به آیه‌ای گذر کنند که در آن تشویق است با چشم‌داشت، به آن میل می‌کنند و جانشان از شوق به سوی آن پر می‌کشد و باور دارند که در برابر دیدگان‌شان قرار دارد، و هرگاه به آیه‌ای گذر نمودند که در آن تخویف است، گوش‌های دلشان را به آن متمایل می‌نمایند و باور دارند که صدای دوزخ و نعره‌ی آن در عمق گوششان طنین‌انداز است» [نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۳].

این حدیث شریف که شیوه‌ی تلاوت را تبیین کرده، به تشریح کیفیت ترتیل نیز پرداخته که «تحزین نفس و کاوش و استخراج داروی خویش» است. سپس جزئیات عمل بیشتر توضیح داده شده است.



در تدبر، حس ظاهری و باطنی، و ذهن و قلب هر دو مشارکت دارند، اما تفسیر یک جریان فکری است که اطلاعات علمی لازم دارد و لزوماً با جریان قلبی همراه نیست

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلذَّاهِلِينَ أَقْوَمَ

(اسراء، ۹)



منشور توسعه‌ی فرهنگ قرآنی

اشاره

پس از سال‌ها تلاش و پی‌گیری «منشور توسعه‌ی فرهنگ قرآنی» از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده است. در این منشور، تکلیف نهادها و سازمان‌ها در ارتباط با قرآن کریم معلوم شده است. برای اطلاع شما، این منشور آورده می‌شود. امید است به زودی دستورالعمل اجرایی آن صادر و ابلاغ شود.

مقدمه

دستیابی به جامعه‌ای متمسک به قرآن و عترت و برخوردار از ایمان و عمل صالح، تحقق اندیشه‌های معمار بزرگ انقلاب اسلامی رضوان‌الله تعالی علیه و رهنمودهای مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در گسترش فرهنگ حیات بخش قرآن کریم، و ارتقای ایران به کشوری توسعه یافته با هویتی اسلامی - انقلابی، در گرو عزم ملی و اراده‌ی هماهنگ مدیران ارشد نظام برای توسعه‌ی فرهنگ قرآنی است. فرهنگی که باید متأثر از قرآن و حاکم بر بینش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی باشد و در کلیه‌ی سطوح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نظام جمهوری اسلامی جاری باشد. بدین منظور، منشور توسعه‌ی فرهنگ قرآنی مبین منویات نظام مقدس جمهوری اسلامی در مواجهه با تعالیم قرآن، در مقام علم، اعتقاد و عمل در سطح ملی و بین‌المللی است، به شرح زیر به تصویب می‌رسد.

منشور توسعه‌ی فرهنگ قرآنی مبین منویات نظام مقدس جمهوری اسلامی در مواجهه با تعالیم قرآن، در مقام علم، اعتقاد و عمل در سطح ملی و بین‌المللی است

ماده‌ی ۱. اهداف

۱. ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی، مؤسسات و گروه‌های فعال غیردولتی در جهت هم‌افزایی و ارتقای فعالیت‌های قرآنی در سطح ملی و بین‌المللی
۲. تقویت ایمان و اعتقاد به قرآن کریم و تمسک به تعالیم آن
۳. تعمیق معرفت و تعمیم فهم و درک قرآن کریم
۴. ارتقای التزام عملی به قرآن کریم در ابعاد فردی و اجتماعی
۵. تحقق فرهنگ قرآنی در نظام مدیریت، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کشور
۶. توسعه‌ی مهارت‌های روان‌خوانی، صحیح‌خوانی و درک معنای آیات قرآن کریم در میان اقشار گوناگون جامعه به‌ویژه کودکان و نوجوانان
۷. تقویت و گسترش انس با قرآن کریم در اقشار گوناگون جامعه
۸. ترویج آیات و مفاهیم قرآن کریم در حوزه‌ی فرهنگ عمومی (نمادسازی و تبلیغات رسانه‌ای و محیطی، محاورات و...)

ماده‌ی ۲. سیاست‌ها و راهبردها

۱. توجه جدی به اصل جدایی‌ناپذیری قرآن کریم و اهل بیت (علیهم‌السلام) در کلیه‌ی فعالیت‌های قرآنی
۲. اولویت‌بخشی به توسعه‌ی فرهنگ قرآنی در مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی کشور
۳. توسعه‌ی نظریه‌پردازی در نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مبتنی بر فرهنگ و معارف قرآنی
۴. توسعه‌ی مشارکت حداکثری مردم در فعالیت‌های قرآنی و تقویت نقش حمایتی و پشتیبانی دولت در گسترش

فرهنگ قرآنی در داخل و خارج از کشور

۵. تأکید بر گسترش درک عموم مردم از مفاهیم، زیبایی‌ها و لذات معنوی قرآن کریم از طریق انس و ارتباط مستمر با آن
۶. اهتمام ویژه به توسعه‌ی فرهنگ قرآنی در میان اقشار تأثیرگذار (مدیران، نخبگان، فرهیختگان و گروه‌های مرجع) در داخل و خارج از کشور
۷. ابتنای حداکثری فعالیت‌های قرآنی بر مطالعه، کارشناسی و تحقیق شایسته
۸. هدایت فرایندهای آموزشی، پژوهشی و تبلیغی ترویجی قرآنی به سمت کاربردی کردن تعالیم قرآنی در زندگی فردی و اجتماعی
۹. بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت حوزه‌های علمیه در توسعه‌ی فرهنگ قرآنی
۱۰. ارتقای بخشی نظام تعلیم و تربیت، نظام رسانه‌ای، نظام تبلیغات دینی و سایر نظام‌های مؤثر، با الهام از تعالیم قرآن کریم
۱۱. سامان‌دهی و هماهنگ کردن دستگاه‌ها، نهادها و بخش‌های مؤثر کشور و فراهم کردن زمینه‌های یادگیری و رشد سازمانی برای هم‌افزایی توان، تجربه و ارتقای سطح آن‌ها در توسعه‌ی فرهنگ قرآنی

ماده‌ی ۳. شورای تخصصی توسعه‌ی فرهنگ قرآنی

به منظور پیشبرد و اجرایی شدن اهداف، سیاست‌ها و راهبردهای منشور توسعه‌ی فرهنگ قرآنی در داخل و خارج از کشور و تحقق عزم ملی برای توسعه‌ی تمسک و اعتصام به قرآن کریم در همه‌ی عرصه‌ها، شورای تخصصی توسعه‌ی فرهنگ قرآنی که از این پس به اختصار «شورای تخصصی» نامیده می‌شود، زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل می‌شود.



منشور توسعه
فرهنگ قرآنی حاصل حدود یک دهه
تلاش علمی و کارشناسی بخش‌های
مختلف قرآنی کشور است که در
اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۸ در شورای
عالی انقلاب فرهنگی به تصویب
رسیده است

ماده ۴. وظایف شورای تخصصی

۱. تهیه و تصویب شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگ قرآنی و تصویب شاخص‌های ارزیابی و نظارت بر فعالیت‌های قرآنی
۲. بررسی و پیشنهاد چگونگی حاکم کردن اصول و مبانی قرآنی در برنامه‌های توسعه‌ی بلندمدت و میان‌مدت کشور به سازمان‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر
۳. بررسی و بازنگری مأموریت‌ها و وظایف قرآنی دستگاه‌های دولتی و عمومی، شوراهای ستادها و سایر مجامع قرآنی و ارائه به شورای عالی انقلاب فرهنگی به منظور تصویب
۴. زمینه‌سازی و پی‌گیری تحقق رهنمودها و مطالبات رهبر معظم انقلاب اسلامی در حوزه‌ی قرآن کریم
۵. ایجاد سازوکارهای لازم برای هماهنگی و تعامل مؤثر در زمینه‌ی فعالیت‌های قرآنی
۶. تأیید طرح‌ها و برنامه‌های ملی و فرابخشی در توسعه‌ی فرهنگ قرآنی
۷. اتخاذ تدابیر لازم برای توانمندسازی و جلب مشارکت بخش مردمی و تقویت نقش حمایتی دولت در جهت توسعه‌ی فرهنگ قرآنی
۸. اتخاذ تدابیر لازم برای گسترش فرهنگ وقف در امور قرآنی و بهره‌گیری حداکثری از موقوفات کشور در این زمینه
۹. ارزیابی و نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی
۱۰. شناسایی نیازها، محدودیت‌ها و موانع توسعه فرهنگ قرآنی و استفاده از ظرفیت‌ها برای رفع آنها از طریق مراجع ذیربط در داخل و خارج از کشور
۱۱. تدوین اولویت‌ها و جهت‌گیری‌های کلان بودجه فعالیت‌های قرآنی و ارائه آن به شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۲. برنامه‌ریزی برای تأمین و توسعه منابع انسانی مورد نیاز

حوزه‌های مختلف امور قرآنی و کیفیت بخشی منابع موجود
 ۱۳. برنامه‌ریزی لازم برای طراحی سامانه‌های آماری و شبکه‌های اطلاع‌رسانی امور قرآنی

ماده ۵. اعضای شورای تخصصی

۱. دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی (رئیس شورای تخصصی)
۲. وزیر آموزش و پرورش
۳. وزیر علوم، تحقیقات و فناوری
۴. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
۵. رئیس نهادهای قرآنی وابسته به دفتر مقام معظم رهبری
۶. نماینده‌ی شورای عالی حوزه‌های علمیه
۷. رئیس سازمان تبلیغات اسلامی
۸. رئیس دفتر تبلیغات اسلامی
۹. رییس سازمان اوقاف و امور خیریه
۱۰. رییس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
۱۱. نماینده‌ی رییس سازمان صدا و سیما
۱۲. نماینده‌ی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی

۱۳. سه نفر از صاحب‌نظران مؤسسات آموزشی، پژوهشی و تبلیغی ترویجی قرآنی مردمی، با تصویب شورای تخصصی توسعه‌ی فرهنگ قرآنی

تبصره: دبیر شورای تخصصی توسط رئیس شورای تخصصی، برای سه سال انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد وی برای دوره‌های بعد بلامانع است.

ماده ۶. دبیرخانه‌ی شورای تخصصی

دبیرخانه‌ی شورای تخصصی، پی‌گیری تمامی امور



**امروز فرصتی تاریخی و استثنایی
است: برای این که قرآن در هدایت
فکر و عمل انسان‌ها قدرت و چیرگی
خود را نشان دهد.**

برای کلیه‌ی دستگاه‌های دولتی و عمومی و مؤسسات
مردمی لازم‌الاجراست.

ماده‌ی ۱۰

این مصوبه در ۱۰ ماده و دو تبصره در جلسه‌ی ۶۴۳ مورخ
۸۸/۲/۲۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید.

امروز فرصتی تاریخی و استثنایی است؛ برای این که قرآن در
هدایت فکر و عمل انسان‌ها قدرت و چیرگی خود را نشان دهد.
منشور توسعه فرهنگ قرآنی حاصل حدود یک دهه
تلاش علمی و کارشناسی بخش‌های مختلف قرآنی کشور
است که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۸ در شورای عالی
انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است.

این منشور، نخستین سند جامع قرآنی نظام جمهوری
اسلامی ایران است که راهنمای فعالیت‌های بخش‌های
مختلف دولتی، عمومی و مردمی در راستای توسعه‌ی فرهنگ
قرآنی خواهد بود و شورای توسعه فرهنگ قرآنی به عنوان
رکن اجرایی منشور، مسئولیت دارد که علاوه بر هماهنگی
و ساماندهی فعالیت‌های قرآنی کشور، تمهیدات لازم را
برای فرهنگ‌سازی قرآنی در عرصه‌های مختلف فرهنگی،
اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراهم آورده و تحقق آن را
پیگیری کند.

از آن جا که گستره فعالیت‌های این منشور در استان‌ها
نیز خواهد بود برای آشنایی دبیران و مدیران ارجمند مدارس
متن کامل این منشور در این جا آورده می‌شود.

* نخستین سند جامع راهبری امور قرآنی کشور

مصوب ششصد و چهل و سومین جلسه مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۲
شورای عالی انقلاب فرهنگی

مربوط به شورای تخصصی، در دبیرخانه‌ی شورای عالی
انقلاب فرهنگی تشکیل و نمودار تشکیلاتی و سازمانی آن
توسط رییس شورای تخصصی تصویب می‌شود.

ماده‌ی ۷. کمیسیون‌های تخصصی

با توجه به ماهیت قابل تفکیک فعالیت‌های قرآنی در
حوزه‌های آموزش عمومی، آموزش عالی، پژوهش و تبلیغ
و ترویج قرآنی و به منظور ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های
مربط با هر حوزه، کمیسیون‌های سه‌گانه‌ی تخصصی، زیر
نظر شورای تخصصی توسعه‌ی فرهنگ قرآنی و با این عناوین
تشکیل می‌شود:

۱. کمیسیون توسعه‌ی آموزش عمومی قرآن

۲. کمیسیون توسعه‌ی پژوهش و آموزش عالی قرآنی

۳. کمیسیون توسعه‌ی فعالیت‌های تبلیغی ترویجی قرآنی

تبصره: شرح وظایف و ترکیب اعضای کمیسیون‌های
سه‌گانه‌ی فوق، توسط شورای تخصصی تعیین خواهد شد.

ماده‌ی ۸. روند کار شورای تخصصی

۱. مسائل و طرح‌های مورد نظر شورای تخصصی، ابتدا
در کمیسیون‌های تخصصی، مطالعه و بررسی شده و پس
از تعیین اولویت، در جلسات شورای تخصصی مورد بحث و
اظهار نظر قرار می‌گیرد.

۲. مصوبات شورای تخصصی با امضای رئیس شورای
تخصصی، جهت اجرا به دستگاه‌های ذیربط ابلاغ می‌شود.

۳. در موارد نیاز، مصوبات و تصمیمات شورای تخصصی، برای
تصویب نهایی به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه می‌شود.

ماده‌ی ۹

مصوبات شورای تخصصی توسعه‌ی فرهنگ قرآنی،

آموزش تفکر در قرآن کریم

بخش دوم

مهدي مروحي
فاطمه رمضانى
فريده عصاره



بخش نخست مقاله، «نگاهی به آموزش تفکر در قرآن کریم» را در شماره‌ی قبل ملاحظه کردید. این مقاله از مجموعه تولیدات کمیته‌ی رویکرد فرهنگی - تربیتی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی است. مجموعه‌ی حاضر بخش پایانی مقاله‌ی شماره‌ی قبل به شمار می‌رود. امید است مورد استفاده‌ی شما قرار گیرد.



حوزه‌های تفکر

نظری و عملی اشاره کرد. برای رسیدن به قرب الهی که غایت اهداف تربیتی است، علم کافی نیست، بلکه ایمان (منزل دوم) به همراهی عمل، به‌عنوان سومین منزل از منازل یا اهداف واسطه‌ای، باید شناخت انسان را یاری کنند. از آن‌جا که در این حوزه، بحث ارزش‌ها مطرح است، برای شفافیت موضوع به یکی از مطالب بسیار مهمی که در حوزه‌ی تفکر شایسته است حتماً مراعات شود، وارد می‌شویم و آن «تولی و تبری» و یا «بایدها و نبایدها»ی این حوزه است.

در آموزه‌های دینی ما، بهترین و مقدس‌ترین موضوع در حوزه‌ی تفکر، تفکر در تدبیر باری تعالی و در نظام جهان

در نظام تربیتی از دیدگاه آموزه‌های دینی ما، هدف غایی از تربیت، نزدیک شدن به خدای متعال یا «قرب منزلتی» است. برای رسیدن به این مقام و منزلت ارزشمند و والای انسانی، باید این منازل و مراحل را به‌عنوان اهداف واسطه‌ای طی کرد. «علم»، «ایمان» و «عمل»^۴. این سه منزلگاه، قرب به خدای متعال را در تربیت انسانی محقق می‌سازند.

علم در یک تقسیم‌بندی، به دو موضوع «هست‌ها» و «نیست‌ها» (شناخت حقیقی) و «بایدها و نبایدها» (شناخت اعتباری) تقسیم می‌شود. به این اعتبار می‌توان به دو حکمت

هستی است که انسان را به فطرت متصل نگه می‌دارد. جهان هستی، دریای بی‌کرانی است که شایستگی آن را دارد تا فکر انسان در آن به غور بپردازد و آیات فراوانی در قرآن مجید به این موضوع اشاره می‌کنند؛ هم‌چون: «ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار ... و یتفکرون فی خلق السموات و الارض.» (۱۹۰ - ۱۸۹ - ال عمران)

موضوع دیگر، تفکر در دین است که به‌عنوان برنامه‌ی زندگی در مجموعه‌ای واحد و نظام‌دار تنظیم و عرضه شده است. گرچه قوانین دین از طرف خدا هستند، ولی چون اجرای آن‌ها به انسان سپرده شده، شایسته است انسان به فلسفه‌ی آن‌ها بیندیشد و آگاهانه آن‌ها را به منصفی ظهور برساند؛ و گرنه بدون تفکر این دستورها برای انسان، حیات طیبه را به ارمغان نمی‌آورند. تفکر در امور اجتماعی و تاریخ، برای عبرت‌گیری و تفکر درباره‌ی خود، طبیعت، به‌عنوان مخلوق خدا و قوانین و رابطه‌ی بین پدیده‌ها، تاریخ و جغرافیا، ادبیات، ریاضی، فیزیک و شیمی، تجربه‌های دانش‌آموز در مدرسه و خارج از مدرسه، و هر آن‌چه زمینه‌های تفکر را فراهم می‌سازد، از موضوعات دیگری هستند که در حوزه‌ی تفکر نظری جای دارند.

تفکر و آموزش

چنان که ذکر شد در آموزه‌های دینی ما هدف از آموزش، زمینه‌سازی برای تحقق اهداف پیامبران الهی است که از آن به «قرب منزلت» یاد شده است و پیامبران الهی از آن برای رسیدن به اهداف خود استفاده کرده‌اند. به بعضی از ویژگی‌های این نوع آموزش در آیات متعددی از قرآن اشاره می‌شود:

الف) فراهم کردن زمینه‌های تزکیه

● «کما ارسلنا فیکم رسولا من انفسکم یتلوا علیکم آیاتنا و یرکبکم و یعلمکم الکتاب و الحکمه و یعلمکم ما لم تکنوا تعلمون» [بقره / ۱۵۱]: چنان که رسول گرامی خود را بر خلق فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت کند و نفوس شما را از پلیدی و آلودگی جهل و شرک پاک و منزّه گرداند و به شما تعلیم شریعت حکمت دهد و از او هر چه را نمی‌دانید بیاموزید.

خدا بر مؤمنان منت گذاشت که رسولی از خودشان را در میان آنان برانگیخت تا بر آن‌ها «آیات خدا را تلاوت کند و نفوسشان را از هر نقص و آلایش پاک گرداند و به آن‌ها احکام

شریعت و حقایق حکمت بیاموزد؛ هرچند پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

ب) ملازمت داشتن با تفکر

گفتیم آموزش در نگاه قرآن در راستای تحقق اهداف پیامبران الهی می‌باشد و آموزش مد نظر ما هم آن آموزشی است که در مسیر رسیدن به اهداف این آیات؛ به فرموده حضرت علی(ع) عقول آدمیان را که در زیر خاک‌های جهل و بی‌خبری مدفون می‌باشند به فعلیت می‌رساند.

ج) روح علمی داشتن

این ویژگی‌ها موجب می‌شود که علم برآمده از اندیشه، موجب تولید، زایش و نوآوری آن شود. **شهید مطهری** در این مورد می‌فرماید: «اصل در علم و آموزش، زایش و نوآوری علمی است. اصلی‌ترین هدف مراکز علمی - آموزشی، پیشرفت و زایش علمی است و این پیشرفت فراهم نمی‌شود، مگر این‌که آن را از سطح شنیدن و حفظ کردن به اندیشه برساند.

داشتن روحیه‌ی علمی - یعنی روحیه‌ی نقد واقعی .

وقتی ممکن است که فهم وجود داشته باشد. ابتدا

باید مطالب دیگران را فهمید و سپس آن‌ها را نقد

کرد و این همان چیزی است که خداوند در

قرآن کریم بدان بشارت می‌دهد: «بشارت

ده بندگان را، همان کسانی که سخن

را می‌شنوند و بهترین آن را پیروی

می‌کنند» [زمر / ۱۷].

د) نافع باشد

علم نافع چه علمی است؟ حضرت

علی(ع) به این سؤال در نامه‌ای که به

فرزندش امام حسن(ع) نوشته، چنین جواب

می‌دهند: «واعلم انک انما خلقت للاخره لا للدنیا»

[آیین خردپروری: ۲۰۳]. بدان که تو برای آخرت

آفریده شده‌ای، نه برای دنیا؛ نتیجه این‌که از

نظر علی(ع) بهترین علم آن علمی است که

آخرت انسان را اصلاح کند. البته بدیهی است که آخرت در گرو

اصلاح این دنیا است؛ چرا که: «الدنیا مزرعه الاخره»

«علم»، «ایمان» و

«عمل» این سه

منزلگاه، قرب

به خدای متعال را

در تربیت انسانی

محقق می‌سازند

آن چه که نباید در حوزهی تفکر به آن پرداخت، تفکر در ذات خداوند، و راه و روش معصیت است و همهی آن مواردی است که حکمت محسوب نمی‌شود

اما قرآن عزیز معین نکرده است که آن فکر صحیح و اقوم که بشر را به سوی آن دعوت و تشویق کرده، چگونه تفکری است، بلکه تشخیص آن را به عقل فطری بشر احاله نموده است.

توجه به این که بیش از ۳۰۰ مورد دربارهی تعقل، تفکر و تدبر در قرآن آمده است، می‌توان دریافت که این فکر صحیحی که قرآن ما را به آن دعوت، و تصدیق حق و باطل، و خیر و شر را به آن واگذار کرده، همان «تفکر فطری» است که در نهاد خود ما انسان‌هاست. قرآن عمده‌ترین معیار برای معرفت و علم را تقوا معرفی می‌کند، یعنی از نظر قرآن تقوا نه تنها شرط شهود عرفانی است بلکه در فهم عقل و معرفت برهانی هم موثر می‌باشد به قدری که ادراک صحیح مفاهیم ذهنی و دید حقایق عینی در پرتو تقوا تأمین می‌شود.

این اصل مهم را مفاد آیه‌ی ۲ سوره‌ی طلاق تأیید می‌فرماید: «و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث یرید». یعنی هر کس تقوا پیشه کند، خداوند روزی او را در آن کار می‌افزاید و از راهی که درک نمی‌شود، به او روزی می‌دهد. البته این روزی فقط در مسائل اقتصادی نیست، بلکه اگر تقوا را در تأملات نظری و علمی هم ملاحظه کنیم، گرفتار مشکل نمی‌شویم.^{۱۰} هم‌چنین است آیات دیگری که در آن‌ها، خداوند تقوا را در علم معتبر، و علم پسندیده را از

غیر اهل تقوا منع کرده است؛ مثل این آیات:

• «ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا» [انفال / ۲۹].

• «من یتق الله یجعل له مخرجا» [طلاق / ۲].

• «و ما یتذکر الامن ینیب» [غافر / ۱۳].

• «فاعرض عن من تولى عن ذکرنا و ...» [نجم / ۳۰].

این موضوع در روایات، از طرف معصومین (ع) هم اعلام

ه) سوق‌دهنده‌ی فراگیرندگان به سوی طرح پرسش در قرآن کریم بیش از ۵۰ آیه آمده است (به‌صورت ماضی، مضارع و امر) که در آن‌ها به پرسش‌های مردم پاسخ داده شده است. در احادیث هم سؤال یا پرسش جایگاه ویژه‌ای دارد. پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «العلم خزائن و مفاتیحه السؤال» [برنامه‌ی درسی و پرورشی تفکر: ۷۹]. یعنی دانش گنجینه است و سؤال کلید آن.

تفکر صحیح و معیارهای آن از نظر قرآن

هیچ تردیدی نداریم که حیات انسانی، حیاتی است فکری. هر قدر فکر صحیح‌تر و کامل‌تر باشد، قهراً زندگی انسانی استوارتر خواهد بود. پس زندگی استوار، ارتباط کامل با فکر استوار دارد. خدای تعالی هم در کتاب عزیزش به طرق گوناگون و اسلوب‌های متنوع به این حقیقت اشاره کرده

• «او من کان میتا فاحییناه و جعلنا نورا یمشی به فی الناس کمن مثله فی الظلمات لیس بخارج منها».

• «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» (زمر ۸۸)

• «یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم درجات».

• «فیشر عباد الذین یرتبعون القول فیتبعون احسنه، اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم و اولوالالباب» (زمر ۱۷)

و آیات بسیار دیگری از این قبیل که نیازی به بیان همه‌ی آن‌ها نیست.

علاوه بر این، قرآن کریم بیان کرده است که فکر صحیح و طریقه‌ی درست تفکر، انسان را به چه چیزهایی هدایت می‌کند. از آن جمله فرموده است: «ان هذا القرآن یرتبعه الی اللتی هی اقوم» (اسراء ۹۱) یعنی این کتاب به طریقه‌ای هدایت می‌کند که استوارتر از آن طریقی نیست؛ طریقه‌ای است که به حکم آیات الهی زیر یک‌سره نور و صراط مستقیم است.

شده است. بدین معنا که انسان با ورود در گلستان ولایت الهی، برایش دری به ملکوت آسمان‌ها و زمین باز می‌شود که آیات بزرگ الهی را که بر دیگران مخفی است، از آن در مشاهده می‌کند. امام صادق (ع) فرمود: «اگر نه این بود که شیطان‌ها، اطراف دلی بنی آدم گردش می‌کنند، حتماً ملکوت آسمان‌ها و زمین را می‌دیدند» [المیزان، ج ۱۰: ۱۰۸؛ ذیل آیه ۹-۱۵].

راهزن‌های تفکر

این ندا، ندای آسمانی است از کتاب منزل، برای صاحبان خرد و اندیشه که: «واتقون یا اولوالالباب.» [بقره / ۱۹۷]. شاید مهم‌ترین پیام این آیه آن است که: طریق صحیح تفکر و تعقل همانا از مسیر تقواست. اما با توجه به توضیحاتی که گذشت و آیه‌ای که در خدمت آن هستیم، و نیز برای شفافیت موضوع - دام‌ها و راهزن‌های تفکر - این سؤال را مطرح می‌کنیم که: «چرا طریق صحیح تفکر و تعقل از مسیر تقواست؟»

چنان‌که گذشت، قرآن در آیه ۸ سوره‌ی حج برای رسیدن به معرفت چهارراه، حس، عقل، قلب و وحی را معرفی فرموده است. «یعنی راه رسیدن به معرفت و حقیقت هم در درون انسان است و هم در بیرون از او. راه درونی حصولی عقل و حضوری قلب است و راه بیرونی، راه وحی می‌باشد که مخصوص معصوم است و تنها دو گروه هستند که در پیمودن طریق درون و فهم طریق بیرون بی‌خطا هستند و آن‌ها انبیا و معصومین (ع) می‌باشند» [معرفت‌شناسی: ۳۲۶].

عقل نیز در صورت داشتن روش‌ها و راهکارهای صحیح، اگر به درستی پرورش یابد می‌تواند انسان را به کمال برساند.

و خوب پرورش عقل و یافتن مهارت و روش مناسب برای آن در این سخن حضرت علی (ع) کاملاً خود را نشان می‌دهد: «هدف بعثت آشکار ساختن و به فعل رساندن عقول آدمیان است که هم‌چون درّ مکنون در زیر خاک‌های جهل و بی‌خبری مدفون است. اما با داشتن این همه ظرفیت، در بسیاری از مواقع کشش‌ها و هواهای درون و بیرون، چنان توازن نهادی آن را به هم می‌زنند که هم در حیطه‌ی نظر و هم در میدان عمل، گرفتار خطا و گمراهی و مستوجب عدم تشخیص صواب و حق می‌شود؛ طوری که اندیشه‌های باطل را استوار، و اعمال شنیع را

نیک می‌پندارد (زین له سوء عمله فرآه حسنا - فاطر / ۸) به همین سبب خداوند هم گروهی از انسان‌ها را که حجت بیرونی دارند، برای هدایت عقل که حجت درونی است، مأموریت می‌دهد تا در تربیت و تکمیل آن، زمینه‌های قرب الهی را فراهم سازند.

آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌نویسند: «دستگاه‌های درونی از چند طرف باهم درگیرند. از یک طرف، قوه‌ی واهمه و عاقله باهم درگیرند و از طرف دیگر، قوه‌ی خیال با قوه‌ی عاقله. پیدایش مغالطات نیز بر اثر دخالت قوه‌ی وهمی و خیالی در کارهای عقلی است، وقتی عقل بخواهد استدلال کند، اگر قوه‌ی وهم یا خیال دخالت بی‌جا داشته باشند، قهراً مغالطه رخ می‌دهد. عقل نظری در بخش‌های ادراکی به خیال و وهم حکم می‌کند که از مرزشان نگذرند. می‌گوید شما دستیاران عقل هستید و باید مقدمات حکم را فراهم کنید، ولی در داوری عقل دخالت نکنید. و عقل عملی در بخش‌های تحریکی به خواسته‌های نفسانی می‌گوید: شما پیشنه‌ها و گزارش بدهید، اما در قلمرو عقل عملی دخالت نکنید [مراحل اخلاق در قرآن: ۴۰۵].»

می‌توان فرایند تفکر را
تکوین مفهوم، درک و
فهم اصول، حل مسئله و
تصمیم‌گیری تلقی کرد.
یا آن را شامل تعدادی از
فعالیت‌های ذهنی دانست
که خود این فعالیت‌ها شامل
سطوح وسیعی از مهارت‌ها و
راهبردها هستند

در مجموع، دام‌های بر سر راه عقل و تفکر که موجب از بین رفتن قدرت تشخیص و در نتیجه سقوط انسانیت آدمی به آن وادی می‌شود که قرآن از حیوانیت هم سافل‌تر می‌داند، در یک نگاه عبارت‌اند از:

۱. هوای نفس (الهیوی عدو عقل، آفه العقل الهوی)؛
۲. من اتباع هواه واصمه و اذله واصله؛ من ركب الهوی ادرك العمی؛
۴. شدت عاطفه (حب و بغض)؛
۵. «حس‌گرایی، تقلید، اعتماد به ظن و گرایش‌های معارض، شامل لذات آنی، آینده‌نگری افراطی و مادی، دشمنی با خدا و پیامبر(ص)» [اخلاق در قرآن، ج ۲: ۱۱۸]؛
۶. «سنت‌گرایی منفی، شخصیت‌گرایی، تبعیت از گمان، گرایش به اکثریت، غضب ناروا، شتاب‌زدگی، دل‌بستگی‌های نامعقول، خشم و کینه» [اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه]؛
۷. عدم‌ارزیابی کفایت‌الله، حب و بغض.

البته ذکر این نکته نیز ضروری است که گرچه قرآن کریم و روایات معصومین(ع)، «تقوا» را شرط رسیدن به علم و معرفت معتبر اعلام فرموده‌اند و آیات ذکر شده هم، مؤید این نظر هستند، اما «چنین هم نیست که کتاب و سنت، تقوا - تقوای توأم با تذکر - را طریق مستقلی برای رسیدن به حقایق قرار داده باشند؛ طریق جدا از طریق عقل فطری که انسان در همه‌ی شئون زندگی‌اش با آن سروکار دارد و نمی‌تواند سروکار نداشته باشد. چون اگر چنین بود، همه‌ی استدلال‌هایی که خود قرآن کریم علیه کفار و مشرکین، و اهل فسق و فجور آورده است که پیرو حق نیستند و بویی از تقوا و تذکر نیز نبرده‌اند، لغو بیهوده بود (العیاذ بالله). منظور اسلام از دعوت به تقوا این است که نفس بشر را از گم‌کردن راه فطرت و در نتیجه، از دست دادن درک فطری بازدارد، و او را به راه فطرت برگرداند [المیزان، ج ۵: ۴۳۷، ذیل آیات ۱۹-۱۵ سوره‌ی مائده].

پس در مجموع به این مطلب رسیدیم که: طبق داوری قرآن، شکوفایی اندیشه و راه‌یابی آن به مقصود، در گرو آن است که عوامل منحرف‌سازنده‌ی آن، تحت کنترل باشند.

در این صورت، یعنی وقتی این مصونیت پیدا شد، در پرتو آن علم و معرفت جدید حاصل می‌شود که مزکی است و موجب پرورش و تقویت عقل می‌شود. به عبارت دیگر، علوم نافع برای کسی حاصل نمی‌شود، مگر آن که خلق و خوی خود را اصلاح و فضایل ارزشمند انسانی را کسب کرده باشد، و این همان تقواست. این علم نافع هم وقتی نافع است که توأم با عمل باشد؛ زیرا هیچ خیری در علمی که عمل با آن نباشد، نیست. حاصل این کلام این است که: اعمال صالح، خلق و خوی پسندیده را در انسان حفظ می‌کند و اخلاق پسندیده، معارف حقه و علوم نافع را سبب می‌شود. همه‌ی این‌ها در گرو تفکر صحیح و استواری است که قرآن هدایت‌گر آن است.

پی‌نوشت

۱. مثل پژوهشگر زمین‌شناسی که وقتی لایه‌های زمین را مطالعه می‌کند، هدفش این

دعوت به تفکر در آموزه‌های دینی‌مان که هم در آیات و هم در روایات معصومین(ع) با تأکید انجام گرفته، هر نوع تفکری نیست، بلکه این دعوت ناظر بر تفکر خاصی است که هر جهت مشخص، هم عرصه‌ی معین، و هم موضوع مشخصی دارد

است که ببیند که فلان خاک در چند قرن پیش در چه حالت بوده و اکنون در چه وضعی است و در چند قرن بعد به چه صورتی درمی آید.

۲. در این نوع مشاهده، ذهن با جست و جوی یک یا چند بیان روشن از موضوع از طریق کسب اطلاعات جامع و معتبر، به تحلیل موضوع می پردازد و ضمن برخورد منظم با هر یک از شقوق مختلف تحلیل شده، به جست و جوی سؤال و دلایلی برای تأمین جواب مبادرت می کند. داوری و ارزیابی منصفانه همراه با علم و ارتباط دادن معرفت‌های جدید به دست آمده به موقعیت‌های جدید، گام‌های بعدی هستند که او را به نتیجه می‌رسانند (انعام/۷۹-۷۴).

۳. اللهم لا تخرجنی من التقصیر [اصول کافی، ج ۴: ۳۷].

۴. منظور از عمل در این جا

فقط عمل خارجی نیست،

بلکه عمل باطنی و قلبی

را هم شامل می‌شود.

۵. لن یزکو العمل

حتی یقارنه علم.

۶. ما من حرکه الا و انت محتاج فیها الی معرفه.

۷. العم بلا عمل ضلال.

۸. فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه.

۹. در بخش تفکر و آموزش به این معیار پرداخته شده است.

۱۰. اولاً مطالب علمی مبتکران را به خود نسبت ندهد، ثانیاً

در نقل آرای صاحب‌نظران امین باشد، ثالثاً تا چیزی برای او

حل نشده است، به تصدیق یا تکذیب آن مبادرت نکند، رابعاً

قبل از هضم مطلب، آن را برای دیگران بیان نکند، خامساً

در مناظره اگر چیزی برای او حل شده، آن را می‌پذیرد و

به صحت آن اعتراف کند و در قبال رقیب جدل نکند و از

هر گونه مغالطه بپرهیزد. در این صورت در مسائل علمی دچار

مشکل نمی‌شود [معرفت‌شناسی: ۲۶۸].

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج‌البلاغه
۳. اصول کافی، ج ۴
۴. المعجم المفهرس لكشف الايات القرآن
۵. قاموس قرآن
۶. تحف‌العقول
۷. مطهری، مرتضی. فرهنگ مطهر.
۸. مجموعه‌ی آثار.
۹. تعلیم و تربیت اسلامی.
۱۰. علامه جعفری. ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه.
۱۱. باقری، خسرو. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی.
۱۲. فرهنگ صبا
۱۳. فرهنگ بزرگ سخن
۱۴. دهخدا. فرهنگ فارسی معلم.
۱۵. عمید. فرهنگ معاصر فارسی.
۱۶. بهشتی، سعید. آیین خردپروری.
۱۷. محمدی ری‌شهری. حکمت و علم در قرآن و حدیث.
۱۸. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. اهداف تربیت از دیدگاه اسلام.
۱۹. مصباح. اخلاق در قرآن (۲).
۲۰. آیت‌الله آملی. مراحل اخلاق در قرآن.
۲۱. ملکی، حسن. برنامه‌ی درسی و پرورش تفکر.
۲۲. خوانساری. منطق صوری
۲۳. آیت‌الله آملی. معرفت‌شناسی.
۲۴. حسین‌زاده. معرفت‌شناسی و مبانی معرفت دینی.

هرچه سؤال‌ها بیشتر برخاسته از نیازهای روحی، روانی و جسمی مخاطب (نیاز فطری) باشند، و هرچه نتیجه، در زندگی مخاطب ثمربخش‌تر باشد (کاربردی باشد)، پی‌گیری سؤال جدی‌تر و پویایی ذهن برای رسیدن به مطلوب بیشتر خواهد شد



لیلا خدام
کارشناس ارشد کلام و عقاید اسلامی

روش‌شناسی قرآن کریم در آموزش توحید به سبک پرسش و پاسخ

خانم لیلا خدام، کارشناس ارشد کلام و عقاید اسلامی است ایشان تاکنون چند مقاله برای مجله ارسال کرده است. کارهای ایشان در ارتباط با «روش‌شناسی قرآن کریم» در بیان موضوعات گوناگون بوده و به گفته‌ی خودشان حاصل زحمات تدریس و پژوهش ایشان در این زمینه است. امیدواریم با مطالعه‌ی این مقاله، در تدریس بخش‌های توحید کتاب دینی و قرآن موفق‌تر عمل کنیم.

آموزش به روش پرسش و پاسخ یکی از روش‌هایی است که در قرآن و سنت در موضوعات گوناگون و از جمله در آموزش توحید، از آن استفاده شده است

چکیده

«روش پرسش و پاسخ» یکی از روش‌های آموزشی است که سابقه‌های بسیار طولانی دارد. در این روش، معلم به‌طور مستقیم به تدریس مطالب نمی‌پردازد، بلکه با طرح چند سؤال و بهره‌گیری از معلومات دانش‌آموزان، ذهن آنان را به‌مطلب موردنظر رهنمون می‌شود و آنان را برای رسیدن به مجهول، به تلاش و تفکر وامی‌دارد. آموزش به روش پرسش و پاسخ یکی از روش‌هایی است که در قرآن و سنت در موضوعات گوناگون و از جمله در آموزش توحید، از آن استفاده شده است. در این مقاله به نمونه‌ای از آن اشاره خواهد شد.

کلید واژه‌ها: قرآن، توحید، آموزش، روش آموزش، روش‌های تعلیمی، روش پرسش و پاسخ.

درآمد

تدریس به شیوه‌ی پرسش و پاسخ سابقه‌ای به بلندای تاریخ دارد، هرچند که به شکل غیررسمی و ابتدایی بوده است. صورت رسمی کاربرد این روش در آموزش، به زمان **سقراط**، فیلسوف یونانی (۳۹۹-۴۷۰ قبل از میلاد مسیح) برمی‌گردد. سقراط این روش را به‌جای «گفتار یک‌سویه» برگزید. روشی که او پیش گرفت، گونه‌ای «گفت‌گو» بود. او تلاش می‌کرد به سنجش عقیده و دانش کسانی که با آنان در گفت‌وگوست بپردازد تا با نشان دادن نادرستی آن‌ها به خودشان، آنان را به اندیشیدن و جست‌وجو برانگیزد. سقراط با استفاده از پرسیدن سؤال، یادگیرندگان را به فکر وامی‌داشت و بنیان ایده‌ها و دانسته‌های نادرست را متزلزل می‌کرد تا نتیجه‌ای که مورد نظر او بود، حاصل شود [آقازاده، ۱۳۸۴: ۳۴۱].

الف) توضیح روش پرسش و پاسخ

در تدریس به شیوه‌ی پرسش و پاسخ، معلم دانش‌آموز

اصول روش پرسش و پاسخ

روش پرسش و پاسخ بر سه اصل متکی است که عبارت‌اند از:

- برانگیختن حس کنجکاوی در دانش‌آموزان؛
- طرح سؤال‌های متوالی؛
- هدایت ذهن یادگیرنده برای کشف آگاهانه‌ی مسئله (خود اکتشافی) [شعبانی، ۱۳۸۵: ۴۴۷].

ویژگی‌های سؤال

معلم علاوه بر رعایت اصول سه‌گانه‌ی فوق، باید نکات زیر را نیز در طراحی سؤال مدنظر داشته باشد:

- سؤال باید روشن و واضح باشد و اصطلاحات و مطالب نامأنوس نداشته باشد تا دانش‌آموز معنی دیگری از آن برداشت نکند.
- در سؤال باید از کلمات ساده استفاده شود. زیرا سؤال باید دانش، نگرش و مهارت فراگیرنده را بسنجد، نه مهارت زبانی او را.
- سؤال باید معقول باشد و با میزان دانش و فهم گیرنده متناسب باشد.
- سؤال باید مرتبط با بحث مورد نظر باشد.
- سؤال باید تفکر برانگیز و چالش‌افزا باشد، نه پیش‌پافتاده.
- سؤال نباید طوری طرح شود که جواب آن فقط بله و یا خیر و یا یک جمله‌ی کوتاه باشد. زیرا باید دانش‌آموز را به تفکر وا دارد.

آنان که به صانع خود اقرار دارند، بر دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای که موحد هستند و معتقدند که صانع یکتاست و چیزی شریک او نیست، و دسته‌ی دیگر مشرکانند

ویژگی‌های جواب

هنگام ارائه‌ی پاسخ، معلم باید به دو نکته‌ی زیر دقت کند:

اول آن‌که نباید میان پرسش و پاسخ از نظر زمانی فاصله‌ای نامعقول وجود داشته باشد. چرا که به‌طور طبیعی، انگیزه‌ی فهم مطلب در زمان ایراد سؤال برای سؤال‌کننده، به مراتب بیشتر از زمانی است که پاسخ سؤال خود را با تأخیر دریافت کند.

و دوم آن‌که معلم هنگام ارائه‌ی پاسخ به سؤالات، بهتر است پاسخ به هر سؤال را به شکل متمایز، جداگانه و مشخصی در اختیار پرسش‌گر قرار دهد تا از بروز هر گونه تداخل میان پاسخ‌ها و در نتیجه سرگردانی او، جلوگیری کند [برومند، ۱۳۸۵: ۲۲۰-۲۱۹].

ب) روش پرسش و پاسخ در قرآن و سنت

روش پرسش و پاسخ از جمله روش‌هایی است که در قرآن از آن استفاده شده و از سوی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و معصومین (علیهم‌السلام) نیز مورد توجه قرار گرفته است. مثلاً در سیره‌ی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آورده‌اند که ایشان در روند آموزش و تعلیم خود، در موارد زیادی سؤال می‌کرد تا جواب سؤال، یا به واسطه‌ی خود فراگیرندگان به‌دست آید و یا به جواب سؤال نزدیک شوند و یا حداقل زمینه‌ی بهتری برای پاسخ صحیح توسط خود پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فراهم آید. در این روش، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ضمن بیرون کشیدن اطلاعات مخاطبین و ارزیابی وسعت دایره‌ی اطلاعات آن‌ها، متناسب با آن، جواب می‌داد. نکته‌ی جالب آن است که پرسش‌های پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) کاملاً به‌صورت دقیق و متناسب با موقعیت و در فاصله‌های زمانی مشخصی بود تا مخاطب خود شخصاً درگیر موضوع شود و فرصت تفکر بیابد [سروریان، ۱۳۸۵: ۹-۵].

در قرآن نیز، در موقعیت‌ها و موضوعات متفاوت از این روش استفاده شده است که به نمونه‌ای از این آیات در موضوع توحید اشاره می‌شود.

- برای به تفکر واداشتن دانش‌آموزان، در پی پرسش و طرح سؤال‌هایی باشیم که با واژه‌های استفهامی، نظیر چه زمانی، چه‌طور، کجا و... آغاز شوند.
- سؤال‌هایی باید پرسیده شود که دانش‌آموزان را وادار کند، دست به مقایسه، تفسیر، تحقیق، استنباط، حدس و... بزنند.
- سؤال باید منظور مشخصی را تعقیب کند و هدفدار باشد.
- سؤال باید حتی‌الامکان مختصر و با سن، استعداد و پایه‌ی تحصیلی دانش‌آموز تناسب داشته باشد.
- سؤال نباید فقط حافظه و معلومات حفظی را بسنجد؛ جمله‌ای که برای سؤال به کار می‌رود، حاوی چند سؤال نباشد؛ بلکه فقط یک سؤال را مطرح کند؛
- سؤال نباید جواب را هم دربر داشته باشد [همان، ص ۳۴۴-۳۴۲؛ صفری، ۱۳۸۵: ۲۲۰: ۲۱۹].

آیهی ۲۱ سورهی مبارکهی یونس می‌فرماید:

«قل من یرزقکم من السماء والارض امن یملک السمع والابصر و من یرجح الحی من المیت و یرجح المیت من الحی و من یدبر الامر فسیقولون الله فقل افلا تتقون»؛ بگو کیست که شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا کیست که بر شنوایی و بینایی‌ها فرمانرواست؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و کیست که کار [جهان و جهانیان] را تدبیر می‌کند؟ خواهند گفت: خدای. بگو: پس آیا [از کیفر پرستش غیر او] نمی‌پرهیزید؟! [۱]

بیان تفسیر آیه

«قل من یرزقکم من السماء»؛ ای محمد به این مشرکان بگو: - از این بت‌هایی که می‌پرستید- کیست که از آسمان، به وسیلهی فرو فرستادن باران، شما را روزی دهد؟ «و الارض»؛ و از زمین با بیرون آوردن گیاه و انواع میوه‌جات روزی‌تان دهد. و گفته شده است: از آسمان با تقدیر روزی دهد و از زمین به وسیلهی تسبیب روزی نماید [طبری، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱۱: ۸۰].

«امن یملک السمع والابصار»؛ کیست که بر قوهی شنوایی و بینایی (شنیدنی‌ها و دیدنی‌ها) شما مالک و فرمانرواست؟ چنان‌چه بخواهد، قوهی شنوایی شما را زیاد می‌کند و اگر بخواهد، آن را از شما سلب و شما را کم می‌کند. هم‌چنین، چنان‌چه بخواهد، نور چشمان شما را زیاد می‌کند و یا اگر بخواهد، نور آن را از بین می‌برد و شما را کور قرار می‌دهد [پیشین].

صاحب «تفسیر بیان السعاده»، علت این‌که در این آیه از میان تمام قوای مدرک، به مدرکات جزئی محسوس اکتفا شده و از بین آن‌ها، شریف‌ترین و نافع‌ترین آن‌ها برای انسان که چشم و گوش باشد، ذکر شده است را در این می‌داند که مملوک بودن قوای دیگر غیر از چشم و گوش، به‌طریق اولی است و مقصود از مالک بودن خدای تعالی این است که آن‌ها تحت قدرت او هستند؛ به نحوی که احدی جز خدا در آن‌ها دخالتی ندارد [گنابادی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۲: ۳۰۱].

«و من یرجح الحی من المیت و یرجح المیت من الحی»؛ و کیست که زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ [ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۱۰: ۱۳۹]. مفسران در تفسیر این عبارت، اقوال مختلفی را ذکر کرده‌اند؛ مانند خارج کردن زنده از نطفه و نطفه از زنده [طوسی، بی‌تا، ج ۵: ۳۷۱]. و یا خارج کردن جوجه از تخم و تخم از پرنده و یا خارج کردن انسان از نطفه و نطفه از انسان و یا خارج کردن مؤمن از کافر، و کافر از مؤمن و... [ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱: ۷۲] که همه‌ی این اقوال بیانگر مصادیقی از تفسیر کلی آیه - یعنی خارج کردن زنده از مرده و مرده از زنده هستند.

«و من یدبر الامر»؛ و کیست که امر آسمان و زمین و آن‌چه در آن‌هاست و امر شما و امر خلق را تدبیر کند؟ [طبری، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱۱: ۸۰]. کیست که همه کارها را بر طبق حکمت در آسمان و زمین تدبیر کند؟ [طبری، بی‌تا، ج ۵: ۱۶۲].

«فسیقولون الله»؛ به‌زودی اعتراف کنند که او خدای تعالی است که همه‌ی این کارها را انجام دهد، و بت‌ها قدرت آن را ندارند [طبری، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱۱: ۸۰]. صاحب «مجمع‌البیان» می‌نویسد: از این آیه استفاده می‌شود که اینان به خالق و آفریدگار خود اعتراف و اقرار داشتند، اگرچه مشرک بودند. زیرا جمهور عاقلان - به‌جز اندکی از ملحدان از فلاسفه - خدا را اقرار دارند. و آنان که به صانع خود اقرار دارند، بر دو دسته تقسیم شوند: دسته‌ای

که موحد هستند و معتقدند که صانع یکتاست و چیزی شریک او نیست، و دسته‌ی دیگر مشرک‌اند [طبری، بی‌تا، ج ۵: ۱۶۲]. و ابن عاشور می‌گوید که همانا خداوند از ایشان خبر می‌دهد که آن‌ها معترف‌اند که رازق، خالق و مدبر، همان خداست؛ زیرا ایشان غیر از این معتقد نبودند. همان‌طور که این خبر از ایشان در آیات بسیاری از قرآن تکرار شده و این نوعی تحدی برای ایشان است. زیرا اگر می‌توانستند، این نسبتی که به ایشان داده

یکی از روش‌هایی که برای تعلیم توحید به مشرکان می‌توان از آن استفاده کرد، اعتراف گرفتن از خود آن‌هاست، یعنی از معلومات و مقبولات آنان استفاده شود

داشت، تا آن رب از پرستنده‌ی خود راضی شود و با رضایت خود بر کاتش را بر او ارزانی دارد و خشم و غضبش را از او باز دارد. حتی که علیه این عقیده خرافی اقامه شده این است که تدبیر عالم انسانی و سایر موجودات، همه و همه به دست خدای سبحان است، نه به دست غیر او، براساس آن چه که مشرکین، خود، به آن معترف بودند. پس واجب است، تنها او را یگانه در ربوبیت بدانند و غیر او را نپرستند [طباطبایی، ۱۴۱۷ هـ.ق. ج ۱۰: ۵۰].

در تفاسیر دیگر نیز، ذیل این آیه تفسیری مشابه تفسیر طبری بیان شده است [ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ هـ.ق. ج ۱۰: ۱۳۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ هـ.ق. ج ۲: ۳۴۵؛ طبرسی، بی تا، ج ۵: ۱۶۲].

روش تعلیم توحید در آیه

در این آیه، خداوند مشرکان را مورد خطاب قرار داده است^۱ و از آنان می‌پرسد: رازق آنان کیست و چه کسی از آسمان و زمین به آنان روزی می‌دهد؟ و باز از حواس آنان پرس‌وجو می‌کند و از بین این حواس به دو قوه‌ی شنوایی و بینایی اشاره می‌کند و می‌پرسد: چه کسی در این دو قوه مالک و فرمانرواست؟ در ادامه، از خارج‌کننده‌ی زنده از مرده و مرده از زنده سؤال می‌کند و در پایان از مدبر این جهان می‌پرسد و می‌گوید: چه کسی امر آسمان و زمین و آن چه در آن‌هاست و امر شما و امر خلق را تدبیر می‌کند؟ خداوند با طرح این سؤالات مخاطبین آیه را به تفکر وادار می‌دارد تا درباره‌ی رازق، مالک، خالق و مدبر این جهان فکر کنند و از این طریق به اشتباه خود در مورد عبادت بت‌ها پی ببرند. بدانند آن کسی که شایسته‌ی عبادت است، تنها خداوند یکتاست که رازق، مالک و مدبر همه‌ی اشیاست، نه بت‌هایی که هیچ‌نفع و ضرری نمی‌توانند برسانند.

در ادامه و پس از آن که با طرح سؤالات مذکور مخاطبان را به تفکر واداشت، می‌گوید آنان در پاسخ خواهند گفت: «الله» و این بیانگر آن است که آنان به رازقیت، مالکیت و مدبر بودن خداوند معترف بودند و خداوند با طرح این

می‌شود را انکار می‌کردند، ولیکن ترس ایشان از ننگ کذب، ایشان را از آن منصرف می‌کند. لذا خداوند برایشان حجتی اقامه می‌کند و می‌فرماید: «فقل افلا تتقون» [ابن‌عاشورا، بی تا، ج ۱۱: ۷۳].

«فقل افلا تتقون»: چون این اعتراف را کردند، بگو: آیا در مورد پرستش بت‌ها و عبادت شیئی همراه با عبادت خداوند، از عقاب خدا نمی‌ترسید؟ در حالی که آن شیء نه به شمار روزی می‌دهد و نه این که برای شما ضرر و نفعی را مالک است و نه کاری انجام می‌دهد [طبری، ۱۴۱۲ هـ.ق. ج ۱۱: ۸۰].

فخر رازی، در تفسیر «فسیقولون الله فقل افلا تتقون» می‌نویسد: خدای تعالی بیان کرد که ای رسول، اگر از مدبر این امور از ایشان سؤال کنی، در پاسخ می‌گویند: خدای تعالی. این دلالت می‌کند که مخاطبین این کلام، خدا را می‌شناختند و به آن اقرار داشتند. و اینان کسانی هستند که در عبادت بت‌ها می‌گفتند ما به وسیله‌ی این بت‌ها، به خداوند تقرب می‌جوئیم و اینان نزد خدا شفاعت ما را خواهند کرد. در حالی که می‌دانستند که این بت‌ها نه نفعی دارند و نه ضرری می‌رسانند. پس به همین خاطر به رسولش می‌گوید: «فقل افلا تتقون»، یعنی چرا پرهیز نمی‌کنید از این که این بت‌ها را در عبادت شریک خدا قرار ندهید، با این که اعتراف می‌کنید که همه خیرها در دنیا و آخرت از رحمت و احسان خداوند است و اعتراف می‌کنید که این بت‌ها نفع و ضرری ندارند [فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ هـ.ق. ج ۱۷: ۲۴۷].

علامه آورده است که: در این آیه حجتی قاطع بر ربوبیت خدای تعالی برای وثنی‌ها و بت‌پرستان اقامه شده است. بدین منوال که بت‌پرستان با پرستش بت‌ها و ارباب بت‌ها را می‌پرستیدند که به عقیده‌ی آنان، مدبر عالم کون بود و هر یک از آن رب‌های گوناگون را به‌خاطر تدبیر خاصی که آن رب داشت، می‌پرستیدند. مثلاً ساکنان سواحل، رب دریا را می‌پرستیدند و ساکنان کوهستان‌ها، رب کوه‌ها را و هم‌چنین اهل هر رشته از علوم صناعات، و اهل جنگ و غارت، و هر طایفه‌ای دیگر ربی را می‌پرستیدند که تدبیر آن رب با هم و غم و هدفی که آنان از عبادت داشتند، تناسب

سؤالات، مقبولات و مسلمات آنان را به خودشان یادآور شد. از همین مقبولات و مسلمات نیز آنان را به نتیجه‌ی نهایی که همان پرستش خداوند یکتا و نفی عبادت بت‌هاست، رهنمون شد. و سرانجام آنان را مورد مؤاخذه قرار می‌دهد که: «شما می‌دانید و اقرار می‌کنید که آفریدگار و کردگار همه چیز، الله است، پس چرا تقوایبش نمی‌کنید و علی‌رغم این دانشتان، باز هم بت‌ها را می‌پرستید و به خدای تعالی شرک می‌ورزید؟»

پس یکی از روش‌هایی که برای تعلیم توحید به مشرکان می‌توان از آن استفاده کرد، اعتراف گرفتن از خود آن‌هاست، یعنی از معلومات و مقبولات آنان استفاده شود. بهتر است این مقبولات را به صورت سؤالی مطرح کنیم تا بدین ترتیب، هم آن‌ها را به آن چه که می‌دانند و قبول دارند، متذکر شویم و هم از آنان اعتراف بگیریم، تا شاید بدین وسیله متوجه اشتباه خود شوند.

هم چنین، شاید بتوان گفت که از این روش می‌توان برای مؤمنینی که دچار غفلت شده‌اند نیز استفاده کرد. می‌توان به وسیله‌ی طرح چند سؤال، مقبولات آنان را به خودشان یادآور شد و آنان را از خواب غفلت بیدار کرد.

ج) نتیجه‌گیری

روش پرسش و پاسخ یکی از روش‌هایی است که در امر تعلیم توحید در قرآن از آن استفاده شده است. به کمک این روش می‌توان مخاطب را به تفکر واداشت و حس کنجکاوی را در او برانگیخت و با طراحی سؤالات برنامه‌ریزی شده و بهره‌گیری از معلومات خودشان، آنان را به نتیجه‌ی موردنظر رهنمون شد.

پی‌نوشت

۱. همان‌طور که جناب طبرسی و فخر رازی نیز اشاره کرده‌اند، از این آیه چنین استفاده می‌شود که خطاب در این آیه شامل همه مردم نبوده و بلکه فقط خطاب به کسانی است که رازقیت و مالکیت و تدبیر خداوند و اینکه همه امور جانب خداست اعتراف دارند بنابراین باید گفت که مخاطبین این آیه مشرکان می‌باشند.

منابع

۱. آقازاده، محرم. راهنمای روش‌های نوین تدریس (بر پایه‌ی پژوهش‌های مغز محور، ساخت‌گرایی، یادگیری از طریق هم‌بازی، فراشناخت...). آیزن. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۴.
۲. شعبانی، حسن. مهارت‌های آموزشی: روش‌ها و فنون تدریس. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). تهران. چاپ چهارم. ۱۳۸۵.
۳. صفوی، امان‌الله. کلیات روش‌ها و فنون تدریس. تهران. چاپ دوازدهم. ۱۳۸۵.
۴. برومند، سید مهدی. شیوه‌های تعلیم در قرآن و سنت. کتاب مبین. رشت. چاپ اول. ۱۳۸۰.
۵. سروریان، حمیدرضا. «روش‌های آموزش و تربیت دینی در سیره‌ی عملی پیامبر اعظم (صلی‌الله علیه و آله). ماه‌نامه‌ی آموزشی - اطلاع‌رسانی معارف. شماره‌ی ۴۴. اسفند ۱۳۸۵؛ برگرفته از: www.maarefmags.com.
۶. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر. جامع‌البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱). دارالمعرفه. بیروت. چاپ اول. ۱۴۱۲ هـ. ق.
۷. گنابادی، سلطان محمد. تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده (ج ۲). مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات بیروت. چاپ دوم. هـ. ق.
۸. ابوالفتح رازی، حسین‌بن‌علی. روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن (ج ۱۰). تحقیق. دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمدمهدی ناصح. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. مشهد. ۱۴۰۸ هـ. ق.
۹. طوسی، محمدبن‌حسن. التبیان فی تفسیر القرآن. با مقدمه‌ی شیخ آقابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قیصر عاملی. دار احیاء التراث العربی. بیروت. [بی‌تا].
۱۰. ابن‌عاشور، محمدبن طاهر. التحریر و التنویر (ج ۱۱). [بی‌تا]. [بی‌تا].
۱۱. طبرسی، فضل‌بن‌حسن. تفسیر جوامع الجامع (ج ۵). انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم. تهران. ۱۳۷۷.
۱۲. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر. مفاتیح الغیب (ج ۱۷). دار احیاء التراث العربی. بیروت. ۱۴۲۰ هـ. ق.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. (ج ۱۷). دارالاحیاء التراث العربی. بیروت. ۱۴۲۰ هـ. ق.
۱۴. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر. مفاتیح الغیب (ج ۱۰). دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ پنجم. ۱۴۱۷ هـ. ق.
۱۵. زمخشری، محمود. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (ج ۲). دارالکتب العربی. بیروت. چاپ سوم. ۱۴۰۷ هـ. ق.

همراه با کتاب

دانش‌نامه‌ی علوم قرآنی

پرتوی از نور



ایکنا: نخستین جلد از مجموعه‌ی دانش‌نامه‌ی علوم قرآنی، به سرپرستی حجت‌الاسلام و المسلمین سید سعید حسینی، از سوی مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم منتشر شد.

حجت‌الاسلام و المسلمین سیدسعید حسینی، سرپرست این دانش‌نامه، گفت: «اکنون دانش‌نامه‌ی علوم قرآنی که شامل مباحث علوم قرآنی به‌کار رفته در دایره‌المعارف قرآن کریم و مجموعه‌ی فرهنگ قرآن است، به‌صورت مستقل آماده‌ی چاپ است.»

وی ادامه داد: «مطالب دانش‌نامه‌ی علوم قرآنی، به‌صورت موضوعی انتخاب و به‌صورت الفبایی تنظیم شده است.»

حسینی تصریح کرد: «در نخستین جلد این دانش‌نامه، ۵۰ مقاله‌ی موضوعی درباره‌ی علوم قرآن به‌کار رفته است. آیه‌های نام‌دار، اسباب نزول، سوره‌های قرآن، حروف مقطعه و... برخی از موضوعات مقالات به‌کار رفته در این دانش‌نامه هستند.

وی در پایان گفت: «هم‌چنین، دانش‌نامه‌های اخلاق، برهان‌ها و اعجاز‌های قرآن نیز در دست آماده‌سازی برای انتشارند.»

ایکنا: مؤسسه‌ی درس‌هایی از قرآن، دوره‌ی ۱۱ جلدی «پرتوی از نور» را در قالب یک جلد منتشر کرد.

کتاب «پرتوی از نور» به قلم حجت‌الاسلام و المسلمین محسن قرائتی، خلاصه‌ای از مباحث تفسیری ارائه شده درباره‌ی تفسیر قرآن، برگرفته از کتاب «تفسیر نور» است.

این کتاب، پیش از این در قطع پالتویی و در قالب مجموعه‌ای ۱۱ جلدی منتشر شده بود و حال، خلاصه‌ای از مباحث تفسیری ارائه شده در کتاب تفسیر نور را به‌صورت دسته‌بندی شده بود. و تک‌جلدی روانه‌ی بازار کتاب کرده است.

مؤسسه‌ی فرهنگی درس‌هایی از قرآن، دوره‌ی تک‌جلدی این مجموعه را که دربرگیرنده‌ی تمامی نکات ارائه شده در دوره‌ی ۱۱ جلدی آن است، با شمارگان ۱۰۰۰۰ نسخه و قیمت ۶۰۰۰ تومان، به بازار آورده است.

حضور متن آیات، ترجمه، شأن نزول و ریشه‌ی کلمات در هر آیه، بیان آیات و روایات مرتبط با هر آیه و ارائه‌ی نکات تفسیری، از ویژگی‌های این کتاب و نیز «تفسیر نور» به شمار می‌رود.





ارتباط هستی و انسان با خدا

حسین صدقی نیا

نشر سایه روشن / چاپ اول ۱۳۸۸

کتاب «ارتباط هستی و انسان با خدا» (تکوینی و تشریحی) با استناد به قرآن کریم و تفاسیر معتبر شیعه و سنی، منتشر شد. در فصل اول این کتاب، وضعیت هستی و انسان به طور جداگانه تبیین و در فصل دوم نیز ارتباط (وابستگی) هستی و انسان به خداوند و همچنین سیطره‌ی فرارتاباطی خداوند بر هستی و انسان از منظر جهان‌بینی توحیدی، با استناد به آیات قرآن کریم تشریح شده است.

نویسنده، حسین صدقی نیا، در مقدمه‌ی کتاب آورده است: «ارتباط، نظیر همه‌ی اجزای نظام هستی، از آفریده‌ها و مخلوقات خداوند است و نخستین ارتباط نیز با تعلق اراده‌ی خداوند متعال از طریق صدور فرمان تکوینی «کن» به معنای «باش» یا «موجود شو» با هر مخلوقی برقرار شده است. مخلوقات نیز بلافاصله با «فیکون» یا «موجود شدن» به این ارتباط برقرار شده از طریق صدور فرمان الهی پاسخ داده‌اند. در میان همه‌ی ارتباطات و کارکردهایی که هستی و انسان در طول سیر تکوین و تکامل خود می‌توانند داشته باشند، هیچ چیز به اندازه‌ی ارتباط خدا با آن‌ها برایشان نقش تعیین‌کننده و حیاتی ندارد، زیرا آفرینش اولیه و تداوم بقای مخلوقات، صرفاً در گرو این ارتباط است...»

تصویر عصر جاهلی در قرآن



انسیه خزعلی

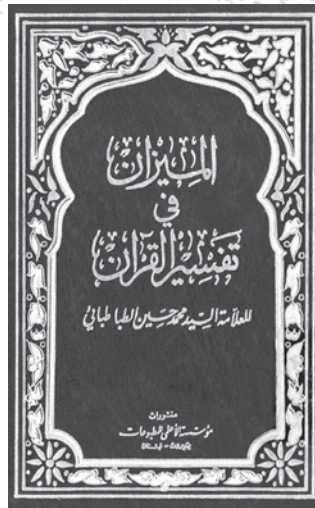
انتشارات امیرکبیر / چاپ اول ۱۳۸۷

یکی از مسائل مورد بحث و مناقشه‌ی محققان و اندیشمندان معاصر جهان عرب، تاریخ دوره‌ی جاهلیت، و آداب و رسوم و فرهنگ حاکم بر عصر جاهلی قبل از ظهور اسلام است.

این که آیا مردم عصر جاهلی مردمی متمدن بوده‌اند یا متوحش؟ این که اگر جاهلیت تمدن داشته، در چه سطح و حدی بوده است؟ یا سواد در جاهلیت چه درصدی از مردم را پوشش می‌داده و میزان آشنایی مردم جاهلی با ادب و هنر در چه سطحی بوده است؟ این که میزان نفوذ خرافات و افسانه‌ها در عصر جاهلی چگونه بوده یا ادیان آسمانی تا چه حد در ساختار جامعه‌ی عصر جاهلی نقش ایفا کرده‌اند، از جمله سؤالات بحث‌برانگیز پیش روی تحلیل‌گران تاریخ است که هر یک با نگاهی خاص به آن پاسخ داده‌اند.

نویسنده‌ی این کتاب چنان که در مقدمه آورده، معتقد است که روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش، ویژگی خاصی دارد. نگارنده با استناد به قرآن کریم، به مثابه قوی‌ترین و معتبرترین اسناد تاریخ بشر که تاکنون بدون کوچک‌ترین تحریف حفاظت شده است، تصویری از عصر جاهلی ارائه کرده است که عاری از شبهات پژوهش‌های مشابه است...»





ویژگی‌ها و امتیازات تفسیر المیزان

سید احمد محمودزاده
دبیر دینی و قرآن شهر تهران

استفاده شده است. مثلاً زیر آیهی «کتب علیکم الصیام» که آیه را با توجه به موارد استعمال آن در قرآن و آیاتی که در آن این کلمه به کار رفته است، معنی کرده است [المیزان ج ۲: ۷].

ب) در تفسیر یک آیه، از آیات دیگری که در همان موضوع است، برای توضیح و یا تأیید استفاده کردن: درباره‌ی آیهی «و اذ قال ربک للملائکته انی جاعل فی الارض خلیفه»، این سؤال مطرح می‌شود که آیا خلافت به شخص حضرت آدم اختصاص دارد و یا شامل نوع انسان و فرزندان آدم هم می‌باشد؟ در این جا، علامه طباطبایی به ذکر آیاتی می‌پردازد که خلافت را به عموم انسان‌ها نسبت داده‌اند؛ مثلاً: «ثم جعلناکم خلایف فی الارض».

ج) موضوعاتی از معارف قرآن را انتخاب و با توجه به واژه‌هایی که در ارتباط با آنها هستند، آیات مربوط را گردآوری و مورد مطالعه و بحث قرار دادن: مثلاً در بحث از «جهاد»، آیاتی که این کلمه و کلمات دیگری چون «قتال» در آنها آمده است، با استفاده از «معجم المفهرس»، از قرآن استخراج و سپس دسته‌جمعی می‌شوند و مورد بحث قرار می‌گیرند. این مرحله نیز قبل از تفسیر المیزان مورد توجه بوده و پس از آن نیز به عنوان «تفسیر موضوعی» رواج یافته است. البته روشن است که از این طریق، همه‌ی آیات مربوطه را نمی‌توان به دست آورد، زیرا ممکن است آیاتی هم باشند که واژه‌های انتخاب شده در آنها

کلید واژه: قرآن، تفسیر، علامه طباطبایی، قرآن به قرآن
تفسیر المیزان، در میان همه‌ی تألیفات استاد علامه طباطبایی، از برجستگی خاصی برخوردار است و در مجموع آثاری که در عصر حاضر از سوی حوزه‌های علمیه منتشر شده است، در رتبه‌ی اول قرار دارد. آنچه این تفسیر گران قدر را نسبت به دیگر تفاسیر ممتاز می‌کند، ویژگی‌های خاص آن است که به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱. روش تفسیر قرآن به قرآن

آیا این شیوه‌ی تفسیر، از ابتکارات علامه طباطبایی شمرده می‌شود؟ برخی از نویسندگان چنین اظهار کرده‌اند که این روش را برای اولین بار علامه مجلسی در کتاب «بحار الانوار» ابلاغ کرده است، چرا که برای هر موضوع، قبل از نقل روایات مربوط به آن، ابتدا آیات متناسب با آن را مطرح کرده و اقوال برخی از مفسران را زیر آن آورده است.

ولی به نظر می‌رسد که تفسیر قرآن به قرآن، مراحل و مراتبی دارد که مراحل ابتدایی و ساده‌ی آن در دیگر تفاسیر نیز دیده می‌شود؛ هر چند که در تفسیر المیزان، مرتبه‌ی عالی و کامل آن به بار نشسته است:

الف) به دست آوردن مفهوم یک واژه‌ی قرآنی با توجه به استعمالات آن در دیگر آیات: این مرحله از گذشته‌ی دور بین مفسران سابقه داشته و در «المیزان» نیز به خوبی از آن

در تفسیر المیزان، مرتبه‌ی عالی و کامل تفسیر قرآن به قرآن به بار نشسته است، اما مراحل ابتدایی و ساده‌ی آن در دیگر تفاسیر نیز دیده می‌شود

نباشند، ولی به موضوع مربوط باشند.

د) قرآن را به عنوان یک سلسله آیات و معارف مربوط به هم و به یکدیگر پیوسته مورد مطالعه قرار دادن: به گونه‌ای که برای رسیدن به دیدگاه قرآن در هر موضوع، همه‌ی آیات را مطالعه کنیم و مبنای هر مطلب را از مواضع مختلف قرآن به دست آوریم. سپس تأثیرات بحث مورد نظر را در دیگر مطالب پی‌گیری کنیم. این گونه تفسیر موضوعی، علاوه بر مزایای مراحل گذشته، خود دارای امتیازات فراوانی است؛ هر چند کار چندان ساده هم نیست.

مرحوم علامه طباطبایی، در بحث جهاد، پس از آن که آیات قتال را دسته‌بندی می‌کند، برای تبیین حقیقت جهاد اسلامی، فطرت را پایه و اساس بحث قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که جهاد نیز چون توحید و اسلام بر اساس فطرت بنا نهاده شده است. پس دفاع از آن نیز، حقی فطری است. بالاخره در پرتو آیات گوناگون به این نکته‌ی بسیار مهم می‌رسد که: «ان القتال سواء كان بعنوان الدفاع عن المسلمین او عن بیضه الاسلام او کان قتالا ابتدائیا کل ذالک بالحقیقه دفاع عن حقیقه الانسانیه فی حیاتها... [المیزان، ج ۲: ۶۵]. چون در این روش، واژه‌ها در گردآوری آیات نقش تعیین‌کننده ندارند، لذا در بررسی موضوعاتی که در قالب واژه‌های خاص نمی‌گنجد، هیچ‌گونه معذوری وجود ندارد. به عنوان نمونه، در تفسیر المیزان، بحث گسترده‌ای تحت عنوان «کلام فی المرباطه فی المجتمع اسلامی» در ۱۵ فصل وجود دارد که اغلب عناوین این فصول را از راه معجم الفهرس نمی‌توان در قرآن مورد پی‌گیری قرار داد؛ مثل بحث از حریت در اسلام، شیوه‌ی تحول در جامعه‌ی اسلامی، رابطه‌ی فرد و جامعه در اسلام و... به همین دلیل است که المیزان گوی سبقت را از دیگران ربوده و قله‌های جدیدی را در بحث‌های معارف قرآنی فتح نموده است.

ولی از روایات غفلت نشده است و ذیل آیات، روایات مربوطه هم نقل و نقد شده‌اند. البته در این زمینه هم المیزان شیوه‌ی خاصی را برگزیده است، چرا که مفسرین گذشته، عمدتاً به دو روش با روایات تفسیری برخورد کرده‌اند:

الف) گروهی با حسن نظر و اعتماد به همه‌ی روایات نگرسته و در صدد نقد آن‌ها از نظر سند و دلالت بر نیامده‌اند.
ب) گروهی دیگر تنها به بحث‌های سندی اکتفا کرده‌اند و پس از احراز صحت سندی، مضمون روایت را هر چند با ظاهر قرآن هم چندان موافق نباشند، پذیرفته و ملاک تفسیر قرار داده‌اند.

ولی مرحوم علامه طباطبایی، چون حجیه‌ی شرعی برای اخبار را تنها در محدوده‌ی احکام شرعی پذیرفته است و در غیر احکام، مثل روایات تفسیر چنین حجیتی را قبول ندارد، و از سوی دیگر به علت جعل و تحریف فراوان در روایات، به‌خصوص روایات تفسیری و قصص، حجیه عقلانی را نیز منکر است، لذا اعتبار روایات تفسیری را تنها در حدی که مضمون آن‌ها با قرآن موافق باشد، پذیرفته است و دیگر روایات را، هر چند دارای سند صحیح هم باشند، از نظر اعتبار بی‌ارزش می‌داند.

از این‌روست که در تفسیر المیزان به بحث سندی پیرامون روایات کمتر پرداخته شده است، مگر در مواردی که بررسی سند خود به رسیدن به قرائن کمک کند. مثلاً ذیل آیات داستان «هابیل و قابیل»، این روایت را نقل کرده است: «عن النبی (ص) اکسروا یسفکم یعنی من العتنه و اقطعوا، و تارکم و الزموا اجواف البیوت...»

سپس در نقل آن، به تناسب روایان این‌گونه احادیث، به مضمون آن‌ها توجه داده است. البته مرحوم علامه طباطبایی، در ضمن مباحث روائی المیزان، نکات فراوانی را مطرح کرده است که از آن‌ها اصول مهمی در مورد شیوه‌ی بررسی روایات به دست می‌آید، ولی در این جا برای پرهیز از اطاله کلام، از نقل آن‌ها صرف‌نظر می‌کنیم تا در فرصت دیگری به بحث پیرامون آن بپردازیم.

۲. شیوه‌ی بررسی روایات تفسیری

در المیزان، هر چند اساس کار بر تفسیر قرآن قرار داده شده،

۲. نقش فرهنگ‌سازی

تفسیر المیزان، تشنگان معارف الهی را از زلال معرفت سیراب می‌کند و پرده‌های الهام و تردید را از معارف می‌زاید. در شرایطی که فرهنگ غربی، به‌صورت سیلی ویرانگر به مغز ما و افکار جوانان مسلمان هجوم آورد و اعتقادات دینی آنان را در معرض تزلزل قرار داد، علامه طباطبایی به کار تفسیر پرداخت، تا بدین وسیله، با معرفی چهره‌ی واقعی مکتب اسلام، کذب اتهامات دشمنان را در زمینه‌ی این مکتب حیات‌بخش، آشکار سازد.

افتخار بزرگ المیزان آن است که به جای شبه‌تراشی و با طرح مجدد و شبهات هزارساله و پاسخ‌گویی به آن‌ها، به شبه‌شناسی پرداخت. علامه طباطبایی در مرحله‌ی اول، آسیب‌هایی را که این عصر متوجه مکتب کرده است، به خوبی شناخت و در مرحله‌ی بعد، با استفاده از مایه‌های علمی خود و با به‌کارگیری حداکثر توان، به پاسخ‌گویی پرداخت.

تألیف المیزان، اثبات عملی این حقیقت است که قرآن زنده است و می‌تواند پاسخ‌گوی انسان‌های حقیقت‌طلب در هر عصر و زمان باشد. مروری بر مباحث اعتقادی، اجتماعی و... تفسیر المیزان، گواه این امتیاز مهم آن است. مثلاً در بحث درباره‌ی «قصاص»، ضمن تبیین دیدگاه قرآن در این زمینه، شبهاتی را که شیفتگان فرهنگ بیگانه مطرح کرده‌اند، نقل و پاسخ می‌گوید [همان، ج ۱: ۴۳۴]. هم‌چنین در بحث «شخصیت زن و هویت انسانی او»، به بررسی فرهنگ دیگر ملل از اقوام گذشته درباره‌ی زن می‌پردازد. شیوه‌ی برخورد دنیای به اصطلاح متمدن امروزی را با زنان به نقد می‌کشد و برتری نظریه‌ی اسلام در این زمینه و پوچ بودن شبهات دشمنان را اثبات می‌کند. البته به این نکته تصریح می‌کند که بین مسلمانان هم، رسوباتی از خرافات در این باره وجود دارد. لذا باید بین دیدگاه اسلام و فرهنگ فعلی مسلمانان تفکیک قائل شد [همان، ج ۲: ۳۸۴].

در حالی که دنیای غرب و شرق، «مسئله‌ی بردگی» را بهانه‌ای برای انتقاد از اسلام قرار داده‌اند و خود به «آزادی» افتخار می‌کنند، المیزان بینش اسلام را با مکاتب امروزی بشری مورد مقایسه و ارزیابی قرار می‌دهد [همان، ج ۶: ۳۳۹].

۴. بحث‌های تطبیقی بین قرآن و عهدین

در تفسیر المیزان به مناسبت‌های گوناگون، حقایق قرآنی با مطالبی از دیگر کتب آسمانی و هم‌چنین عهدین مورد بحث‌های تطبیقی قرار گرفته‌اند و با این مقایسه، برتری و امتیاز قرآن تبیین شده است. مثلاً، «مقایسه و تطبیق دیدگاه قرآن و تورات درباره‌ی زنان (ج ۴، ص ۸۹) و یا قصه‌ی هابیل و قابیل در قرآن و تورات (ج ۵، ص ۳۲۳).

البته در تفسیر المیزان، بحث‌های پراکنده و مختلفی به

مناسبت‌های گوناگون درباره‌ی دیگر ادیان و مکاتب نیز مطرح شده‌اند که همه نشان از وسعت اطلاعات و عمق مطالعات علامه طباطبایی دارند.

۵. بحث‌های برهانی و عرفانی تفسیر المیزان

از آن‌جا که علامه طباطبایی، از صاحب‌نظران در مباحث فلسفی و عرفانی است، به گونه‌ای که آرای او به عنوان والاترین اندیشه‌های فلسفی در سیر تحول و تکامل این فن به شمار می‌آید، در مواضع متفاوتی از المیزان، از برهین عقلی برای تأیید مضمون آیات الهی استفاده شده است.

البته ایشان توجه داشته است که نتایج برهین عقلی را بر آیات قرآنی نمی‌توان تحمیل کرد [همان، ج ۱: ۱۱]؛ هرچند که کتاب و سنت به استعمال شیوه‌های صحیح عقلیه دعوت کرده‌اند [همان، ج ۵: ۲۵۸].

علامه طباطبایی، از زاویه‌ی تعبد و تسلیم به آرای بزرگان حکمت و عرفان نگاه نکرده است، بلکه نظرات آنان را با ملاک‌های روشن و مسلم قرآنی و برهانی، مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. از این‌روست که در موضعی از تفسیر المیزان، نقادی‌های هوشمندانه‌ای بر برخی اندیشه‌های عرفانی دیده می‌شود. هم‌چنین این نظریه را که «هدف از تکالیف الهی» تکمیل انسان است و لذا برای انسان کامل تکلیفی وجود ندارد، توهمی فاسد داشته و وجه فساد آن را توضیح داده است [همان، ج ۱۲: ۲۰۰].

البته در تفسیر المیزان، علاوه بر مباحث عقلی و عرفانی، نکاتی از علوم غریبه نیز به چشم می‌خورد و بنا به نقل برخی از شاگردان علامه، ایشان در این‌گونه از علوم نیز مهارت داشته است.

۶. بحث‌های تطبیقی بین دیدگاه‌های قرآن و نظریات جدید علمی

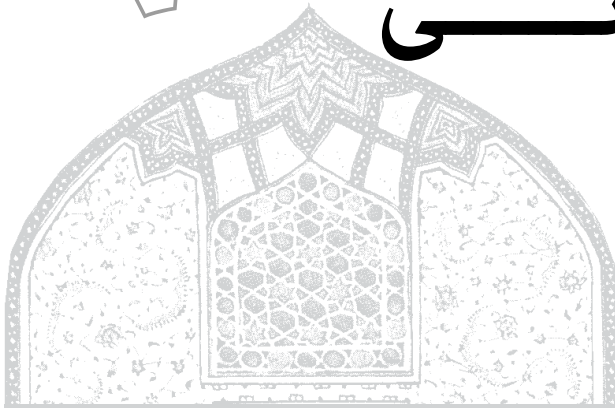
در اکثر تفاسیری که در عصر حاضر تألیف شده‌اند، نوعی افراط و یا تفریط در برخورد با نظریات علمی و دستاوردهای علوم بشری دیده می‌شود. عده‌ای به گمان دفاع از قرآن، به تحمیل این نظریات بر کتاب خدا پرداخته‌اند و در صدد اثبات این مطلب برآمده‌اند که قرآن ۱۵ قرن قبل، آخرین نظریات و فرضیه‌های علمی را مطرح ساخته است. گروهی دیگر که این طریقه را صواب ندانسته‌اند و از طرح مباحث علمی و بررسی تطبیقی طفره رفته‌اند.

به هر صورت، آن‌چه در این‌جا به عنوان ویژگی‌های المیزان برشمردیم، تنها اجمالی از تفصیل و جرعه‌ای از این اقیانوس پهناور معارف اسلامی بود.



**علامه طباطبایی،
از زاویه‌ی تعبد
و تسلیم به آرای
بزرگان حکمت
و عرفان نگاه
نکرده است،
بلکه نظرات آنان
را با ملاک‌های
روشن و مسلم
قرآنی و برهانی،
مورد نقد و بررسی
قرار می‌دهد**

پایگاه‌های قرآنی



www.tasnim.com

نام: تسنیم

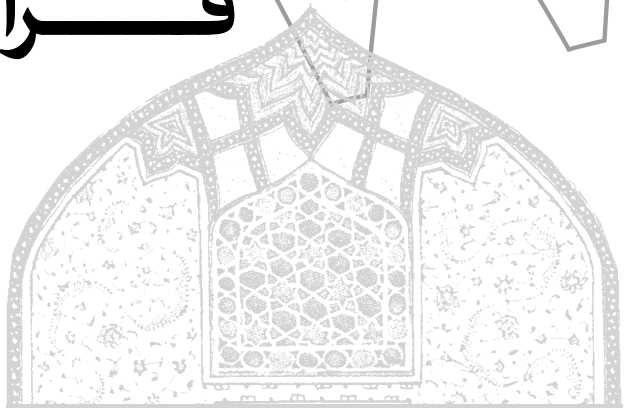
زبان: فارسی، انگلیسی

موضوع: اخبار و تعالیم قرآنی

نشانی پست الکترونیکی: info@tasnim.ir

شرح مختصر و امکانات پایگاه

پایگاه تسنیم با هدف اشاعه‌ی فرهنگ قرآنی و بیان اخبار قرآنی کشور و فعالیت‌های هنری، علمی و فرهنگی سعی در ایجاد فرهنگ قرآنی بین علاقه‌مندان دارد. می‌توان در مسابقات مطالب قرآنی، پایان‌نامه‌های قرآنی و مقالات این پایگاه شرکت کرد. در بخشی از پایگاه، کتاب‌های دیجیتال قرآنی قرار دارند که حجم وسیعی را دربرمی‌گیرد. این پایگاه، قابلیت عضوپذیری و جست‌وجو در مطالب و اخبار قرآنی کشور را داراست.



www.islamicmedicing.com

نام: طب‌الاسلامی

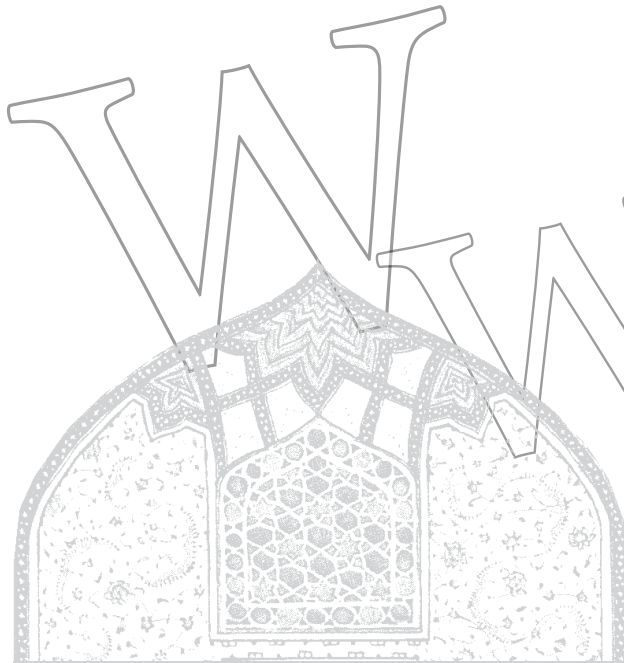
زبان: عربی، انگلیسی

موضوع: علم پزشکی و طب در قرآن

نشانی پست الکترونیکی: skalghazal@botmail.com

شرح مختصر و امکانات پایگاه

تفسیر آیات قرآن کریم و تلاوت آیات و نیز مقالات در موضوعات علوم قرآنی و حدیث، در این پایگاه دیده می‌شود. بیانات استادان به صورت صوت و فیلم و نیز خبرهایی از دنیای اسلام در آن موجودند. این پایگاه با قرار دادن صوت و فیلم سخنرانی‌های استادان علوم قرآنی و تفسیر، و با عضوپذیری برای فرستادن مقالات قرآنی و خبرنامه، در گسترش تعالیم قرآنی می‌کوشد.



www.IslamicDataBank.com

نام: پارسا (پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی)

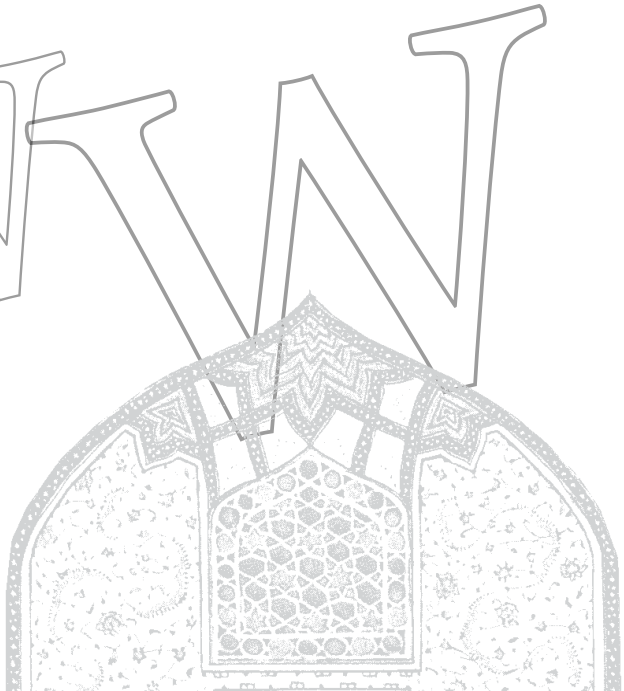
زبان: فارسی

موضوع: مقالات اسلامی و قرآنی

نشانی پست الکترونیکی: Info@IslamicDataBank.com

شرح مختصر و امکانات پایگاه

این پایگاه در زمینه‌های پژوهش، اطلاع رسانی، علوم رایانه‌ای، ترجمه و ویرایش، منابع منتشر شده را به صورت تخصصی وارد پایگاه می‌کند. کتاب‌شناسی توصیفی هر منبع شامل عنوان نام پدیدآورنده، محل نشر، ناشر، تاریخ نشر، عکس روی جلد، موضوع و... ابتدا در بخش مآخذشناسی استخراج می‌شود. از امکانات این پایگاه، ارائه‌ی فهرست و چکیده‌ی کتاب‌ها، مقالات و نرم‌افزارهای علوم اسلامی داخلی است. هنگامی که پژوهشگری روی شبکه‌ی جهانی به پایگاه مراجعه می‌کند، به کمک ابزار قوی جست‌وجو که در اختیار او قرار می‌گیرد، نخست منابع مورد نظر خود را انتخاب می‌کند و پس از مطالعه‌ی چکیده‌ها، منابع مورد درخواست را سفارش می‌دهد تا اصل منبع به صورت پستی برای او ارسال شود یا فایل رایانه‌ای آن را خریداری کند.



www.quranology.com

نام: قرآن‌شناسی

زبان: فارسی، انگلیسی

موضوع: اعجاز علمی و شناخت قرآن

نشانی پست الکترونیکی: info@quranology.ir

شرح مختصر و امکانات پایگاه

این پایگاه در سوئد و به منظور شناخت قرآن تأسیس شده است. به پرسش‌هایی در زمینه‌ی معانی واژه‌های قرآن، آیات آن، ابهامات آن و نظرات آن پیرامون مسائل گوناگون پاسخ می‌دهد. پاسخ‌های علمی و بحث‌های بدیع، از ویژگی‌های مهم این پایگاه است؛ بحث‌هایی در مورد اعجاز علمی قرآن در زمینه‌های بدن انسان، باد، باران، ستارگان، جنین، منطومه‌ی شمس و... با توجه به بیانات قرآن، نکات جالب توجه و بدیعی را در بر می‌گیرد. پاسخ به پرسش‌های کاربران و بازدیدکنندگان هم از امکانات این پایگاه به شمار می‌رود.

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک‌آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های عمومی دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ◆ **رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)
- ◆ **رشد نوآموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- ◆ **رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- ◆ **رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- ◆ **رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های عمومی بزرگسال

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ◆ **رشد آموزش ابتدایی** ◆ **رشد آموزش راهنمایی تحصیلی** ◆ **رشد تکنولوژی آموزشی** ◆ **رشد مدرسه فردا** ◆ **رشد مدیریت مدرسه** ◆ **رشد معلم**

مجله‌های اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ◆ **رشد برهان راهنمایی** (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) ◆ **رشد برهان متوسطه** (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی) ◆ **رشد آموزش قرآن** ◆ **رشد آموزش معارف اسلامی** ◆ **رشد آموزش زبان و ادب فارسی** ◆ **رشد آموزش هنر** ◆ **رشد مشاور مدرسه** ◆ **رشد آموزش تربیت بدنی** ◆ **رشد آموزش علوم اجتماعی** ◆ **رشد آموزش تاریخ** ◆ **رشد آموزش جغرافیا** ◆ **رشد آموزش زبان** ◆ **رشد آموزش ریاضی** ◆ **رشد آموزش فیزیک** ◆ **رشد آموزش شیمی** ◆ **رشد آموزش زیست‌شناسی** ◆ **رشد آموزش زمین‌شناسی** ◆ **رشد آموزش فنی و حرفه‌ای** ◆ **رشد آموزش پیش‌دبستانی**

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران، مربیان و مشاوران مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی.

◆ نامبر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

◆ تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۴۹۰۹۹

◆ E_mail: info@roshdmag.ir ◆ www.roshdmag.ir



جنگواره علوم و اطلاعات قرآنی

نشست نقد و بررسی کتاب «قرآنیات» اثر علیرضا ذکاوتی فراگوزلو با حضور دکتر مجید معارف، محقق علوم قرآنی؛ استاد دانشگاه تهران و عضو هیئت تحریریه مجله رشد آموزش قرآن و دکتر بخشعلی قنبری، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در سرای اهل قلم خانه‌ی کتاب برگزار شد.

دکتر مجید معارف، در این نشست گفت: نویسنده در این اثر به موضوع ویژه‌ای از علوم قرآنی، تاریخ یا تفسیر قرآن تمرکز نداشته است. به این معنا که نویسنده با اطلاعات قرآنی خود، در قالب مقاله یا گفتارهای شبه سخنرانی و مستند علمی، اثری خلق کرده است.

برخی نوگرایی‌ها در این کتاب دیده می‌شوند، البته این نوگرایی‌ها در حد نظریه نیستند، اما همین که از محدوده تفسیرهای سنتی خارج شده، قابل توجه است. نگاه نویسنده به قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، با بهره‌گیری از ظرایف عاطفی تا اعماق وجود مخاطب نفوذ می‌کند.

یکی از نقاط ضعف این اثر، وجود اغلاطی است که در برخی از مباحث کتاب دیده می‌شود.

کمبود اسناد علمی برخی مطالب در کتاب، دومین محور مورد توجه خواننده به‌ویژه خوانندگان دانشگاهی است. برای نمونه در صفحه‌ی ۱۴ کتاب، مطلبی از قول غزالی نقل شده که نام کتاب در آن بیان نشده است. همچنین برخی از منابعی که در کتاب استناد شده، قابل قبول نیست. برای نمونه استناد به معجم بحارالانوار یکی از این موارد است.

نویسنده در بخش جمع‌آوری قرآن، از اهل سنت حدیث روایت کرده که قرآن در زمان پیامبر (ص) جمع‌آوری نشده است، در صورتی که اکثر بزرگان شیعه مانند آیت‌الله خویی و علامه عسگری اعتقاد به جمع‌آوری قرآن کریم در زمان پیامبر اسلام (ص) دارند.

شرایط:

۱- پرداخت مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله‌ای درخواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.

۲- ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک با پست سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید).

♦ نام مجله‌های درخواستی:

.....
.....
.....

♦ نام و نام خانوادگی:

.....

♦ تاریخ تولد:

.....

♦ میزان تحصیلات:

.....

♦ تلفن:

.....

♦ نشانی کامل پستی:

.....

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: کد پستی:

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

.....

نظریه‌ای قابل تأمل درباره‌ی حروف مقطعه قرآن کریم

نشست نقد و بررسی کتاب «هیرو گلیف در قرآن» نوشته سعد عبدالمطلب عدل، با حضور حامد صدقی، مترجم و استاد ادبیات عرب و بخشعلی قنبری، نویسنده و کارشناس ادیان در سرای اهل قلم برگزار شد.

قنبری، نویسنده و کارشناس ادیان: به اعتقاد نویسنده این اثر حروف مقطعه در آغاز برخی سوره‌های قرآن، برگرفته از زبان باستانی هیرو گلیف‌اند. این تفسیر در کنار دیگر تفاسیری که از حروف مقطعه ارائه شده‌اند، قابل تأمل است چرا که تمامی ادعاهای نویسنده مستندند.

سعد عبدالمطلب عدل نویسنده‌ی این کتاب، مدعی است که حروف مقطعه در آغاز برخی سوره‌های قرآن، از زبان باستانی هیرو گلیف نشأت گرفته‌اند. البته تاکنون گمانه‌زنی‌های بسیاری درباره‌ی این حروف انجام گرفته و تفاسیر متعددی درباره‌ی حروف مقطعه ارائه شده که توسط مترجم در مقدمه این اثر ذکر شده‌اند. نویسنده در پی تلاش‌هایش به نتایجی قابل تأمل دست یافته و به خوبی روشن است که این کتاب نتیجه‌ی پژوهش‌های دقیق اوست، نه تأملات ذهنی نویسنده. هیرو گلیف زبانی سنتی است که سال‌هاست رواج ندارد، بنابراین عدل در این تحقیق با کار دشواری روبه‌رو بوده و برای اثبات ادعایش دلایل زیادی آورده است. حامد صدقی، مترجم اثر می‌گوید: نویسنده اثر از آیه «انا انزلنا علیک سبعاً من المثنائی و القرآن» استنباط ویژه‌ای دارد و براساس آن حروف مقطعه را بیشتر از چهارده حرف می‌داند. او تعبیر خاصی از «طه» دارد و آن را «ای مرد» معنا می‌کند. از میان مفسران، تنها زمخشری چنین معنایی را برای این واژه در نظر گرفته است. هیرو گلیف زبان مصر باستان بود که پس از حمله ناپلئون به مصر، توسط دانشمندان فرانسوی رمزگشایی و خوانده شد. هیرو گلیف زبانی تصویری است به همین علت نویسنده در شرح هر یک از حروف، معنای معادل آن در هیرو گلیف را تصویر می‌کند. هنگام خواندن این کتاب به نکات جالب توجهی برمی‌خوریم و البته نمی‌توان گفت که تمامی ادعاهای نویسنده صحیح است، اما به هر حال به عنوان یک نظر قابل بررسی است.

به اعتقاد او زبان هیرو گلیف در زمان پیامبر (ص) نیز رایج بوده است و این امر یکی از دلایل اثبات برگرفته شده حروف مقطعه از زبان هیرو گلیف است. یکی از توجیهات نویسنده برای به کار بردن این زبان باستانی در قرآن، ارائه حجت و دلیلی برای بهبودیان اهل کتاب بوده است. افرادی که آشنا به زبان‌های باستانی بودند و با مشاهده آن در قرآن به یقین نزدیک‌تر می‌شدند.

یادآوری:

- ♦ هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، بر عهده‌ی مشترک است.
- ♦ مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک است.

- امور مشترکین: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶
- صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- پیام گیر مجله‌های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲